



D.1616RF7

P. Cal. 62

Cal. Coll. 62  
(P)



گنج مارچ



sl.no 029309



<p>گوشت و سنو از بان گویاست زو جلوه او شد عیان بر روی گل خوان قبر آن قل بود اندام کن نظر سر و رخسار درین</p>	<p>دیده اهل نظر نیست زو بوی اوید است اندر بوی گل بی زن و فرزند الله الصمد تا نظیر آید ترا نور یقین</p>
<p>سد کونین ختم الانبیا باج گرفت از سلطان تاج او نادی گم گشتگان گم بان حامی دین و شفیع المذنبین چتر لولاک است زیبا بر سرش از احد کرد دست این احمد ظهور از میانش میم چون برداشته در شنایش از زمین تا آسمان نام نایش محمد مصطفی صد صلوة و صد درود و صد سلام</p>	<p>در نعت سرور کائنات خلاصه مودع و ات سید عالم صلی الله علیه و سلم احمد مرسل محمد مصطفی تاجه اوان جان محتاج او خانه دار خانه یگون و مکان ابر رحمت رحمة للعالمین خلعت الارسل اندر برش نور عین آمد عیان از عین نور ذات احمد را احد نگاشتند هست بر اهل زبان ملک اللسان ده چه خوش نام نه اصل علی باد بر روحش الی یوم الیام</p>
<p>اولا صدیق آن والا همسم صادق و اصدق محب کبریا شاهد اوصاف قرآنش است و آن عمر و الا که غازی دین بنده حق اهل حق حق الیام بر کلامش نطق الحق شد دلیل در جهان شد عزت اسلام زو حضرت عثمان شه اهل صفیا مخزن انوار و ذوی النورین او</p>	<p>در مدح هر چهار اصحاب کبار حضرت سید ابرار صلی الله علیه و سلم کان صدق و مخزن لطف و کرم یار غار مصطفی با صد صفیا اوهامنی الغار در نشانش است بعد پیغمبر بنی را جانشین از زبانش حق عیان گشتی پیام هست این قول نبی بی قال و فکر یافت دین حق بعالم نام زو جانشین ثالث خید الورا آفتاب دین شه کونین او</p>

<p>جمع البحرین در باب سحر          خیدر صفدر شه کترار بود          پهلوان شیر دل شیر خدا          عاشق الله و محبوب بنی</p>	<p>شاه و الاجاه با سلم و جیا          ابن عسّم احمد متجمل را بود          وائی عالی علی المرتضی          پادشاه دین سخی متقی</p>
<p>در تشریح و تقسیم این کتاب که بهشت مخزن تقسیم است</p>	
<p>بهر ذکر خیر پیران کرام          نیز در ذکر سخنان باوقار          جاسج تاریخ هر یک گفته ام          در هزار و دویست و شصت و ده          نام تاریخی زهر این کتاب          کرده ام تقسیم اند زشت گنج          مخزن دل قم ای نیک نام          نیز سال فوت اصحاب کبار          باز در ذکر امامان کرام          گنج ثانی شد بهای ای اغی          گنج ثالث آمد ای نیکو سرشت          در چهارم شد بطرز دل سپد          کرده ام در مخزن غم عیان          گنج ششم است در مشغولات          هشتمین ذکر سخنان باوقار          گنج هشتم را من ای دالاهم          حصه اول جو کردم ابتدا          حصه ثانی جو شد از من عیان          حصه ثالث ز روی آگهی          حصه چهارم جو آمد بر قلم</p>	<p>یافته این گنج تاریخ اطعام          داده ام این گنج خود را افتخار          طرفه تر در نظم گوهر شفته ام          مانند این مخزن ز سرور یادگار          گنج تاریخ آمده اندر حساب          تاریخی حصه بیست و پنج          گشت در ذکر شه خیر الانام          شد در و تقسیم ای عالی وقار          ختم شد گنج غنّین و السلام          در بیان اولیا که قادی          بهره گر خاندان اهل حشمت          ذکر خیر اولیا که نقشند          شرح حال سحر و در بیان          منتهین ذکر کرب و عارقات          یافت ز ایشان گنج تاریخ افتخار          کرده ام در یازده حصه رقم          بخره زوداد م بنی امیر را          شد بنی عباس را در وی بیان          شد در و ذکر شهان غر لوی          گشت در وی ذکر غوریه رقم</p>

سکه تاریخی

[illegible]

<p> نیمین خلیجہ آمد در شمار  خضر خانی را بقیتم کن نظر  در ہم چنگیزی است ای نیکو  شدر تم اندر دہم ای نوجوان  حصہ احدی عشرای جان من  تیز ذکر شاعران ہویشند  جامع این جلد گنج مختصر  سرورم نے نے علام سرورم  ہست پیش شاعران بانہر  وزہ ام در پیش نور آفتاب  زین سبب دارم لصد عجز وند  بر خطا مانے کہ باشد در کتاب  ور نہ بہد از سر لطف و سخا  ہر کہ بر این بر خطا احسان کند  پردہ پوشی کن کہ ستار العیوب  یا آئے ہے بہر آل فاطمہ  یا آئے ہے بہر اولاد علی  یا آئے ہے بہر اصحاب رسول  یا آئے ہے بہر پیران کرام </p>	<p> گنج اول در قطعات تواریخ وفات حضرت سرور عالم صلی اللہ علیہ وسلم  و خلفائے راشدین و ائمہ دین رضوان اللہ تعالیٰ عنہم احب بین  قطعات وفات آنحضرت علیہ الصلوٰۃ والسلام کہ دیال باز دہموی بدویم </p>
<p> چون محمد از جہان پوشیدہ  محو ہوو بدست ذات پاک او  بود ذاتش حزن حب خدا </p>	<p> مثل خورشید جلوہ گر اندر رخا  گشت از بھوسال ترحیلش عیان  منال ترحیلش احب ای جوان </p>

[illegible]



[illegible]

سال اول از امیر اشکانه  
بدولت و شایسته و بی غش و غش  
فغانی و شایسته و بی غش و غش



بن ابوسفیان توفیق نمود و از  
جنگ و خون ریزی غنی گشت  
بگذشتن از عهده نامشروع و  
آنوقت بعد از آنکه خود را  
بوسه شربت شهادت بخشید و  
درین باب اختلاف است بعضی  
میفرمایند که عهده با یاس عسادی  
بهر باغجای داده بود و بعضی  
بایامی زید علیهما قول اول  
که مولانا عبد الرحمن غازی  
آن است مقرون بعد از آن  
چونکه بعد شهادت آنحضرت عسادی  
زید را ولی عهد خود کرد و در  
غایت آنجا که کس را ندانند

<p>شاه غازی پہلوان تھے شدہ از دل معلی شد علی تاشد و تاریخ و صلش منجلی یافت آخر صورت مولی گولی یا قسم از سال فوتش آگے از وقتش ماند بیدل جگہ کے یا علی مولے علی مولی علی</p>	<p>حامی دین و دوسے مصطفی گشت چون از فروش پرورش موج نیز گفتم رفت محبوب از زمان بندہ حق رفت چون برین دہر از زمین خوگن رفت زیب او لیا بود ذات او دل پر اہل دل از دل و جان و در دکن سرور دم</p>
<p>شیرز دانی علی المر تھے از دل سرور چنین آمد ندا رفت از عالم حبیب الا دلیا</p>	<p>چون شہادت یافت با صدیقی تھو پیر سال انتقال آن جناب صاحب از عالم سفر کردید پرغ یاری شہادت حضرت امام حسن رضی اللہ عنہ کہ در سنہ پنجاہم حرمی بوقوع آ</p>
<p>احسن دین محسن و ورندہ مان وہ العین بنیہ و دجہان نخل بے جان ماند شد و آکا نہ چمان گشت تاریخ وصال او عیان یاد تا باشد زمین و آسمان</p>	<p>مجمع خلق حسن حضرت حسن نور چشم حضرت خیر النساء رفت چون از دار دنیا گشتل کامل و مالک ز عالم چون رفت رحمت حق بر روان پاک او</p>
<p>نور چشم علی و لے زمان پس پنج بہت سال رحلت آن ماند بے یار سر نہر و دران بہت گل سال رحلتش شان</p>	<p>محسن دین حسن امام جان چون محب جناب نبوی بود نیز گو سال رحلت آن شاد چون گل باغ جنت بہت حسن</p>
<p>آن محب ذوالنہن شاہ حسن ماند خالی آہ اند و آگے زمین</p>	<p>چون ز دنیا می دنی سموم رفت گفت دل اسلام از آفاق رفت</p>







مهنت کس باطنی حاصل می شود  
 علی الله علیه و سلم در یافت  
 گرامی ایشان روایت گردید که  
 مالک حبیب بن عبد الله بن  
 عبد الله بن ائش عبد الله بن  
 یحیی عبد الله بن عمر عبد الله بن  
 یزید و الله بن اسحق و یحیی بن  
 قیس و عوف و زرار و نجاش  
 و کز و کز و کز و کز و کز و کز

[illegible]



بن حسن بن علی بن اسطخر  
بود و سه روز پیش از این  
علوی فاطمی میخواستند که  
امام سوم است از امام اربعه  
پس نیست اول در مدینه منوره  
کسب علوم از امام مالک و شافعی و  
پس از امام احمد و حنبل و  
امام اعظم فخرت داشت و پیاده  
نمود و ولادت وی بمقام عز  
بقوی در عتقان و بقوی در سواد  
دغات روز جمعه سلیمان ماه ربیع  
در آن زمان مصر بود و از آن  
باب کات و سه دیبای قسطن  
بود که بر سه زمین جاری شد  
خفتی بسیار و طلبا و بیشتر از دست

و سے خواہد علوم دینی و دنیاوی  
بافتند ۱۲ قسم است  
۱۳ دو سے امام است  
از امیه اثنا عشر کتب است  
۱۴ ابو الحسن چون کتب پدر کے  
کاظم و نام نامی ولی علی لقب  
۱۵ ریاضت و لاوت و می و دیدنی  
سنور و بروز شنبه باز دهم  
۱۶ ربع آقا و وفات و در کتب  
۱۷ کس بقام توپنیا یا تباریم  
۱۸ کس بقام المارک و قوم آد  
۱۹ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۰ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۱ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۲ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۳ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۴ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۵ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۶ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۷ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۸ کس بقام المارک و قوم آد  
۲۹ کس بقام المارک و قوم آد  
۳۰ کس بقام المارک و قوم آد

محمد شافعی کو والی ملک خان آباد	بنیاد پیش جامع علم زمین و آسمان
ولی اللہ والاسال تولید شد رقم درم	ولی اللہ محمد سنہ ترحیلش عیان آمد
جب اصیفا کر دم رقم سال وصال	کہ ذات او امام و مقتدا می در جهان آمد
بارخ دلاوت و وفات امام علی رضی بوسی کاظم کہ دلاوت و دمی سال کعبه	نجاه و دو و یاسه و وفات دمی در سنہ و دوحه و سیه مانج ایش داشت باقیال عظماء
سید افضل و امام حسام	عالم دفاضل و فقیہ علی
سال تولید است محی الدین	رحلتش سید و چہ علی
آن امام علی رضا موسی	قرہ دیدہ بنی و علی
طالب عالی است تولیدش	رحلتش شو امام دین بنی
آن امام حق علی موسی رضا	آنکہ گشت از دمی میان بنی

در طلب زهر با حضرت از دروازه خلیفیم در بندار باران شد و در میان  
در آنجا آب رسد و در آنجا آب باران شد و در میان  
در آنجا آب رسد و در آنجا آب باران شد و در میان





[illegible][illegible]





۱۶

عه کنیت دے اود القاسم  
 و القسید الطایف و طویس  
 الطلاق و اریبی و زواج از ان  
 و قواریبی و زواج از ان  
 که والد بر سرگوارش محمد بن  
 یحیی بن افرختی و در نهادند  
 بگنجینه دانشی و ضعیف و  
 سکونت داشتی و بنام اکبر  
 بنیاد متولد شد و در لغت ادب  
 خود موسوم است و در لغت ادب  
 و تکمیل از شیخ سیدی تقی  
 حقیقی و مرشد وی بود و بابت  
 و شیخ خارش میسبی و محمد  
 که از غلامی ادبیای وقت بود  
 صحبت نمود و در شیخ سیدی  
 لطیف حاصل کرد و شیخ سیدی  
 و ابو الحسن از وی

که از عکاسی و مصحح  
صفت حاصل که در هیچ  
و الهی و حسن از عکاسی  
ویرانید به عکاسی از  
و جود می شود و در کار  
و عکاسی و مصحح











تاریخ وفات پید شرف الدین صبیحی خلف الرشید غوث الاعظم که در سال پانصد و هشتاد و نه	
شیخ شرف الدین جعفر اندر جان	سیال اصل آن شه اهل کمال
مکن رتسم مسعودید چشمو	مثنی پاک صم سال وصال
ذات پاکش بود میر عاقبت	عاقبت شد عاقبت تاریخ سال
تاریخ وفات شیخ صدوقه بنیادی قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و نه بود	
امام جهان صدقه سپهر کبر	فدا کرد در عشق حق جان و تن
ز سر داری حق سال و صفتش بخو	دگر صدقه صادق امام زمین
تاریخ وفات بوخرام شیر قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و نه بود	
بوخرام خون نوز خند	شد چو در خلد برین منزل گزین
سال و صفتش بوخرام نوجوان	نیز فیض باطلع نور یقین
ارستاش آفتاب کمال است	نیز سیر جسته ای اهل دین
تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و نه بود	
چون محمد از جهان بالطف حق	گشت در فردوس دالایره یاب
رحمتش سر داری شایسته شد	نیز شد روشن محمد آفتاب
باز سال ارتحال پاک آو	اهل تسلیم آیده اندر حجاب
تاریخ وفات شیخ ابوسعود بن شبلی قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و نه بود	
شیخ ذبی رفته سپهر عالمگیر	بوستو دانکه بود در بدیه حق
عاشق حق مگو بر حلت او	هم شه بوستو بود در بدیه حق
تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و نه بود	
چون سفر کرد از جهان فنا	در جهان مهدی زمانه حیات
رحمتش بسع حیات مگو	هم سخو آن مهدی زمانه حیات
قطعه ناله	
حیات آب حیات حیدرین	جواز دنیا بر جنت گشت پیدا
نه آشد از دم آسودن تاباش	دگر آمد میان شمس العلوی
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الرحمن قدس سره که در سال پانصد و هشتاد و نه بود	

تاریخ وفات پید شرف الدین صبیحی  
 خلف الرشید غوث الاعظم که در سال  
 پانصد و هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ صدوقه بنیادی  
 قدس سره که در سال پانصد و  
 هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات بوخرام شیر قدس سره  
 که در سال پانصد و هشتاد و نه  
 بود  
 تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی  
 قدس سره که در سال پانصد و  
 هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ ابوسعود بن  
 شبلی قدس سره که در سال  
 پانصد و هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی  
 قدس سره که در سال پانصد و  
 هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ ابو عبد  
 الرحمن قدس سره که در سال  
 پانصد و هشتاد و نه بود

کی مذکور است که غوث الاعظم در حق  
 زود است که این غوث الاعظم در حق  
 و غوثین حاجی محمد که از آن غوث  
 خواجه اند غوث علی السلام هم از  
 غوث از غوثین بود و در سال  
 علم غوث غوث الاعظم است و در  
 از دوی غوث آمد غوث با به الی و  
 غوث است

تاریخ وفات پید شرف الدین صبیحی  
 خلف الرشید غوث الاعظم که در سال  
 پانصد و هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ صدوقه بنیادی  
 قدس سره که در سال پانصد و  
 هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات بوخرام شیر قدس سره  
 که در سال پانصد و هشتاد و نه  
 بود  
 تاریخ وفات شیخ محمد الاوانی  
 قدس سره که در سال پانصد و  
 هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ ابوسعود بن  
 شبلی قدس سره که در سال  
 پانصد و هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ حیات خیرانی  
 قدس سره که در سال پانصد و  
 هشتاد و نه بود  
 تاریخ وفات شیخ ابو عبد  
 الرحمن قدس سره که در سال  
 پانصد و هشتاد و نه بود

[illegible][illegible]

فانما هذا ما هو عليه في الحقيقة







تاریخ وفات سید امام عبداللہ یاضی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	آن امام یاضی نورالہ	بود اندر یک یک قطب الہی
تاریخ وفات سید عبدالملک بہا کبری کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	مقتدا ای و جہان عبدالملک	کا شفا می یام یاضی
تاریخ وفات سید عبدالواسع بہا کبری کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	عبد واسع سید ہر دوسرا	ہم ولی بوسعات یاضی
تاریخ وفات سید عبدالخالق بہا کبری کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	شاہ عبدالخالق آن مادی خلوق	ہم ہشتاد و غریب استای ولی
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	شیخ زوی زمین بہاد الدین	مقتدا اور ہما و متقی
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	رفت چون از جہان بخت خستہ	باز فرما سید محصل ولی
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	بغزو دوس برین چون کرد رحلت	تاریخ وفات سید عبدالغنی کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	محمد شاہ سیران قطب قطاب	ماہ فردوس ویدہ رنج کمال
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	وگر سلطان اکبر متقی گو	عارف شروع و ذاکر کمال سال
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	چو شد از جہان بدشت برین	تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	شو دسال ترحیل آن شاہ دین	تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری
تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری	تاریخ وفات سید محمد غوث جلی جی گیلانی قدس سرہ کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج ہجری قمری



تاریخ وفات سید مبارک خانی گیلانی اچي که در سال نهصد و پنجاه و شش بود قوم که	
بارک شد جو فردوس معلی رفیق الله نسرور رحلتش یافت ۹۰۹	بان محمد مبارک پیرکیت دگر فضل الهی گشت مهر گویا ۹۰۹
بگو سید مبارک پیر رهبر مکرم باری حق سید مبارک دگر شیخ ولی و ماه فضل است ۹۰۹	ولی و جهان مستاق فرما عیان شد وصل آن شاه معلی وصال آن ولی محبوب مولی
تاریخ وفات سید محمد غوث بالا پیر صاحب شکره که در سال نهصد و پنجاه و نه بود قوم که	
شد جو در خلد برین منزل گزین و ان وصلش تیر چندی مستقیم ۹۰۹	آن محمد غوث پیر و سنگیر نیز صادق شاه بالا پیر پیر سال وصل آن شکر و روشن ضمیر
باز عارف با خدا شد جلوه گر تاریخ وفات سید بهاول شیر گیلانی حجره و اله که در سال نهصد و هشتاد و دو بود قوم که	چون بهاد الدین زوینار خست چندی ابرار شیر آمد عیان شیر عرفان بی گور حلتش باز گور حیل اوسر و هشت ۹۰۹
رفت در فردوس چون سرو دهنی سال وصلش نیز شیر خسته نیز پیر دل شیر سلطان اولی نیز قطب الاکرامین شیر ای حنی	چون بهاد الدین زوینار خست چندی ابرار شیر آمد عیان شیر عرفان بی گور حلتش باز گور حیل اوسر و هشت ۹۰۹
قطعه ثانی	
رفت چون از جهان بهاد الدین پیر اسل صفا بها و ل شیر نیز شیر دلیر حق عالمی ۹۰۹	یافت مسکن نجبت الاله گشت تاریخ رحلتش پیدا هست تاریخ آن شه و الاله
قطعه ثالث	
شد بهاول شیر در خلد برین سال تاریخ وصال آنجناب تاریخ وفات محمد و م حمی قادی قدس سره که در سال نهصد و هشتاد و شش بود قوم که	زین جهان پر بلا چون گشت پیر گفت سرو و قطب حق شیر دلیر ۹۰۹
شد جو محمد کلوم از جهان بونفا رحلتش محمد و م قطب العالم است ۹۰۹	گشت در فردوس و الاله هم بخوان مادی محمد و م الکبیر

[illegible]

دشت تمام شب در خواب گذرانیدی و در یک اجلاس ختم قرآن کردی و

تاریخ وفات سید عبد الله ربانی گیلانی اچي که در سال نهصد و هفتاد و هشت بود و رقم آید	
روینارفت در صند	چو شیخ پاک عبد الله معصوم
وصال پاک او از دل عیان شد	امام دین عبد الله محمد دم
دو بار ابر محمدی بهشت است	دگر فیاض مطلوب است معلوم
تاریخ وفات سید حامد گیلانی اچي مطابق هصد و هفتاد و هشت سال هجری	
شیخ حامد گنج بخش دو جهان	شد ملک غلذ زین فانی سرا
شیخ محبوبی است سال وصل او	نیز حادث شاه سید مقتدا
پیر حادخ ابر حیدر دخوان	سال وصل آن ولی الاولیا
سید حامد محب دو الجلال	بر سال وصل او شد مدعا
ابر رحمت سید حسد بگو	فصل بنوی نیز سالش سرورا
تاریخ وفات سید اسماعیل گیلانی قدس سره که در سال نهصد و هشتاد و هشت بود و رقم آید	
رفت چون از جهان سجد بریز	پیر روشن ضمیر اسماعیل
گشت تاریخ رحلتش روشن	نیر نور سید اسماعیل
تاریخ وفات شیخ ذواد کرمانی چوبی و آل که در سال نهصد و هشتاد و دو بود و رقم آید	
حضرت ذواد شیخ با کمال	شد چو از دنیا سبقت یافت جا
کن رقم فیاض کائناتش	باز فرما اسیر عرفان مقتدا
زنده دین محترم سیر آیدست	نیز میر حق پرست از دل ندا
قطعه ثانی	
سال انتقال شیخ ذواد	چو سرور ماده تاریخ خوا
عطا بخش است دیگر فضل یزدا	سه کر خان ولی فیض الهی
تاریخ وفات شیخ بهلول در پائی قدس سره که در سال نهصد و هشتاد و سه بود و رقم آید	
رفت روشن با وج جبریز	کرد رحلت چو از زمین بهلور
است شیخ جلیل تار کشیش	هم بخوان خیر اهل دین بهلول
قطعه ثانی	
چو شد بهلول از دنیا سبقت	دو تاریخ وصال اوست دریا







جانب شیخ کامل صدر دیوان	بعلم عشق کامل قطب عالم
نشد پیر سال انتفاش	کرشاه شاه کامل قطب عالم
بارخ ولادت و وفات شیخ فضل حسین لاهوری که ولادتش در سال	نقصید و چهل پنج و وفاتش در سنه یک هزار و شصت و هجری مقدس بود
طالب عشق و عاشق جان باز	ماه عالم حسین نور العین
گشت پیدائش دین سرست	سال تولد او بریت وزین
گفت سرور محقق سرست	سال تحویل آن شه کوئین
شیخ محمود و نیز شیخ زمان	وصل او است سمع عشق حسین
بارخ وفات شاه بدر گیلانی قدس سره که در سال یک هزار و هفتاد و دو	
حیدر الدین ازین دنیای فنا	سفر روزید و شد روشن جنت
رقم کن فضل حق یا شیخ حق سال	در گریه ولی بدر اگر است
بارخ وفات شاه شمس الدین لاهوری که در سال یک هزار و شصت و یک بود	
جلوه گر شد چون باوج هفت چرخ	روح شمس الدین دلی باصفا
سال ترخیص عیان شد از خرد	مادی محبوب شمس الاتقیا
میر عالم تر شمع بود از آب	باز مجذوب کریم آمد ندا
صاحب ذکر است و هم عارف سخن	شیخ خالص نیز با دلی رضا
بارخ وفات سید عبدالقادر ثالث لاهوری که در سال یک هزار و شصت و دو بود	
عبد قادر و شد ز دار فنا	یافت از حق سجد و الحاح
فیض اسلام گشت رنجش	هم سخنان عبد قادر اهل خدا
بارخ ولادت و وفات شیخ خیر دین ابو المعالی قادری لاهوری که ولادتش	در سال نقصید و شصت و وفات در سنه یک هزار و چار هجری بود
ابو المعالی خیر دین احمد	انکه شد بر نور ز اوروی زمین
خیر دین مولی است تو تیش عیار	رحلتش فراموش خیر دین
بارخ وفات شیخ عبداللہ بنی قدس سره در سال یک هزار و شصت و دو	
شد ز دنیا چو در بهشت برین	شیخ با اختصاص عشق اند

بصورت ماندنش در بیست و یک روز و یازده روز است و از غفلت و شایخ قاضی و اکبر میرد ان شاه اسکندر این است و بعد تکبیل و لا اله الا الله و قبولی عظیم مسلمانی یافت و بدین اسمای بدو پنج کتاب تقدیر است:





۲ در کشید شریف بر دو جامه پاکست و ز نرید و شانه را ده دار اشکوه از اعظم خلای و مریدان دی بویزارش ولا بهت



رحلتش است عارف سرست	نیز فرافضل و اصل دین
تاریخ وفات شیخ رحیم دادوشاهی قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	در جهان یافت رتبه اعظم
چونکه آن اعظم و عظیم دریم	سپهت در پایدی انقض تاریخش
هم سخوان اشرف و کریم راچیم	تاریخ وفات سید حسن بیادری گیلانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت
چون جناب سید و الا حسن	حسن یافت در حله برز
نیز فرافضل مولا حسن	رحلتش شیخ حسن مطلوب گو
تاریخ وفات شاه رضا قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	با نعمت غلغله گشت راسه
چون شاه رضا ولی و الا	دل گفت که آفتاب غلغله است
تاریخ وفات شاه درگاه لاهی لاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	گشت روشن جو رفت از دنیا
در جهان همچو ماه در گشت	شیخ پیر است از سخاوتش نیز
قطب سر و ارشاد در گاهی	تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت
عابد و محمود و سید مقتدا	تاجدار حله شد باغ و شاخ
باز شد سید از شیخ الاصفیا	شد عیان سالش ز قیاض کبیر
عاقبت محمود تاج اولیا	نیز سر و گفت سال وصل او
تاریخ وفات سید نور محمد حجه و اله که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	نور محمد آن مر عالم جو از جهان
بر عرش حق رسید تقرب جلیل حق	شاه کریم منتقی آمد وصال او
دیگر گو که نور محمد جلیل حق	تاریخ وفات حافظ بر خور و ارشاد قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت
شید جو بر خور دار در باغ بهشت	شید جو بر خور دار در باغ بهشت
حافظ عالم بگو ناریخ او	باز محبوب جهان شاه بهشت
تاریخ وفات شیخ هشتم دیال نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت	

در تاریخ وفات شیخ رحیم دادوشاهی قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت  
 در جهان یافت رتبه اعظم  
 چونکه آن اعظم و عظیم دریم  
 هم سخوان اشرف و کریم راچیم  
 تاریخ وفات سید حسن بیادری گیلانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت  
 حسن یافت در حله برز  
 رحلتش شیخ حسن مطلوب گو  
 تاریخ وفات شاه رضا قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت  
 با نعمت غلغله گشت راسه  
 دل گفت که آفتاب غلغله است  
 تاریخ وفات شاه درگاه لاهی لاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت  
 گشت روشن جو رفت از دنیا  
 شیخ پیر است از سخاوتش نیز  
 تاریخ وفات شیخ تاج محمود قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت  
 تاجدار حله شد باغ و شاخ  
 شد عیان سالش ز قیاض کبیر  
 نیز سر و گفت سال وصل او  
 تاریخ وفات سید نور محمد حجه و اله که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت  
 نور محمد آن مر عالم جو از جهان  
 شاه کریم منتقی آمد وصال او  
 تاریخ وفات حافظ بر خور و ارشاد قادیانی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت  
 شید جو بر خور دار در باغ بهشت  
 حافظ عالم بگو ناریخ او  
 باز محبوب جهان شاه بهشت  
 تاریخ وفات شیخ هشتم دیال نوشاهی که در سال یک هزار و یکصد و هشتاد و هشت











تاریخ وفات شیخ مصاحب جان قادری لاہوری کہ در سال کبزار و یکصد و دو توکم	مہنت غیب اللسان وصالش نیز	متقی میر عبد رزاق است
چون مصاحب بر جنت باری	یافت و ز بار گاہ جنت بار	بار دیگر ز محسن الاسرار
تاریخ ولادت وفات سید صدر الدین حجرہ والد کہ دلاوتش در سال	یکبزار و یکصد و شصت و وفات در سنہ کبزار و یکصد و نو توکم	
صدر عالم صدر دین صدر الفیہ	جلوہ گر شد از خز و مہتاب غلہ	منظہر دین صدر فیض بنی
باز شاہنشاہ سرور طرفہ تر	سن وصل آن شہ عالمی جہا	سرور اقبال سید آن والادلی
تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال کبزار و یکصد و نو توکم	با شقاوت شد جو از دار فنا	سال تولدش ز دل شد بخلی
گوشتہ فیض است تاریخش دگر	تاریخ وفات شیخ جامعہ قادری کہ در سال کبزار و دو صد و شش توکم آمد	سست صدر الدین امیر متقی
چو جان نازہ از وصل خدا است	وصال او بر شیخ رہنما جو	شہ عالم دے جان محمد
تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال کبزار و دو صد و شانزدہ توکم	خالہ خلد شد جو از عالم	دگر فرما عنے جان محمد
رحلتش صاحب ظهور بگو	تاریخ وفات شیخ محمود قادری لاہوری کہ در سال کبزار و دو صد و شانزدہ توکم	شیخ عالم تکریم عابد اللہ
حاجہ و محمود چون زین و ہرقت	سال تر حلیش شد از سرور عیا	بر رویش باب جنت گشت باز
تاج اخبار است و ہم اہل ظفر	تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سنہ کبزار و دو صد و شانزدہ توکم	مختار محمد و میر بے نیاز
		سال واصل آن ولی اہل راز

تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجرہ والد کہ دلاوتش در سال یکبزار و یکصد و شصت و وفات در سنہ کبزار و یکصد و نو توکم

صدر عالم صدر دین صدر الفیہ جلوہ گر شد از خز و مہتاب غلہ باز شاہنشاہ سرور طرفہ تر سن وصل آن شہ عالمی جہا

تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال کبزار و یکصد و نو توکم با شقاوت شد جو از دار فنا سال تولدش ز دل شد بخلی سست صدر الدین امیر متقی

چو جان نازہ از وصل خدا است وصال او بر شیخ رہنما جو شہ عالم دے جان محمد دگر فرما عنے جان محمد

تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال کبزار و دو صد و شانزدہ توکم خالہ خلد شد جو از عالم رحلتش صاحب ظهور بگو

حاجہ و محمود چون زین و ہرقت سال تر حلیش شد از سرور عیا تاج اخبار است و ہم اہل ظفر

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سنہ کبزار و دو صد و شانزدہ توکم مختار محمد و میر بے نیاز سال واصل آن ولی اہل راز

تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجرہ والد کہ دلاوتش در سال یکبزار و یکصد و شصت و وفات در سنہ کبزار و یکصد و نو توکم

صدر عالم صدر دین صدر الفیہ جلوہ گر شد از خز و مہتاب غلہ باز شاہنشاہ سرور طرفہ تر سن وصل آن شہ عالمی جہا

تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال کبزار و یکصد و نو توکم با شقاوت شد جو از دار فنا سال تولدش ز دل شد بخلی سست صدر الدین امیر متقی

چو جان نازہ از وصل خدا است وصال او بر شیخ رہنما جو شہ عالم دے جان محمد دگر فرما عنے جان محمد

تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال کبزار و دو صد و شانزدہ توکم خالہ خلد شد جو از عالم رحلتش صاحب ظهور بگو

حاجہ و محمود چون زین و ہرقت سال تر حلیش شد از سرور عیا تاج اخبار است و ہم اہل ظفر

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سنہ کبزار و دو صد و شانزدہ توکم مختار محمد و میر بے نیاز سال واصل آن ولی اہل راز

تاریخ ولادت و وفات سید صدر الدین حجرہ والد کہ دلاوتش در سال یکبزار و یکصد و شصت و وفات در سنہ کبزار و یکصد و نو توکم

صدر عالم صدر دین صدر الفیہ جلوہ گر شد از خز و مہتاب غلہ باز شاہنشاہ سرور طرفہ تر سن وصل آن شہ عالمی جہا

تاریخ وفات سید عبد الدین حجرہ والد کہ در سال کبزار و یکصد و نو توکم با شقاوت شد جو از دار فنا سال تولدش ز دل شد بخلی سست صدر الدین امیر متقی

چو جان نازہ از وصل خدا است وصال او بر شیخ رہنما جو شہ عالم دے جان محمد دگر فرما عنے جان محمد

تاریخ وفات شیخ عبد اللہ شاہ بلوچ لاہوری کہ در سال کبزار و دو صد و شانزدہ توکم خالہ خلد شد جو از عالم رحلتش صاحب ظهور بگو

حاجہ و محمود چون زین و ہرقت سال تر حلیش شد از سرور عیا تاج اخبار است و ہم اہل ظفر

تاریخ ولادت و وفات سید عادل شاہ گیلانی لاہوری کہ در سنہ کبزار و دو صد و شانزدہ توکم مختار محمد و میر بے نیاز سال واصل آن ولی اہل راز

[illegible]

داشت آخر در سفری به خشتی عالم  
از دست صاحب کجک بد جا کردی خود  
و منمن اسلحام بودید و بس زلفی خود  
نشرت شهادت کنید و با وجودیکه  
بعد قلم ساخت در او نیز کسلی نیست  
بود و با آن صلح شد و بعد از آن عالم  
خدا را از شرف پرست آنحضرت  
مکلفه در مملکت آنحضرت  
کرد و لشکارت را بدین وقت با در پیش  
پیر و زکا و کجک و خدایه شاه است در  
از غلغله و طغیان و خدایه شاه است در  
چرخه و درسی نده افتر  
نزلت شریعت و خدایه شاه است در

[illegible]

[illegible]

گفت بشا رخ وصالش خرو	رفت جوزین و هر سجد برین	حاکم دین شاه غلام بی	بار رخ وفات سید غلام نبی حجره والہ کہ در سال کنہار و دو صد و چل و ہشتاد و نو م
----------------------	-------------------------	----------------------	--

تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال  
کهنه اردو و صمد و پنجاه بوقرعه آمد و ولایت و بی رسته نیز از کعبه و درود آمد

قطب قطب آن سه قطب الانام  
سال تولیدش ز رخ چایمیز  
رحلتش محبت و م نعمت کنن تم

میه قطب الدین و له مقه  
طرفه خورشید بنی شد منجه  
نیز قطب الافضلین کامل و له

باب پنجم در فضیلت شیخ مسلم خان	باب ششم در فضیلت شیخ مسلم خان
و در فضیلت شیخ مسلم خان	و در فضیلت شیخ مسلم خان

ولی شهر بنی عباس را از این سلسله جنت نیکو  
گنبدیوم در بیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله جنت نیکو  
تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال کعبه دوه یا زده یا

خواجہ دوزیرین آن محضی حسن حریف  
 سال و صلح قطب کو اعلیٰ دایاں لکھنؤ  
 میر خدیوہ دین و طاق و باطن گفته  
 غزل گل سبقت و سراز و محبت کد است  
 ہادی کامل محبت دین و عابد پاکیزہ

زیب صبرہ زینت دین مقدمہ انوختی  
 سہم ولی احمد ہمایون ہادی ملک علی  
 جامعہ والی دین و کافہ و زنبہ ولی  
 شد دگر ماہ جمال از اوج خاطر بخلی  
 و ان وسیلہ بازگو اسل جمال از آگہی

تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و هفتاد و هفت بود  
 عبد واحد صاحب توحید میر  
 سعدان جو دست و عابد زنده دل  
 زبده دین عبد واحد کن قم  
 نیز تاریخش بقول اهل حق  
 فرد و یکتا شد جو آخر از زمان  
 سال و قیل آن شه والا سکان  
 هم امام عبد واحد کن بسان  
 دان یقین حق بین در کتب

تاریخ وفات خواجہ فیض بن عباس کہ در سال کعبہ و شاد و شوش با تیار و دوست  
چون فیض از فضل حق شد و پریش | سال و صل آن شد و ادر القمر

تاریخ وفات سید غلام نبی حجره والکه که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و پنج هجری قمری  
 رفت جوزین و در سن یکصد و بیست و هشت سالگی  
 گفت تاریخ وصالش خرد  
 قطب الاند و غلام نبی  
 تاریخ وفات سید قطب الانام قطب الدین گیلانی مقیم شاهی که در سال  
 یک هزار و دویست و پنجاه و یک هجری قمری در ولایت دمی رسته یک هزار و یکصد و هشتاد و پنج  
 قطب قطب آن سید قطب الانام  
 سال تولدیش در سن یکصد و بیست و هشت سالگی  
 رحلتش محبت و مروت و تقوی  
 تاریخ وفات شیخ مسلم خان لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و یک هجری قمری  
 خاتم شد در سن یکصد و بیست و هشت سالگی  
 ولی مهربان شیخ سید سائر  
 دیگر آمد عیان محبوب بنظر  
 گنج سیم در بیان قطعات تاریخ وفات حضرات سلسله جنت نیکو  
 تاریخ وفات خواجه حسن بصری رضی الله عنه که در سال یکصد و دویست و پنجاه و یک هجری قمری  
 خواجه دوزمین آن محسن حسن جنت  
 سال وصال قطب که اعلی دین و ملک خوار  
 مرقدش در سن یکصد و بیست و هشت سالگی  
 غایت کمال و سبب و سبب و سبب و سبب  
 تاریخ وفات شیخ عبدالواحد بن زید که در سال یکصد و هشتاد و پنج هجری قمری  
 فرد و یکم شد جو آخر از زمان  
 سال وصال آن شه والا سکان  
 هم امام عهد واحد کن سان  
 دان یقین حق بین در قطب جان  
 تاریخ وفات خواجه فیض بن عباس که در سال یکصد و هشتاد و پنج هجری قمری  
 سال وصال آن شه دار القراء  
 چون فیض از فضل حق شد در پیش









ہم بخوان واسے دین ہر حال کعبہ دین شاہ نو دود و دود است ارتخانش جسم رقم شد از قلم ہم شہ محمود بن مود کو دوجاں	نیز کن تحریر عا کے پشوا رحلت آن بادشاہ اتقا صاحب نو دود و دود اس کے پشوا انتقال اور سرور والا
تاریخ وفات خواجہ سیر کبار و نوزی کہ در سال پانصد و پچا ہجری بوقوع آمد از جہان چون شیخ کو ششم دین مشیقی آمد وصال پاک او	رفت در دربار جنیت یافت ہم و کے دوجاں سیر کبار
تاریخ ولادت وفات خواجہ احمد حشمتی کہ ولادت در سال پانصد و پچا ہجری بوقوع آمد شیخ دین احمد کہ در سیران حشمت مہربان قطب زمان تولید او	بود شیخ اہل حال و اہل قال عاشق احمد و کے دان انتقال
تاریخ وفات شاہ محمد سبجان حشمتی کہ در سال پانصد و نو دوسفت بوقوع آمد معلی رقبہ در ملک خان فوت وصالت جوز و اسے متقی نیز	جو شہسبجان شاہ عالیجاہ محمود زعا کے زبدہ دین شاہ محمود
تاریخ وفات خواجہ حاجی شریف زندی کہ در سال ششصد و دو وازدہ بوقوع آمد چون شریف شد باشراف بہشت یار عرفان پیر کشف آمد عیان ہم گو مہتاب دین اہل دین	اشرف التاثر حاجی شریف رحلت آن پیر حاجے شریف نیز کن تحہ بر حاجے شریف
تاریخ وفات خواجہ عثمان مارونی حشمتی کہ در سال ششصد و پندرہ بوقوع آمد از زمین چون شد براج آسمان قطب وقت آمد وصال پاک او	شیخ عثمان مقتدر اولیا جلوہ گر شد نیز تاج الاصفیا
تاریخ ولادت و وفات خواجہ معین الحق والدین جن سنجری کہ ولادت سال پانصد و سی و سفت و وفات در سنہ ششصد و سی و سہ ہجری بوقوع آمد حسن معین معین الحق والدین تولیدش امام مجتہد حق	ولش و نون زانو ار محلی وصالتش نیز اکبر محل

قطعہ ہے

[illegible][illegible]





رحلتش گونیز شاه دین فرید	شمع نور آمد دگر اید وستان
هم حبیب حق فرید الدین سرگو	صوفی کامل فرید الدین بخوان
باز عالی جاه قطب الحق فرید	بنده فرد الفریدا می محرابان
عاشق صادق دگر فراموشی	سال وصل آن شه عالمیکان
پس نه کامل فرید الدین هرگو	سرور اسال وصالش بی محاز
قطعه ثانی	
مقدمه ای یقین فرید الدین	فرد اهل جهان و لے زمان
عمده دین فرید حق گفتیم	سال تولید آن شه ذمی شان
زبد دین فرید و همه آمد	نیز سال ولادتش بربان
سال ترخیص او فرد فرمود	تب مو لے فرید هر دو جهان
قطب دوران فرید شد پیدا	رحلت آن شه منتهی دوران
بنده حق فرید قطب الهند	وصل او گفت سرور نادان
قطعه ثالث	
فرید دین فرید جلله عالم	شه فرخ لغافه خنده آمین
فرید الهند قطب ملک فرما	بی تولید پاک آن شه دین
سجوان وصالش فرید الدین سلام	دگر سالک فرید الدین حق یز
قطعه رابع	
سرشک گنج فرید زمان	حضرت مسعود و لے سعید
سالک مسعود فرید ابدست	ماده تولید و لے از دل پید
سال وصالش جو بختیم ز دل	گفت بگو باد شه دین فرید
قطعه خامس	
فرد دنیا و دین فرید الدین	فرد و یکتا بقرب وصل رسید
رحلتش بنده حد امینان	هم بدان فرد دین فرید وحید
تاریخ وفات شیخ نجیب الدین محمود متوکل که در سال شصت و هفتاد و یک قمری	
چون نجیب الدین متوکل نجیب	از توکل یافت با حق القفال

خطبہ شریف حضرت شیخ الاسلام  
 مولانا ابوالحسن علی دہلوی  
 فرید الدین گیلانی  
 است و اصل وفات و وفات نام  
 مقامات بنده و این ارجمند داشت و  
 وی نامت مقام سال در دلی مکتوب کرد و  
 بجای اصدی از دنیا داران زن ۱۱





[illegible]

صابر و شاکر علاء الدین علی احمد کو علی احمد علاء الدین صابر ابن قطعه نامے	شہ چور جنبت ببال حلتش فی قبل قتال ہم علاء الدین صابر صاوق آمد ارتحال
بازاران صبر جو بنین ہر رفت سال ترحیلش نہ سرو بر شد عیار ہم سخوان صابر سراج لطافت بن	حضرت صابر پورے اہل جاہ ہادی و محبوب صابر بادشاہ تاشو در و شن و صالش مثل ماہ
جو صابر و لے جہان گان صبر ز محمد دوم جو سال ترحیل او	شده رونق افزا پنجد قدیم بغداد گر ستیہ سلیم
معدن صبر صابر اکبر مرشد اہل دین و لے فرا	شد جنبت وصال آبن حق ہیز ہم سخوان آفتاب اسل نصیر
نارنج وفات شیخ بدر الدین بن سحاق حشتی کہ در سال شصت و دو ہجری قمری بدر دین جو گشت روشن مثل بدر بدر کامل مہدی دین بدر دین است	درخان تاریخ او پی قال قیل بار دیگر شاہ بدر الدین جمیل
نارنج وفات شیخ متعب الدین حشتی کہ در سال شصت و پنج ہجری قمری بود مطلع نور سبحات متعب کاشف حق صوفی آید تشر مقتدای علم شد از دل عیان سرور احمد صبر حجت کن قسم	شہ چور و شن از فنا اندر بقا بدر مہدی کامل مقتدا کاشف مرحوم گشت از جان ندا رحلت آن شاہ عالم والہا
نارنج وفات سید محمد بن محمود کہ ماہے حشتی کہ در سال مئقتدای از دو ہجری قمری محمد ابن محمود آن مگر گمان شد عالم ترم شد مرشد الکونین ہم مشکل ساز	بشکل شمع شد روشن جو اندر باہم شوق دگر بارہ محمود و سید پیر کرمانی
نارنج وفات شیخ شمس الدین ترک بانی بی کہ در سال مئقتد و شہرہ یا با ترمہ ہجری مظلم حق شمس ابن نور نصیر	شد جو از دنیا با شمس مدعا

[illegible][illegible]

دربانی بنی سید  
کریم دودمان  
کریم دودمان  
بن علی  
نام محمد  
کریم دودمان  
کریم دودمان  
کریم دودمان









[illegible]

مشرقت شدہ تربیت و تکمیل  
حضرت چہرہ دینی یافت و بار و جان  
سلطان انشا علیہم السلام را اعلیٰ ادبی داشت  
کتب سیر الاولیاء کو در ذکر حضرت اوست و توان گفت  
کتب سیر جہانم الا حوال است و کتب سیر الاولیاء  
دست است و درین فاخذ ان و کتب سیر الاولیاء  
تفسیر شدہ از یک سیر الاولیاء دوم سیر الاولیاء  
احاطت موقوف حضرت سیر کا جہانم حوال  
موقوف حضرت سیر است و اوست  
حضرت سیر کا کتب سیر است و اوست  
انقطاعی عالم کتب سیر است و اوست  
حضرت سیر کا کتب سیر است و اوست

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱



«میرزا یزدان‌شیرین خان»

تاریخ وفات شیخ عبدالمقدر جیشی که در سال هشتصد و نود و یک قیام  
 چون باکر ام خداوند فی فضل انوار  
 صاحب محمد و محمد و صاحبش و کربار چرخ  
 رفت از دار الفنا در غلغله عالی مقدر  
 گفت ساوولی مقدر فرمود والی مقدر  
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین علاء الحق بن سعد لاهوری بکالی که در سال هشتصد و نود و یک  
 زرد ویش زینت از به بکار جهان آمد  
 دگر والی علاء الحق و لعلت بیان آمد  
 تاریخ وفات شیخ حسام الدین فتح پوری که در سال هشتصد و نود و یک  
 شیم دین بی حسام الدین  
 شاه مرد و بی حسام الدین  
 هم و لے متقی حسام الدین  
 تاریخ وفات میرید اشرف جهانگیر سنائی که در سال هشتصد و نود و یک  
 جیشم اشرف ان میر شرف میر  
 دو بار از بر قطب جهانگیر  
 امام شومنیان شیر جهانگیر  
 بکمل عارف و الا جان گیر  
 خوشد و صلاش نوک غامه تحریر  
 اگر خواست بکن امی یا رتقیر  
 تاریخ وفات شیخ احمد بنامیری که در سال هشتصد و نود و یک  
 شد چو از دنیا بجایب النعیم  
 هم محمد متقی عابد سلیم  
 تاریخ وفات شیخ فتح الله اودهی که در سال هشتصد و نود و یک  
 بمقتل تطف مسمی باب  
 دوباره نور دین قلح انوار  
 تاریخ وفات شیخ عین الدین قبال که در سال هشتصد و نود و یک  
 که ذات عین ویش عین وین  
 جو عین الدین ولی عین تحقیق

۱۲. یوسف از ابراهیم و هاجر  
 ۱۳. زینب و ام‌البنات  
 ۱۴. هاجر و اسماء  
 ۱۵. زینب و ام‌البنات  
 ۱۶. هاجر و اسماء  
 ۱۷. زینب و ام‌البنات  
 ۱۸. هاجر و اسماء  
 ۱۹. زینب و ام‌البنات  
 ۲۰. هاجر و اسماء  
 ۲۱. زینب و ام‌البنات  
 ۲۲. هاجر و اسماء  
 ۲۳. زینب و ام‌البنات  
 ۲۴. هاجر و اسماء  
 ۲۵. زینب و ام‌البنات  
 ۲۶. هاجر و اسماء  
 ۲۷. زینب و ام‌البنات  
 ۲۸. هاجر و اسماء  
 ۲۹. زینب و ام‌البنات  
 ۳۰. هاجر و اسماء  
 ۳۱. زینب و ام‌البنات  
 ۳۲. هاجر و اسماء  
 ۳۳. زینب و ام‌البنات  
 ۳۴. هاجر و اسماء  
 ۳۵. زینب و ام‌البنات  
 ۳۶. هاجر و اسماء  
 ۳۷. زینب و ام‌البنات  
 ۳۸. هاجر و اسماء  
 ۳۹. زینب و ام‌البنات  
 ۴۰. هاجر و اسماء  
 ۴۱. زینب و ام‌البنات  
 ۴۲. هاجر و اسماء  
 ۴۳. زینب و ام‌البنات  
 ۴۴. هاجر و اسماء  
 ۴۵. زینب و ام‌البنات  
 ۴۶. هاجر و اسماء  
 ۴۷. زینب و ام‌البنات  
 ۴۸. هاجر و اسماء  
 ۴۹. زینب و ام‌البنات  
 ۵۰. هاجر و اسماء  
 ۵۱. زینب و ام‌البنات  
 ۵۲. هاجر و اسماء  
 ۵۳. زینب و ام‌البنات  
 ۵۴. هاجر و اسماء  
 ۵۵. زینب و ام‌البنات  
 ۵۶. هاجر و اسماء  
 ۵۷. زینب و ام‌البنات  
 ۵۸. هاجر و اسماء  
 ۵۹. زینب و ام‌البنات  
 ۶۰. هاجر و اسماء  
 ۶۱. زینب و ام‌البنات  
 ۶۲. هاجر و اسماء  
 ۶۳. زینب و ام‌البنات  
 ۶۴. هاجر و اسماء  
 ۶۵. زینب و ام‌البنات  
 ۶۶. هاجر و اسماء  
 ۶۷. زینب و ام‌البنات  
 ۶۸. هاجر و اسماء  
 ۶۹. زینب و ام‌البنات  
 ۷۰. هاجر و اسماء  
 ۷۱. زینب و ام‌البنات  
 ۷۲. هاجر و اسماء  
 ۷۳. زینب و ام‌البنات  
 ۷۴. هاجر و اسماء  
 ۷۵. زینب و ام‌البنات  
 ۷۶. هاجر و اسماء  
 ۷۷. زینب و ام‌البنات  
 ۷۸. هاجر و اسماء  
 ۷۹. زینب و ام‌البنات  
 ۸۰. هاجر و اسماء  
 ۸۱. زینب و ام‌البنات  
 ۸۲. هاجر و اسماء  
 ۸۳. زینب و ام‌البنات  
 ۸۴. هاجر و اسماء  
 ۸۵. زینب و ام‌البنات  
 ۸۶. هاجر و اسماء  
 ۸۷. زینب و ام‌البنات  
 ۸۸. هاجر و اسماء  
 ۸۹. زینب و ام‌البنات  
 ۹۰. هاجر و اسماء  
 ۹۱. زینب و ام‌البنات  
 ۹۲. هاجر و اسماء  
 ۹۳. زینب و ام‌البنات  
 ۹۴. هاجر و اسماء  
 ۹۵. زینب و ام‌البنات  
 ۹۶. هاجر و اسماء  
 ۹۷. زینب و ام‌البنات  
 ۹۸. هاجر و اسماء  
 ۹۹. زینب و ام‌البنات  
 ۱۰۰. هاجر و اسماء



ز نور العین عین الدین مسعود  
 زول سال وصالش گشت موجود  
 تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد کیو در از که ولادتش در سال منفرد  
 بست و وصال آن با کمال در سنه مشقه و بست و پنج بودم

ز نور العین عین الدین مسعود زول سال وصالش گشت موجود	ز دنیا شد بحسب احوال وصالش هم عین الدین ولی مادی قال
تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد کیو در از که ولادتش در سال منفرد بست و وصال آن با کمال در سنه مشقه و بست و پنج بودم	تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد کیو در از که ولادتش در سال منفرد بست و وصال آن با کمال در سنه مشقه و بست و پنج بودم
شیخ دین سید محمد سید کن رقم تو لیدان شایدا باز رب دین محمد مشقه هم رقم کن بادشاه انقا تا بر آید بصر و صلبش بر جا	اشرف اولاد آل مرتضی مادی محبوب آل بو تراب نیز تاج اولیا صدیق دین زیب تاج عارفان و صلبش بر جا سرور محمد و مادی حق آگاه گو
تاریخ وفات شیخ احمد عبدالحق در لونی چینی که در سال مشقه و سی و شش بودم عبدالحق مهر حقیقت ماه حق حق شد مسود حق آگاه حق سال وصل او یو گو از راه حق نیز حق حق در سبهای راه حق بس ولی الله بر حق شاه حق	چون بوصل حق بحق موصول شد رحلت پاکش ز سرور شد عیان مشقه امی اهل حق کامل و بی باز شامنه حق مادی و بی هم خلیل حق موحد گفته اند
تاریخ وفات شیرخان مسود که صفتی که در سال مشقه و سی و شش بودم یافت چون وصل ذات سبحانی نیز شیر و کبیر ز دانسته	شیرخان شیر مشه توحید رحلتش که امام دین محمد دوم تاریخ وفات شیخ توام الدین چینی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم توام الدین جوار فضل صدای حق قیام خویش در فردوس علی سخی حق بین و محمد دم معلی وصال آن شه محبوب علی
تاریخ وفات شیخ سارنگ حبتی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم سارنگ از جهان رحمت مغرب وصالش عارف موحل آید	تاریخ وفات شیخ سارنگ حبتی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم سارنگ از جهان رحمت مغرب وصالش عارف موحل آید

ز نور العین عین الدین مسعود  
 زول سال وصالش گشت موجود  
 تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد کیو در از که ولادتش در سال منفرد  
 بست و وصال آن با کمال در سنه مشقه و بست و پنج بودم  
 شیخ دین سید محمد سید  
 کن رقم تو لیدان شایدا  
 باز رب دین محمد مشقه  
 هم رقم کن بادشاه انقا  
 تا بر آید بصر و صلبش بر جا  
 تاریخ وفات شیخ احمد عبدالحق در لونی چینی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 عبدالحق مهر حقیقت ماه حق  
 حق شد مسود حق آگاه حق  
 سال وصل او یو گو از راه حق  
 نیز حق حق در سبهای راه حق  
 بس ولی الله بر حق شاه حق  
 تاریخ وفات شیرخان مسود که صفتی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 یافت چون وصل ذات سبحانی  
 نیز شیر و کبیر ز دانسته  
 تاریخ وفات شیخ توام الدین چینی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 توام الدین جوار فضل صدای حق  
 قیام خویش در فردوس علی  
 سخی حق بین و محمد دم معلی  
 وصال آن شه محبوب علی  
 تاریخ وفات شیخ سارنگ حبتی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 سارنگ از جهان رحمت مغرب  
 وصالش عارف موحل آید

ز نور العین عین الدین مسعود  
 زول سال وصالش گشت موجود  
 تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد کیو در از که ولادتش در سال منفرد  
 بست و وصال آن با کمال در سنه مشقه و بست و پنج بودم  
 شیخ دین سید محمد سید  
 کن رقم تو لیدان شایدا  
 باز رب دین محمد مشقه  
 هم رقم کن بادشاه انقا  
 تا بر آید بصر و صلبش بر جا  
 تاریخ وفات شیخ احمد عبدالحق در لونی چینی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 عبدالحق مهر حقیقت ماه حق  
 حق شد مسود حق آگاه حق  
 سال وصل او یو گو از راه حق  
 نیز حق حق در سبهای راه حق  
 بس ولی الله بر حق شاه حق  
 تاریخ وفات شیرخان مسود که صفتی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 یافت چون وصل ذات سبحانی  
 نیز شیر و کبیر ز دانسته  
 تاریخ وفات شیخ توام الدین چینی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 توام الدین جوار فضل صدای حق  
 قیام خویش در فردوس علی  
 سخی حق بین و محمد دم معلی  
 وصال آن شه محبوب علی  
 تاریخ وفات شیخ سارنگ حبتی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 سارنگ از جهان رحمت مغرب  
 وصالش عارف موحل آید

ز نور العین عین الدین مسعود  
 زول سال وصالش گشت موجود  
 تاریخ ولادت و وفات میر سید محمد کیو در از که ولادتش در سال منفرد  
 بست و وصال آن با کمال در سنه مشقه و بست و پنج بودم  
 شیخ دین سید محمد سید  
 کن رقم تو لیدان شایدا  
 باز رب دین محمد مشقه  
 هم رقم کن بادشاه انقا  
 تا بر آید بصر و صلبش بر جا  
 تاریخ وفات شیخ احمد عبدالحق در لونی چینی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 عبدالحق مهر حقیقت ماه حق  
 حق شد مسود حق آگاه حق  
 سال وصل او یو گو از راه حق  
 نیز حق حق در سبهای راه حق  
 بس ولی الله بر حق شاه حق  
 تاریخ وفات شیرخان مسود که صفتی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 یافت چون وصل ذات سبحانی  
 نیز شیر و کبیر ز دانسته  
 تاریخ وفات شیخ توام الدین چینی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 توام الدین جوار فضل صدای حق  
 قیام خویش در فردوس علی  
 سخی حق بین و محمد دم معلی  
 وصال آن شه محبوب علی  
 تاریخ وفات شیخ سارنگ حبتی و سهروردی که در سال مشقه و سی و شش بودم  
 سارنگ از جهان رحمت مغرب  
 وصالش عارف موحل آید

تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی در سال مشقده و پنجاه و نهم	
چو رباع جهان شد بر تو فکن	شهاب الدین و لے عالی مد علم
وصالش کن تم تو قیر اسلام	و گزیا شهاب الدین شہ علم
تاریخ وفات میرید اللہ چشتی کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ ہو قوم	
دست خدا میرید اللہ	سرور دین را ہر راہ حق
رخیت جو گو مرد خدا رطلش	نیزید اللہ شہنشاہ حق
تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی کہ در سال مشقده و پنجاه و یکم	
چو نور الدین بعد انوار و اسرا	سورشت بفر دوس
مگو تاریخ او شمس اللہ	و گز قطب الدنور سچل
ز محمد دم الکمل رخلتش جو	دو بار ابر رحمت کن ہویدا
محب ذو الجلال اہ وصال	و گز سرست کامل گشت میدا
تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی چشتی کہ در سال مشقده و پنجاه و سہ	
جای اعلیٰ سجد عالی منت	چون شہ مقتدا علاء الدین
مست دیدار خلہ تار سچش	ہم و لے خدا علاء الدین
تاریخ وفات شیخ کبیر چشتی قدس سرہ کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ ہو قوم	
چو کبرفت در خلہ اکبر مقام	کبیر آن شہ و بر بنا و سہ
وصالش شدہ بحر رحمت روا	و گز قیلہ اہل جنت کبیر
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح چون پوری کہ ولادتش در سال ہفتصد و ہفتاد و دو و وفات در سنہ مشقده و پنجاه و نہ ہو قوم	
ولی مفتاح دین ناوی ابو الفتح	کہ فاقش رہبر راہ صواب است
ولی حق بنا ابو الفتح سہرور	بی تاریخ قریدش خطاب است
ز بھر ار سجالش با تف غیب	بگفتا نور حق فیت ح باب است
تاریخ وفات شیخ عارف چشتی صابری کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ ہو قوم	
تقریب ہر فیت اندر جہان فیت	چو عارف شیخ عارف و اہل حق
بحر مجذوب حق سالش دو بار	ز قطب الحق مع لے عارف حق

تاریخ وفات قاضی شهاب الدین دولت آبادی در سال مشقده و پنجاه و نهم  
 تاریخ وفات میرید اللہ چشتی کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ ہو قوم  
 تاریخ وفات شیخ نور الدین قطب عالم بنگالی کہ در سال مشقده و پنجاه و یکم  
 تاریخ وفات شیخ علاء الدین قریشی چشتی کہ در سال مشقده و پنجاه و سہ  
 تاریخ وفات شیخ کبیر چشتی قدس سرہ کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ ہو قوم  
 تاریخ ولادت و وفات شیخ ابو الفتح چون پوری کہ ولادتش در سال ہفتصد و ہفتاد و دو و وفات در سنہ مشقده و پنجاه و نہ ہو قوم  
 تاریخ وفات شیخ عارف چشتی صابری کہ در سال مشقده و پنجاه و نہ ہو قوم

بن جید الدین صوفی ناگوری است اول  
 در سال ۸۰۰ کت در ناگور دشت آو بکشت تو تو  
 دیگات دفت و ہما ہما وفات یافت  
 بید و طیفہ ہما از فتنہ ہستی و  
 عالم فاضل دور و دل کامل ہووم و ہستی  
 ز نند دفت ہما از فتنہ ہستی و ہستی  
 است عارف ناگوری است و ہستی  
 ہر فیت و ہستی و ہستی

۵۶  
 گزینہ



تاریخ وفات سید محمد بن جعفر کی حسنی چشتی که در سال نهصد و نود و یک بود		
رفت چون از حرم احمد کبیر رحلتش فیاض گوید دیگر جوان باز میرفتی کامل بگو نیز متاب شد جلوه گر	چون محمد بن دین او پیش من سید گل محمد دستگیر سال وصل آن شه برناویر گشت در تاریخ آن میر و فقیر	
تاریخ وفات شیخ جنید حصاری که در سال نهصد و هجری الاقدس بود		
کرد چون در حجت الایام فاصل دهر آمد وصال پاک او	شیخ عالم عالم دیو نیز کامل خواجو اصل جنید	
تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری که در سال نهصد و یک بود		
یافت چون نورسن در حجت تار و شفی است تاریخش	مرد مجنون حسین نورالیین هم بفرا امام خاص حسین	
تاریخ وفات راجی حامد شاه چشتی که در سال نهصد و یک بود		
شد جور اوج قصر حجت غلد یار محمد دم گو و صالش نیز	حامد ذات احمدی دولی قطب دین حامد محمد اوست	
تاریخ وفات شیخ حسن طاهر چشتی در سال نهصد و نه بود		
داد چون در بهشت جلوه چمن برد و تاریخ رحلتش سرور	احسن و محسن و عظیم مرحوم زیب فیض قطب حق محمد دم	
تاریخ وفات شیخ سنجبار چشتی که در سال نهصد و ده هجری بود		
شاه اسهل سخت شیخ سنجبار با وی فیض است سال وصل او	چون به سخت خوش صحبت یافت نیز یار حق و کے مستدا	
فصل و شیخ و خیر اسهل دین گو	باز در ویش فقیر امی باصفیا	
تاریخ وفات شیخ احمد مجد دمشقی که در سال نهصد و بیست و هفت بود		
رفت چون احمد بنرم احمد بهت محبوب ہی بیکر جمال	سال وصل آن شیر روی میر بار دیگر جوز احمد حبیب دین	
تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوی که در سال نهصد و پیل بود		

تاریخ وفات سید محمد بن جعفر کی حسنی چشتی که در سال نهصد و نود و یک بود  
 رفت چون از حرم احمد کبیر  
رحلتش فیاض گوید دیگر جوان  
باز میرفتی کامل بگو  
نیز متاب شد جلوه گر  
 تاریخ وفات شیخ جنید حصاری که در سال نهصد و هجری الاقدس بود  
 کرد چون در حجت الایام  
فاصل دهر آمد وصال پاک او  
 تاریخ وفات شیخ حسین ناگوری که در سال نهصد و یک بود  
 یافت چون نورسن در حجت  
تار و شفی است تاریخش  
 تاریخ وفات راجی حامد شاه چشتی که در سال نهصد و یک بود  
 شد جور اوج قصر حجت غلد  
یار محمد دم گو و صالش نیز  
 تاریخ وفات شیخ حسن طاهر چشتی در سال نهصد و نه بود  
 داد چون در بهشت جلوه چمن  
برد و تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات شیخ سنجبار چشتی که در سال نهصد و ده هجری بود  
 شاه اسهل سخت شیخ سنجبار  
با وی فیض است سال وصل او  
فصل و شیخ و خیر اسهل دین گو  
 تاریخ وفات شیخ احمد مجد دمشقی که در سال نهصد و بیست و هفت بود  
 رفت چون احمد بنرم احمد  
بهت محبوب هی بیکر جمال  
 تاریخ وفات شیخ عبد القدوس گنگوی که در سال نهصد و پیل بود

[illegible]

۱ استاد آیتی ازین دوستان است که  
نادر است و این کار را از دانش در  
ایده جام الدین مایلک می نماید چون پیش  
ولایت مرآت بنیاد داری ایست و دور  
از غایت از غیره آن خواهد راجع حاصل شده  
چیزی است و در این مورد باید ضابطه  
آفاق بود و اوقات از بهر گان فغان صابر  
چیزی است و دعاست ای فغان صابر  
گاه است روشتنی داراوت بخودت  
و چه عهده الی داشت و اوقات از بهر  
بزرگان صاحب ریاضت و علوم  
عبادت و باطن

دانش ۱۲  
محققین نامور  
۱۱ دولت مجتهد  
گستره دانش  
دینی و علمای  
دینی و فقهی  
۱۰ بیت و

بنی بکر بن عبد مناف

<p>چو شیخ قدس اقدس عبد قدوس و شافعی جهان سائن عیان شد مکو قدوس شامشاه قطاب</p>	<p>ملک قدس از حق یافت شاهی و گر مشفق محبوب آسای اگر تاریخم تر حلیش بخواب</p>
<p>تاریخ وفات شیخ عبد الکبیر مالایر ششتی که در سال در به کبریه رنج در غلہ ہفت سبت تلخ الاصل تاریخ او</p>	<p>در سال ہنصد و چهل و ہفت بوقوع آمد چون کبیر آن شیخ اکبر دستگیر ہم فرید الدہر سلطان ملکہ</p>
<p>تاریخ وفات شیخ خانوگو الیاری کہ در سال شیخ خانو خان یمن ناسخ گشت محمد دم مقلی زندہ دل</p>	<p>در سال ہنصد و چهل و ہشت بوقوع آمد شد جو در حجت بے تاریخ آن نیز خانو حق ماکل عیان</p>
<p>تاریخ ولادت و وفات شیخ علاء الدین بن نور الدین اجد دینی کہ ولادت در سال شہد و ہفتاد و دو و وفاتش در سنہ ہنصد و چهل و ہشت بوقوع آمد</p>	<p>علاء الدین عالمے شاہ مہموم بے تولد او گر دیدہ مہموم دو بار حق نامہدی محمد دم ز دل سال وصالش طرفہ معلوم</p>
<p>تاریخ وفات شیخ عبد الرزاق جہانہ کہ در سال رزق خود جو بیت یا شہید در آن عابد رزاق والا سترت کردم تم</p>	<p>در سال ہنصد و پنجاہ و پنج بوقوع آمد سال وصال آن ولی با صفا ملکہ بار دیگر قطعت حبت عابد رزاق</p>
<p>تاریخ وفات شیخ یوسف المشہور شاہ جوسی کہ در سال چو یوسف یوسف مصر محبت خرد دست تحت گفت تاریخ</p>	<p>در سال ہنصد و پنجاہ و پنج بوقوع آمد ز دنیا رخت جو در لبست بہشت و گر فرمود کامل یوسف حبت</p>
<p>تاریخ وفات شیخ امان یانی تہی کہ در سال در جان با امان و ایمان نیت سال تر حیل اوست بر بہشت</p>	<p>در سال ہنصد و پنجاہ و پنج بوقوع آمد شیخ حق گوا امان حق آگاہ شیخ واسے و شیخ والا جاہ</p>
<p>والی فضل گو و گر بارہ</p>	<p>ہم بخوان خاص حق امان اللہ</p>

[illegible][illegible]

[illegible]



درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

بر تو انکس شد سبب مثل ماه رحلتش شاه ولایت اکبر است	چون که او بنظر نور جمال فیض سوسه نیز تارخ وصال
تاریخ ولادت و وفات شیخ سلیم حسینی فتح پوری که ولادتش در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ ولادت و وفات شیخ سلیم حسینی فتح پوری که ولادتش در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
اسلم الادب سلامت رو گشت محمد و صدق و در محقق قطب و الاسلام محمد دم است	شیخ اسلم سلیم باسلام سال تولدش از خرد تا قیام سن ترحیل آن ذوی الکرام پیر محمد و قوت الاسلام
تاریخ وفات شیخ نظام الدین بهی که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ وفات شیخ نظام الدین بهی که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
ماظم عالم نظام الدین و سله سن ترحیل صراط استقیم	یافت با وصل جدا و ندی صال حاصل آمد باز از فیض کمال
تاریخ وفات شیخ نظام الدین کهاری که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ وفات شیخ نظام الدین کهاری که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
بکهار می چون ز دنیا سبب فرست که قیام معرفت حان	سال وصل آن محبوب باری وگر باره سینه عابد کهار می
تاریخ وفات شیخ بیار اچشتی که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ وفات شیخ بیار اچشتی که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
عزیز کد شد با عزت و جاه عبان شد مخزن الاوار سالبش	ولی محبوب بیار از رحمت الله وگر محبوب بیار از رحمت الله
تاریخ وفات شیخ جلال الدین تهمیری که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ وفات شیخ جلال الدین تهمیری که در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
با جلال و عزت سبب گویش با کز دل سال او	جلال آن دله اصل کمال وگر باره متاب عزت جلال
تاریخ ولادت و وفات شیخ رزق الله املخص شتانی که ولادتش در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰	تاریخ ولادت و وفات شیخ رزق الله املخص شتانی که ولادتش در سال مشهد و وفاتش در سال ۱۱۰۰
شیخ عالمی رتبه رزق الله شیر بے گمان تولید آن شیخ الهدایا	ابل دل عارف کرم متقی یشو و سید از مشایق و سله
رحلتش فرمای که شتانی جو	هم جیب دین شتانی بے

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

درآمد از راه کتب و غیره  
 در سال ۱۱۰۰

۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

تاریخ وفات شیخ عثمان زند پیر بانی تپی که در سال هجده و نو و دو قمر	تاریخ وفات شیخ عثمان زند پیر بانی تپی که در سال هجده و نو و دو قمر
شیخ عثمان پیر عالم گیر حجت	باب انت چون در و حدیث مکتب
رحلتش کن حجتان عثمان	باب قطب الواصلین عثمان بنحو
تاریخ وفات شیخ نظام نار نولی که در سال هجده و نو و دو قمر	تاریخ وفات شیخ نظام نار نولی که در سال هجده و نو و دو قمر
نظام الدین جواز و نساجی حجت	باب قطب حق مکان در باب حجت
نیان شد شیخ بهرام رحلتش	باب اولیا مهتاب حجت
تاریخ وفات شیخ محمد کاکر و نی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ محمد کاکر و نی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر
نعت وصل خدا در نه سیه	باب پیر باجی شیرین کلام
سرت فیاضی بکایان رحلتش	باب هم بخوان والا قدر شیرین کلام
تاریخ وفات شیخ عبداللہ نصاری سلطان پوری که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ عبداللہ نصاری سلطان پوری که در سال یک هزار و سه و دو قمر
اربعاد است یافت جان عبداللہ	باب رحلت آن عابد و دور زمان
اقاب فقر عبداللہ	باب دیگر آفتاب عاشقان
تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و یازده و دو قمر	تاریخ وفات شیخ اختیار الدین مردانی که در سال یک هزار و یازده و دو قمر
اختیار الدین جو با صد اختیار	باب گشت خود مختار در حیدرین
پیر سال انتقال آن جناب	باب گفت سرور اعظم و شیخ امیر
تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ جلال الدین کاسی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر
چون جلال آن ولی بل جلال	باب جلال و کمال شد سبحان
سرت شیخ زمانه تاجش	باب از مشتاق حق جلال بخوان
تاریخ وفات خواجه حاجی اویس و نوزی قصوری که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات خواجه حاجی اویس و نوزی قصوری که در سال یک هزار و سه و دو قمر
قبله اهل جنان شد از حجتان	باب شیخ حاجی کعبه اهل یقین
شیخ نور عارف رقم کن سال	باب دیگر شیخ حاجی پاک بین
تاریخ وفات شیخ نظام الدین بلخی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ نظام الدین بلخی حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر
چون نظام الدین زوار دهرت	باب حجت بر و دانش گشت باز
وان حضور فی افضل قطاب نیز	باب استمالش هم نظام پاک
تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل شد حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر	تاریخ وفات شیخ محمد بن فضل شد حجتی که در سال یک هزار و سه و دو قمر

۱  
 ۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰



میشود و در این کتاب است که در این کتاب از احوال و وفات ائمه و اولاد و در این کتاب از احوال و وفات ائمه و اولاد و در این کتاب از احوال و وفات ائمه و اولاد

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جویری که در سال یک هزار و پنجاه و پنج قمری آمد  
 چون رشید آن مرشد ارشاد حق  
 افضل الاقطاب گو تاریخ او

تاریخ وفات شیخ یحیی که اقی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 یافت و در جنت حیات دایمی  
 سال وصل آن و بی بافت

تاریخ وفات شیخ میر محمد گنوی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 محمد سرور بزم محبت  
 گوشتن و شیخ حق بن

تاریخ وفات شیخ دولا در یانی که اقی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 محبت یافت از حق دولت و دل  
 عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد

تاریخ وفات شیخ داؤد گنگوچی حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 جو داؤد رشید از قضای اله  
 گوشتن داؤد و حق بن وصال

تاریخ وفات شیخ ابو المعالی حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 رویت از دنیا جو در خلد بن  
 سال وصل اوست تاج التاجین

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جالندهری حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 حضرت عبد الرشید آن دین  
 سال وصل اوست عارف حق بن

تاریخ وفات شیخ سونده حاجتی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 شیخ سونده ما چون ز دنیا رفت  
 گشت سونده ما مستقی روبرو

تاریخ وفات شیخ محمد سعید المشهور شاه بیکه که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 سال وصلش سرور از روی  
 محمد مشتاق و غفر الحسین

تاریخ وفات شیخ محمد سعید المشهور شاه بیکه که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 سال وصلش سرور از روی  
 محمد مشتاق و غفر الحسین

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جویری که در سال یک هزار و پنجاه و پنج قمری آمد  
 چون رشید آن مرشد ارشاد حق  
 افضل الاقطاب گو تاریخ او  
 تاریخ وفات شیخ یحیی که اقی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 یافت و در جنت حیات دایمی  
 سال وصل آن و بی بافت  
 تاریخ وفات شیخ میر محمد گنوی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 محمد سرور بزم محبت  
 گوشتن و شیخ حق بن  
 تاریخ وفات شیخ دولا در یانی که اقی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 محبت یافت از حق دولت و دل  
 عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد  
 تاریخ وفات شیخ داؤد گنگوچی حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 جو داؤد رشید از قضای اله  
 گوشتن داؤد و حق بن وصال  
 تاریخ وفات شیخ ابو المعالی حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 رویت از دنیا جو در خلد بن  
 سال وصل اوست تاج التاجین  
 تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جالندهری حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 حضرت عبد الرشید آن دین  
 سال وصل اوست عارف حق بن  
 تاریخ وفات شیخ سونده حاجتی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 شیخ سونده ما چون ز دنیا رفت  
 گشت سونده ما مستقی روبرو  
 تاریخ وفات شیخ محمد سعید المشهور شاه بیکه که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 سال وصلش سرور از روی  
 محمد مشتاق و غفر الحسین

تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جویری که در سال یک هزار و پنجاه و پنج قمری آمد  
 چون رشید آن مرشد ارشاد حق  
 افضل الاقطاب گو تاریخ او  
 تاریخ وفات شیخ یحیی که اقی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 یافت و در جنت حیات دایمی  
 سال وصل آن و بی بافت  
 تاریخ وفات شیخ میر محمد گنوی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 محمد سرور بزم محبت  
 گوشتن و شیخ حق بن  
 تاریخ وفات شیخ دولا در یانی که اقی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 محبت یافت از حق دولت و دل  
 عجب تاریخ وصلش جلوه گر شد  
 تاریخ وفات شیخ داؤد گنگوچی حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 جو داؤد رشید از قضای اله  
 گوشتن داؤد و حق بن وصال  
 تاریخ وفات شیخ ابو المعالی حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 رویت از دنیا جو در خلد بن  
 سال وصل اوست تاج التاجین  
 تاریخ وفات شیخ عبد الرشید جالندهری حسی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 حضرت عبد الرشید آن دین  
 سال وصل اوست عارف حق بن  
 تاریخ وفات شیخ سونده حاجتی که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 شیخ سونده ما چون ز دنیا رفت  
 گشت سونده ما مستقی روبرو  
 تاریخ وفات شیخ محمد سعید المشهور شاه بیکه که در سال یک هزار و سیصد و پنج قمری آمد  
 سال وصلش سرور از روی  
 محمد مشتاق و غفر الحسین





فیض دیدار است توبه بشمار		سال ترحیلش بگو شیخ اکرام
تاریخ وفات شیخ نور محمد پیل که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و پنج بود		
رحلتش چون نور محمد در جهان	باغ جنت یافت رزق نور نور	
نور حق مشتاق ترحیلش بگو	هم و کسب حبیبی مهتاب نور	
رحلتش نور خدا صدیق علم	شیخ حق واقف ز دلان بدخود	
تاریخ وفات شیخ محمد سعید شرفی که در سال یک هزار و دویصد و چارده بود		
شیخ اسعد سعید پیر سعید	باسعادت چو شد بقصر جنان	
گوچه راع هدایتا بخشش	هم محمد سعید محمد زمان	
قطعه مانے		
سعادت یافت خلد از مقدم او	سعید از دهر چون رخت سفر بست	
شده روشن و صالحت از حور او	اگر تا وی اکبر عاشق شست	
تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بریلوی حنفی که ولادتش در سال یک هزار و یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه یک هزار و دویصد و پنجاه و پنج بود		
واقف سر احمدی احمد	عالم علم دین و محب هم عشق	
سال تولد اوست پاک نظر	رحلتش بے نیاز رستم عشق	
قطعه مانے		
سیر دین ناز و نیاز اهل حفت	شہ نیاز احمد و کس اهل بار	
فصل ربانے بگو تولد او	رحلتش و پیدا رشیج بابیان	
تاریخ وفات حاج سلیمان حبیبی که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود		
ما و شاه خلد شد باغ و شان	چون سلیمان مرشد عالم بناه	
راغب دین گو وصال او دگر	قطب حق مرشد سلیمان بادشاہ	
تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امام حنفی که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود		
بندہ مولے غلام مصطفی	شیخ عالم سرور عشاق حق	
بست دایکے سطر رحلتش	بار دگر سحر حق مشتاق حق	
تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشهور کاسے صاحب کربال که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود		

تاریخ وفات شیخ نور محمد پیل که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و پنج بود  
 تاریخ وفات شیخ محمد سعید شرفی که در سال یک هزار و دویصد و چارده بود  
 تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بریلوی حنفی که ولادتش در سال یک هزار و یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه یک هزار و دویصد و پنجاه و پنج بود  
 تاریخ وفات حاج سلیمان حبیبی که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امام حنفی که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشهور کاسے صاحب کربال که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود

فیض دیدار است توبه بشمار  
 سال ترحیلش بگو شیخ اکرام  
 تاریخ وفات شیخ نور محمد پیل که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و پنج بود  
 تاریخ وفات شیخ محمد سعید شرفی که در سال یک هزار و دویصد و چارده بود  
 تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بریلوی حنفی که ولادتش در سال یک هزار و یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه یک هزار و دویصد و پنجاه و پنج بود  
 تاریخ وفات حاج سلیمان حبیبی که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امام حنفی که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشهور کاسے صاحب کربال که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود

تاریخ وفات شیخ نور محمد پیل که در سال یک هزار و دویصد و پنجاه و پنج بود  
 تاریخ وفات شیخ محمد سعید شرفی که در سال یک هزار و دویصد و چارده بود  
 تاریخ ولادت و وفات مولانا نیاز احمد بریلوی حنفی که ولادتش در سال یک هزار و یکصد و هفتاد و سه و وفات در سنه یک هزار و دویصد و پنجاه و پنج بود  
 تاریخ وفات حاج سلیمان حبیبی که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ غلام مصطفی وزیر امام حنفی که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود  
 تاریخ وفات شیخ غلام نصیر الدین المشهور کاسے صاحب کربال که در سال یک هزار و دویصد و هشتاد و دو بود





[illegible][illegible]



[illegible]



طرحه سبیل انتقال آنجناب	تاج ابرار است ای ولایت
محمود اسرار محبوب است نیز	میر حمزه رهبر کمال شمار
تاریخ وفات خواجه محمد یار سا که در سال متشدد و سبت و سه بود وقوع آمد	با دین محمد یار سا
داشت چون رخت افروخت باز	عارف حق یار سانی بالکمال
هم جنب ذوالجلال آمد عیان	سبت محی الدین سخی سالصال
تاریخ وفات سید شریف جرجانی که در سال متشدد و سبت و پنج بود وقوع آمد	باز بر یار سا نوز کمال
چون دنیا یافت و جنت گرفت	سید اشرف شریف دین جلیف
با دین آفتاب رحیل است	نیز سید مادی عالم شریف
تاریخ وفات خواجه حسن عطار که در سال متشدد و سبت و شش بود وقوع آمد	باجال حسین در غلدر برین
چون حسن رفت از جهان کجانات	نیر اکبر امام السکین
گفت سرو رسال نقل آنجناب	هم حسن عطار انوار حسین
پس از آن خواجه حسن بی جمال	باز نوشتیم سر آج العاشقین
وصلتش جستم ز اهل معرفت	نیز حق برین حق کما نور یقین
پس حسن محمود مادی شریف	تاریخ وفات خواجه یعقوب چرخ که در سال متشدد و سبت و یک بود وقوع آمد
تاریخ وفات خواجه عطاء الدین محمد وانی که در سال متشدد و سبت و دو بود وقوع آمد	حضرت یعقوب مجذوب خدا
شد بر اوج چرخ چون منزلت یزید	نیز حق آمو و مطلوب خدا
رحلتش شمس الهی است گفته است	هم بدان یعقوب محبوب خدا
وصل او کمال سیرت بخوان	تاریخ وفات خواجه عطاء الدین محمد وانی که در سال متشدد و سبت و دو بود وقوع آمد
تاریخ وفات خواجه عطاء الدین محمد وانی که در سال متشدد و سبت و دو بود وقوع آمد	شیخ عالمی مکان عطاء الدین
تاریخ وفات خواجه عطاء الدین محمد وانی که در سال متشدد و سبت و دو بود وقوع آمد	وان محب یقین جداگاه
تاریخ وفات خواجه عطاء الدین محمد وانی که در سال متشدد و سبت و دو بود وقوع آمد	بنده خاص زنده اهل فرما
تاریخ وفات خواجه عطاء الدین محمد وانی که در سال متشدد و سبت و دو بود وقوع آمد	گشت شد کاشف الودیه است باز
تاریخ وفات خواجه عطاء الدین محمد وانی که در سال متشدد و سبت و دو بود وقوع آمد	آخرش بهر سال وصلش گو

در این کتاب که در این شهر  
 بنام خواجه عطاء الدین محمد وانی  
 در سال متشدد و سبت و دو  
 در روز پنجشنبه در ماه رجب  
 در شهر تبریز در کمال  
 در این شهر که در این شهر  
 بنام خواجه عطاء الدین محمد وانی  
 در سال متشدد و سبت و دو  
 در روز پنجشنبه در ماه رجب  
 در شهر تبریز در کمال  
 در این شهر که در این شهر  
 بنام خواجه عطاء الدین محمد وانی  
 در سال متشدد و سبت و دو  
 در روز پنجشنبه در ماه رجب  
 در شهر تبریز در کمال



چون که بگویم و در این کتاب  
فغانی خفا چه بود از کرم  
پایان سخن نویسم از  
بیاختاری که در دامن  
سازد غافل را به گمراهی  
و در آنجا که می بیند  
آینده را که با او است

فخاص صدیق گو در گز باره	خواجه ماد و سخی حق عبید اید
تاریخ ولادت و وفات خواجه نور الدین عبد الرحمن جامی که ولادت در سال ۸۹۵	در سال ۹۰۵
خواجه باغی و لے ساقی جام صاحب توفیق گو توبه او رحلتش در الکر امت ۹۰۵	جرعه نویسی جام حب کبریا نیز و اس کے چھان مشککشا ہم شفیق راہ بر اسے باصفا بہر سال رحلتش کردم نہا
نیز جامی ماہ دین محمد دم جام و تمل او دان خواجه جامی در	تاریخ وفات سید میر عبد الاول نقشبندی که در سال ۹۰۵
افت چون آخر مقام اند برشت سید کو مین محمد دم آمد ہست نیز زادہ عبد اول حق برشت	عبد اول میر دین جنت مکان ارتحال آن پیشہ دو زبان باز شاہ حق جنت بدان
تاریخ ولادت و وفات خواجہ شمس الدین محمد رومی که ولادت در سال ۹۰۵	در سال ۹۰۵
گشت شمس الدین چور و شرف بر جہا مہربان محبوب شمس دین چون بہت تر حلیش ولی بر نویسی ماہ دینی اسلام شمس الاکرامین خاص باری خسر و ابدال نیز	سال تولدیش بقول اصفا نیز شمس الاصفیا اہل صفت ہمد گر محمدی مکر مہمقتدا گشت حاصل بہر وصلش بہ نا ختم شد سال وصالش و الہا
تاریخ شہادت خواجہ محمد یحیی شہید کہ در سال ۹۰۵	در سال ۹۰۵
شیخ یحیی شہید کامل عصر یافت حق راہر آنکہ او ریاست کرد چون زین جہان بجلد عروج صاحب جان تبار شد تاریخ	اکمل و اسعد ہست و شہید دید حق راہر آنکہ او را دید روح پاکش بر اوج عرش رسید نیز قطب کبیر مر و شہید
تاریخ وفات خواجہ محمد عبد نقشبندی کہ در سال ۹۰۵	در سال ۹۰۵

تاریخ ولادت خواجہ نور الدین عبد الرحمن جامی ۸۹۵  
 تاریخ وفات خواجہ نور الدین عبد الرحمن جامی ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ شمس الدین محمد رومی ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ شمس الدین محمد رومی ۹۰۵  
 تاریخ شہادت خواجہ محمد یحیی شہید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ محمد عبد نقشبندی ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ باغی و لے ساقی جام ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ باغی و لے ساقی جام ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ ماد و سخی حق عبید اید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ ماد و سخی حق عبید اید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ سید میر عبد الاول نقشبندی ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ سید میر عبد الاول نقشبندی ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ عبد اول میر دین جنت مکان ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ عبد اول میر دین جنت مکان ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ سید کو مین محمد دم ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ سید کو مین محمد دم ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ زادہ عبد اول حق برشت ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ زادہ عبد اول حق برشت ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ شمس الدین چور و شرف بر جہا ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ شمس الدین چور و شرف بر جہا ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ مہربان محبوب شمس دین ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ مہربان محبوب شمس دین ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ بہت تر حلیش ولی بر نویسی ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ بہت تر حلیش ولی بر نویسی ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ ماہ دینی اسلام شمس الاکرامین ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ ماہ دینی اسلام شمس الاکرامین ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ خاص باری خسر و ابدال نیز ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ خاص باری خسر و ابدال نیز ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ اکمل و اسعد ہست و شہید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ اکمل و اسعد ہست و شہید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ دید حق راہر آنکہ او را دید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ دید حق راہر آنکہ او را دید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ روح پاکش بر اوج عرش رسید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ روح پاکش بر اوج عرش رسید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ نیز قطب کبیر مر و شہید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ نیز قطب کبیر مر و شہید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ ۹۰۵

تاریخ ولادت خواجہ نور الدین عبد الرحمن جامی ۸۹۵  
 تاریخ وفات خواجہ نور الدین عبد الرحمن جامی ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ شمس الدین محمد رومی ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ شمس الدین محمد رومی ۹۰۵  
 تاریخ شہادت خواجہ محمد یحیی شہید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ محمد عبد نقشبندی ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ باغی و لے ساقی جام ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ باغی و لے ساقی جام ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ ماد و سخی حق عبید اید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ ماد و سخی حق عبید اید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ سید میر عبد الاول نقشبندی ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ سید میر عبد الاول نقشبندی ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ عبد اول میر دین جنت مکان ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ عبد اول میر دین جنت مکان ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ سید کو مین محمد دم ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ سید کو مین محمد دم ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ زادہ عبد اول حق برشت ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ زادہ عبد اول حق برشت ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ شمس الدین چور و شرف بر جہا ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ شمس الدین چور و شرف بر جہا ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ مہربان محبوب شمس دین ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ مہربان محبوب شمس دین ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ بہت تر حلیش ولی بر نویسی ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ بہت تر حلیش ولی بر نویسی ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ ماہ دینی اسلام شمس الاکرامین ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ ماہ دینی اسلام شمس الاکرامین ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ خاص باری خسر و ابدال نیز ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ خاص باری خسر و ابدال نیز ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ اکمل و اسعد ہست و شہید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ اکمل و اسعد ہست و شہید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ دید حق راہر آنکہ او را دید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ دید حق راہر آنکہ او را دید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ روح پاکش بر اوج عرش رسید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ روح پاکش بر اوج عرش رسید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ نیز قطب کبیر مر و شہید ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ نیز قطب کبیر مر و شہید ۹۰۵  
 تاریخ ولادت خواجہ ۹۰۵  
 تاریخ وفات خواجہ ۹۰۵

[illegible][illegible][illegible]

عزیز ملک شریف  
دین محمد علی است  
مخلص نیست نقیضه  
از دواخواهی کجای گنجلی

روایت و نیز از  
را حور و خواجہ  
دادند که بیکدیگر رسید  
و در میان خلق مالابان

افراخت سراسر از آوار  
در روی پست و بدعت  
بیت آمد و افکند بر خاک  
و با عاقبت

چو باقی را ہی ملک بقاشد ز آذر زلف سال وصلتر	باہل دہر گفت نہ افراقے بجائی ملک باقی رفت باقی
قطعہ نامے	
چو شد از عالم فانی مقیم جنت الہ نخو آفتابے آن چرخ دم باقی راں تجلیتر	معلے خواجہ عالمی شہ دار البقا وگر قطب سن الی شہ دار البقا
بارخ ولادت و وفات شیخ احمد مدد الف ثانی فاروقی کابلی سرسندی کہ ولادتش در سال ہند و مفاد و یک وفات وہی رسنہ یکزار و بیچارہ بود	
شیخ احمد شیخ دین احمد شہ عمان احمد ربيع الزلت نیز در تولد او اشرف فقیر رحلتش فیض کمال احمد است پر سلطان الف ثانی بخوان شیخ امجد احمد پاک آیدت حب احمد گو و کے ز ابد بخوان	پیر دین محبوب مقبول عظیم سرور اتولید آن شیخ کریم طرفہ تربید است از طبع سلیم ہم بخوان احمد صراط استقیم سال وصل آن شہ جنت مقیم ارتحال آن دے بی خوف بیم در سنین عمر آن نور قدیم
قطعہ نامے	
احمد فاروق سرسندی کابلی در ولادت احمد ز ابد شفع است	در سن تولد و ترجلیش حوتم تصال بے نیاز احمد شفع است آذر ارجال
بارخ وفات خواجہ بزرگ نقشبندی کہ در سال یکزار و چہل و دو بود	
ز دنیای دون رخت ہستی بہت گویشخ اسلام تاریخ او	چو بزرگ آن مقتدا اہل فقر وگر زندۃ الامم اہل فقر
بارخ وفات خواجہ خاوند محمود ہمدانی حضرت ایشان لاہور کہ در سال یکزار و چہل و دو	
بجہ اللہ کہ در جنت مکان کہ بسرور گفت رضوان ارتحالش	وے بی ریاضت و ند محمود کہ قطب الاصفیا خاوند محمود
قطعہ نامے	
چو شد ریز زہین افروز افروز ز دنیا آفتاب عشق محمود	

[illegible]

چوباتی را ہی ملک بقاشد ندا آمد زلف سال وصلشر	باہل دہر گفت ند افراتے سجائی ملک باہمی رفت باقی
---	--

چو شد از عالم فانی بقیع خست <sup>۱</sup>		سعی خواجه علی شد دار البقا <sup>۲</sup>	
قطعه ثانی		قصه	

نحوه طب انجمنه وم باقی حال تحریر  
وگر قطب من الی شده دار البقا باقی

ولادت در سال ہجری ۱۰۵۷ و وفات در ۱۰۸۵  
 شیخ احمد شیخ دین احمدی  
 پیر دین محبوب مقبول عظیم

شادمان احمد ربيع الفترت  
 نیز در تولد او اشراف فقیر  
 مرور اولید ان شیخ کریم  
 طرفه تربید است از طبع سلیم

هم کجوان احمد صراط مستقیم  
سال وصل آن شه جنت مقیم

عبد الحمید کو کے زاہد پنجاب  
در سین عمر آن نور قدیم

در سن تو ایید و ترجیح حقیم تصال  
در ولادت احمد را بد شفعه میت

دو نای و درخت بهشتی است  
حوض رنگ آرزو مقصد اسرار فقر

تاریخ وفات خواجہ خاند محمد بن ابی اسود حضرت اشکان المومنین کہ دیال کمزار و حجاب

و بی رحمتی که در جنت مکان کرد	و بی ریاضتی که در جنت میوه داد
بهر و گرفت رضوان از تنهایش	که قطب الاصفیاء از دجیمه داد

چند ریز زمین افوس فیہو		ز دنیا آفتاب عشق محمود
قطعه مانے		

و در این کتاب که در این کتابخانه است

۱۰۸



در احوال و توفیق  
بنده یی که در این  
دعای عز و کرم  
کرم و عز است  
بگویند که این  
دعای توفیق  
است که در  
کتاب توفیق  
در احوال و توفیق  
بنده یی که در این  
دعای عز و کرم  
کرم و عز است  
بگویند که این  
دعای توفیق  
است که در  
کتاب توفیق



در سال ۱۱۰۰  
در سال ۱۱۰۱  
در سال ۱۱۰۲  
در سال ۱۱۰۳  
در سال ۱۱۰۴  
در سال ۱۱۰۵  
در سال ۱۱۰۶  
در سال ۱۱۰۷  
در سال ۱۱۰۸  
در سال ۱۱۰۹  
در سال ۱۱۱۰

سال وصال آن شه روشن ضمیر	۱۱۰۰	شاهنشاه ولایت شریعیان
تاریخ وفات شیخ محمد اسماعیل خوری مجدوسی که در سال کهنزار و یکصد و ده بود	۱۱۰۱	پاکت از جهان مجید برین
چونکه معصوم دهر اسماعیل	۱۱۰۲	رحلتش است عارف سرت
نیز محمد دوم دهر اسماعیل	۱۱۰۳	تاریخ وفات حافظ عبد الغفور سیاهوری که در سال کهنزار و یکصد و شانزده
چون فد اگر دجان بنام اله	۱۱۰۴	شیخ محمد الغفور حافظ دین
هم نوجوان حافظ کلام اله	۱۱۰۵	حافظ و اصل است تاریخش
تاریخ وفات خواجه احمد سیو که نقشبندی در سال کهنزار و یکصد و شانزده بود	۱۱۰۶	شیخ احمد جوهر و احمد رفت
بهر تاریخ آن شه	۱۱۰۷	تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و سی و یک بود
فاصل علم احمدی فرما	۱۱۰۸	رحلت سفر به دست جوهرین داد وین مجید
تاریخ وفات شیخ محمد مراد کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و سی و یک بود	۱۱۰۹	تاریخ او خرد در شهنشاه عشق جنت
شیخ محمد مراد و سرور عشاق با مراد	۱۱۱۰	تاریخ وفات سید نور محمد بدایونی که در سال کهنزار و یکصد و سی و یک بود
گفتا و گر که طالب مشتاق با مراد	۱۱۱۱	چون در خلعت حلوه گر شد
تاریخ وفات سید نور محمد بدایونی که در سال کهنزار و یکصد و سی و یک بود	۱۱۱۲	عجب سال وصالش گشت روزگار
چراغ شمع تن نور محمد	۱۱۱۳	قطعه نمانی
زمین محمد و هم زمین نور محمد	۱۱۱۴	چون خورشید دین نور محمد
چون خورشید دین نور محمد	۱۱۱۵	شده تاریخ وصالش بر تو گوین
محمد نور گنج نور بر نور	۱۱۱۶	تاریخ وفات خواجه محمد صدیق مجدوسی که در سال کهنزار و یکصد و سی و یک بود
تاریخ وفات خواجه محمد صدیق مجدوسی که در سال کهنزار و یکصد و سی و یک بود	۱۱۱۷	چون بعد صدق از جهان جد برفت
ارشادش طرفه با صدق و صفا	۱۱۱۸	است اهل یونین که به اهل ملوک
نیز اهل فضل قطب الا و لیا	۱۱۱۹	تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجدوسی که در سال کهنزار و یکصد و سی و یک بود
تاریخ وفات شیخ عبد الاحد مجدوسی که در سال کهنزار و یکصد و سی و یک بود	۱۱۲۰	با احمد بوست از د ارفنا
فرد دین عبد الاحد نور علی	۱۱۲۱	است شیخ العالمین تاریخ او
هم نوجوان شیخ کبیر ای متقی	۱۱۲۲	

در سال ۱۱۰۰  
در سال ۱۱۰۱  
در سال ۱۱۰۲  
در سال ۱۱۰۳  
در سال ۱۱۰۴  
در سال ۱۱۰۵  
در سال ۱۱۰۶  
در سال ۱۱۰۷  
در سال ۱۱۰۸  
در سال ۱۱۰۹  
در سال ۱۱۱۰  
در سال ۱۱۱۱  
در سال ۱۱۱۲  
در سال ۱۱۱۳  
در سال ۱۱۱۴  
در سال ۱۱۱۵  
در سال ۱۱۱۶  
در سال ۱۱۱۷  
در سال ۱۱۱۸  
در سال ۱۱۱۹  
در سال ۱۱۲۰  
در سال ۱۱۲۱  
در سال ۱۱۲۲

در سال ۱۱۰۰  
در سال ۱۱۰۱  
در سال ۱۱۰۲  
در سال ۱۱۰۳  
در سال ۱۱۰۴  
در سال ۱۱۰۵  
در سال ۱۱۰۶  
در سال ۱۱۰۷  
در سال ۱۱۰۸  
در سال ۱۱۰۹  
در سال ۱۱۱۰  
در سال ۱۱۱۱  
در سال ۱۱۱۲  
در سال ۱۱۱۳  
در سال ۱۱۱۴  
در سال ۱۱۱۵  
در سال ۱۱۱۶  
در سال ۱۱۱۷  
در سال ۱۱۱۸  
در سال ۱۱۱۹  
در سال ۱۱۲۰  
در سال ۱۱۲۱  
در سال ۱۱۲۲







4

مستوفی

فت فرزند دلفید و دلیخدا از جنس پسر  
ابوسعبدی است و در سلطه پسر داجان شکار کرد  
و سرید حضرت پیر که اهل بود و در تربیت و تکمیل  
مجنوب حضرت شاه یافت و بعد از مرگ پیر  
نشینت بی نمود و سالها سال بعد از آن  
قلمی سمعوت آباد از نو جوان شورش و حال خود  
در دلی شاد شاه احمد سید ابل و شرفین بیست  
از دلی حیرت بود که بر مین الشرفین بیست  
مهاجران محبت حق بیست و نیاک از دلی  
ماد از دلی حیرت محبت و نیاک از دلی  
کر دلی از دلی حیرت محبت و نیاک از دلی  
و دلی از دلی حیرت محبت و نیاک از دلی  
و دلی از دلی حیرت محبت و نیاک از دلی

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱







[illegible]

تاریخ وفات شیخ وجیه الدین بہروردی کہ در سال بانصد و شصت و شش قمری	تاریخ وفات شیخ عبد بن
جلوہ کر شد بر ادب غلہ برین	سبقت متناہی حسن نامہ بخش
تاریخ وفات شیخ عمار یا قدس سرہ کہ در سال بانصد و شصت و دو قمری	کتابش یافت در غلہ
رقم شد عاشق اسکے صاحبش	تاریخ ولادت و وفات شیخ البیہود شہاب الدین عمر بہروردی کہ ولادت در سال بانصد و شصت و دو قمری
قطب نامہ دین شیخ شہاب الدین	کشف عالم گو مصباح عرفان کہ رقم
تاریخ ولادت و وفات شیخ بہا و الدین کہ باستانی کہ ولادت در سال بانصد و شصت و شش قمری	برتر جلیش بخوان سرور شہاب الدین
قطب قطاب جہان شیخ زمان	بادشاہ دین بہا و الدین ولی
عاشق صادق گو تر جیل آن	عشق حق تولد او بخور کر
نیر فتح دین بہا و الدین بخوان	شیخ نور آمد دگر تر جیل او
عصمت بانصد سال تاریخ بخش بیان	مرشد کامل مکن کامل قسم
پیر زکریا و کے حق مین بخوان	ہم کرم بار حق و الے گو
شاہ مہدی الکریم آمد بجان	رحلتش شاہ رفیع است دگر
قطعہ مانے	
شیخ عالمے امین بہا و الدین	شاہ روی زمین بہا و الدین
مطلع نور دین بہا و الدین	گشت تولدش از خرد در دژ
عارف اہل یقین بہا و الدین	گفت سرور بسال رحلت او
تاریخ وفات شیخ جمال خندان رو کہ در سال شصت و ہفتاد و شش قمری	

غلن است ۱۱





[illegible][illegible]

۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱















تاریخ وفات شیخ حاج محمد سهروردی لامهوری که در سال یک هزار و هشتاد و دو بمقام	روح دین جان محمد جان جان
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسماعیل مدرس سهروردی لامهوری المشهور	سال تارخیش و گرامش و عرش جهان
سیان کلان که ولادتش در سال تو دو پنجم و وفات در سنه یک هزار و پنجم بمقام	بست وصل او و دوباره و جهان
جناب شیخ اسماعیل مرحوم	ولی حق به قبول لازمالی
پی تاریخ تو آبش نه اش	خلیل الله اسماعیل والی
بمال ارشمال آن شش	خود فرمود شیخ دین عالی
تاریخ وفات شیخ حسن لاکه شمیری که در سال یک هزار و نو و نو و نو بمقام	تاریخ تولد و حیل آن پاکباز
حسن جون ز دنیا بخت رسید	دگر بار شیخ حسن بانیاز
یکی شیخ محبوب سجانی است	
تاریخ وفات شیخ یعقوب شمیری که در سال یک هزار و یکصد و شش بمقام	محمد یعقوب مجذوب متابع عشق
شده جلوه گر از جهان در خان	دگر بار یعقوب متابع عشق
وصالش ولی خند آهنگی است	
تاریخ وفات شیخ حاج سهروردی لامهوری که در سال یک هزار و یکصد و شش بمقام	محمد روحی زین جان محمد
جو در غلده سینه گشت روشن	دو باره شیخ دین جان محمد
بگو خورشید سال ارشمالش	
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد فانی لامهوری که ولادتش در سال هزار و هشتاد و یک و وفات در یک هزار و یکصد و شصت و شش بمقام	
حافظه آن فارسی شهاب عالم	بجو و محبوب جناب زوالمسن
افضل الاقطاب و الالجاه	سال تولدش باقوال زمین
ببر سال انشمال آن جناب	گفت سرور حافظه و حامد حسن
تاریخ وفات شیخ کریم شاه قرمشی که در سال یک هزار و دو صد و صد و صد و صد بمقام	
کریم ذوالکریم حضرت کریم شاه	شده مسعود رضی الله عنه

تاریخ ولادت و وفات شیخ حاج محمد سهروردی لامهوری که در سال یک هزار و هشتاد و دو بمقام  
روح دین جان محمد جان جان  
سال تارخیش و گرامش و عرش جهان  
بست وصل او و دوباره و جهان  
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد اسماعیل مدرس سهروردی لامهوری المشهور  
سیان کلان که ولادتش در سال تو دو پنجم و وفات در سنه یک هزار و پنجم بمقام  
جناب شیخ اسماعیل مرحوم  
پی تاریخ تو آبش نه اش  
بمال ارشمال آن شش  
تاریخ وفات شیخ حسن لاکه شمیری که در سال یک هزار و نو و نو و نو بمقام  
حسن جون ز دنیا بخت رسید  
یکی شیخ محبوب سجانی است  
تاریخ وفات شیخ یعقوب شمیری که در سال یک هزار و یکصد و شش بمقام  
شده جلوه گر از جهان در خان  
وصالش ولی خند آهنگی است  
تاریخ وفات شیخ حاج سهروردی لامهوری که در سال یک هزار و یکصد و شش بمقام  
محمد روحی زین جان محمد  
دو باره شیخ دین جان محمد  
بگو خورشید سال ارشمالش  
تاریخ ولادت و وفات شیخ محمد فانی لامهوری که ولادتش در سال هزار و هشتاد و یک و وفات در یک هزار و یکصد و شصت و شش بمقام  
حافظه آن فارسی شهاب عالم  
افضل الاقطاب و الالجاه  
ببر سال انشمال آن جناب  
تاریخ وفات شیخ کریم شاه قرمشی که در سال یک هزار و دو صد و صد و صد و صد بمقام  
کریم ذوالکریم حضرت کریم شاه  
شده مسعود رضی الله عنه

کریم ذوالکریم حضرت کریم شاه

کریم ذوالکریم حضرت کریم شاه

کریم ذوالکریم حضرت کریم شاه  
شده مسعود رضی الله عنه  
تاریخ وفات شیخ کریم شاه قرمشی که در سال یک هزار و دو صد و صد و صد و صد بمقام  
کریم ذوالکریم حضرت کریم شاه  
شده مسعود رضی الله عنه









<p>که هم با تو ال دگر ای اهل هوش از سال ارتحال آنجناب</p>		<p>لفظ عالمگیره تاریخش بدان شد محب کامل ارسه در بیان</p>
<p>آن محب خدا حبیب بنی گفت سرور حبیب بنی عالم دین فانی و منصب باج هست احسان کفیل تاریخش</p>		<p>رفت چون از جهان با عجب سال ترخیل آن امام زمان عالم دین فانی و امام جهان پس ولی ره حسین و هم مبارز</p>
<p>رفت مثل گل چو در باغ بهشت بر دو سال وصل آن عالی جناب باز محبوب الا حد محمدی بگو اهل لطف و نیز گو اهل صلاح</p>		<p>حضرت نوربوی دلی و وجه کعبه دین مادی عالم سخنان همگر مهدی اهل الله دان والی حق کن دوباره ترجمان</p>
<p>جو آن شاه زمان داور و مسعود ترخیش گوی سلطان داود</p>		<p>بخت یافت از دنیا رسانی دوباره زب حق داود</p>
<p>شیخ نامی عبده بن السلام سال ترخیش گوی عالی جناب</p>		<p>آخرش در غلخه والا یافت جاد هم امین الله خوان با صد صفای</p>
<p>از عبادت جو یافت خلد برین وصل او قطب اهل دل گفتم</p>		<p>آن امام محب عبده الله نیز از حبیب عبد الله</p>
<p>رفت چون این سماک از داری سال ترخیش محمد کامل است</p>		<p>شد جو گنج پاک بهش زیر خاک بار دیگر طالب مادی سماک</p>
<p>تاریخ وفات خواجه شفیق مکی که در سال کعبه شاد و چارایانو و چارایانو</p>		

این کتاب در بیان تاریخ اهل بیت است و در بیان تاریخ اهل بیت است  
 از سال ارتحال آنجناب  
 آن محب خدا حبیب بنی  
گفت سرور حبیب بنی  
عالم دین فانی و منصب باج  
هست احسان کفیل تاریخش  
 رفت چون از جهان با عجب  
سال ترخیل آن امام زمان  
عالم دین فانی و امام جهان  
پس ولی ره حسین و هم مبارز  
 حضرت نوربوی دلی و وجه  
کعبه دین مادی عالم سخنان  
همگر مهدی اهل الله دان  
والی حق کن دوباره ترجمان  
 بخت یافت از دنیا رسانی  
دوباره زب حق داود  
 آخرش در غلخه والا یافت جاد  
هم امین الله خوان با صد صفای  
 آن امام محب عبده الله  
نیز از حبیب عبد الله  
 شد جو گنج پاک بهش زیر خاک  
بار دیگر طالب مادی سماک  
 تاریخ وفات خواجه شفیق مکی که در سال  
کعبه شاد و چارایانو و چارایانو



1.





۱۹۹۲	۱۹۹۱
مصدق عثمان گشت و رقم شد	نیز ز سبب قبله دنیا و دین
تاریخ وفات شیخ عمر بن عثمان صوفی که در سال و صد و نو و شش یافت	۱۹۹۰
چو در خلد برین بعد از عمر رفت	جناب شیخ عمر و مر و کینا
۱۹۹۱	۱۹۹۰
بگو سلطان امام دین و صالح	و اگر فرما ۳۱۳ مام دین
سورگ و دوباره ناموزون	مکن از رسد سالش بود
تاریخ وفات شیخ ابو عثمان حیری که در سال و صد و نو و هشت یافت	۱۹۹۰
چون ابو عثمان دله مقدا	از فنا اندر بقا آخر رسید
قطب واقف ساکت آفتاب چون	رحلت او هم دله حق سعید
تاریخ وفات شیخ ابو العباس حمد بن محمد بن سروق که سال و صد و نو و نو یافت	۱۹۹۰
بلک جهان یافت ما و اخی کثیر	چو عباس شیخ ۱۱۱۱ مام دین
۱۹۹۱	۱۹۹۰
ز صدیق صادق بجز رحلتش	بفرما اگر حق نسا ایل دین
تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسن ازی که در سال و صد و سه یافت	۱۹۹۰
یوسف مصر و لایت اهل حرد	شاه جنت گشت چون باغ و شان
سال تر حلیش بعد حسن و جمال	یوسف ما دمی حسین امدینان
تاریخ وفات شیخ ابو العباس عبدالقاسمی که در سال و صد و چهار یافت	۱۹۹۰
چو سویی روضه جنت روان شد	کریم الناس عبدالقاسمی دے
تاریخ وصال او خرد و گفت	ابو عباس عبدالقاسمی دے
تاریخ وفات شیخ ابوسعید عبدالقاسمی که در سال و صد و شش یافت	۱۹۹۰
شیخ دین ابن جلا چون از جهان	در سراجی خلد شد منزل گزیر
۱۹۹۱	۱۹۹۰
بدر اهل دین است سال و وصل او	بار دیگر اهل دین اهل تقیر
تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلوانی که در سال و صد و هفت یافت	۱۹۹۰
حضرت حق کو حشمت با کمال	یافت از حق با جناب حق و مال
جسم او حق بود و جانش نور عین	قتل شد بر نام حق همچون حیدر
سال و وصل او عجب مثل فلق	شد ز دل روشن که حق کامل حق
سال و وصل آن شد هر دو جهان	بار صدیق زمانه شد عیان

تاریخ وفات شیخ عمر بن عثمان صوفی که در سال و صد و نو و شش یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو عثمان حیری که در سال و صد و نو و هشت یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو العباس حمد بن محمد بن سروق که سال و صد و نو و نو یافت  
 تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسن ازی که در سال و صد و سه یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو العباس عبدالقاسمی که در سال و صد و چهار یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابوسعید عبدالقاسمی که در سال و صد و شش یافت  
 تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلوانی که در سال و صد و هفت یافت

تاریخ وفات شیخ عمر بن عثمان صوفی که در سال و صد و نو و شش یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو عثمان حیری که در سال و صد و نو و هشت یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو العباس حمد بن محمد بن سروق که سال و صد و نو و نو یافت  
 تاریخ وفات شیخ یوسف بن حسن ازی که در سال و صد و سه یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابو العباس عبدالقاسمی که در سال و صد و چهار یافت  
 تاریخ وفات شیخ ابوسعید عبدالقاسمی که در سال و صد و شش یافت  
 تاریخ وفات شیخ حسین بن منصور حلوانی که در سال و صد و هفت یافت



خواه والاقتدر مقرر آن	سال ترجمیل آن اباقاسم
تاریخ وفات شیخ ابوالعباس یاری که در سال سه صد و چهل و دو و یا چهل و سه	تاریخ وفات شیخ ابوالعباس یاری که در سال سه صد و چهل و دو و یا چهل و سه
خواجه حق و صل شد از رحمت حق	خواجه شیخ ابوالعباس حق زان
مقطع باری و پسر مکمل	امام مسلمین شد رحلت آن
ابوالعباس حق بن رطلش گو	ابوالعباس مهدی قطب زخوان
زقطب العالمین جو آرتشالش	دگر قطب کبیر ای صاحبان
تاریخ وفات شیخ ابوالخیر تنانی که در سال سه صد و چهل و سه بود قوم	تاریخ وفات شیخ ابوالخیر تنانی که در سال سه صد و چهل و سه بود قوم
حضرت ابوالخیر اهل خیر بر	شد خیر از دهر و زحل برین
گوزنی محبوب ربانی هلال	بار دیگر قبله اهل یقین
تاریخ وفات شیخ ابوعمر و زجاجی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم	تاریخ وفات شیخ ابوعمر و زجاجی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم
جو عمر جاودانی در خان یافت	ابو عمر و زجاجی شیخ مایه
وصال او محب مظهر بان	دگر باره ابو عمر و زجاجی
قطعه ناسی	قطعه ناسی
ابوعمر و زجاجی زبیر دین	ز دنیا شد جو سوسوی خلد را
وصال او سه اتور و سه گو	دو باره دان ولی نور الهی
تاریخ وفات شیخ جعفر نصیر خلدی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم	تاریخ وفات شیخ جعفر نصیر خلدی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم
جو جعفر شیخ خلدی مالک خلد	ز دنیا رفت در خلد مصلی
سبحان میرزایان یا میر محمد	سال رحلت آن شاه بکتا
مگر امجد مصلی طالب حق	دگر باره محمد نو که فرما
تاریخ وفات شیخ ابوالحسن بوشنجی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم	تاریخ وفات شیخ ابوالحسن بوشنجی که در سال سه صد و چهل و شصت بود قوم
ابوالحسن جون از جهان هلت بود	و صل این حسن ولی حسن جان
کون قسم محبوب بن حق حسن	و صل دین بو الحسن کون جان
قطعه ناسی	قطعه ناسی
چون حسن زمانه بو الحسن بر	از دیده خلق رو که هفت
دل مبر وصال آن شه دین	محبوب بنی مصلی حسن گفت

نام شیخ ابوالعباس حق زان  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت  
 نام شیخ ابوالعباس حق زان  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت  
 نام شیخ ابوالعباس حق زان  
 ز هزار و شصت و شصت و شصت

گنجینه

کتابت دی او محمد و اهل انبیا و اهل بیت  
 کتابت دی او محمد و اهل انبیا و اهل بیت  
 کتابت دی او محمد و اهل انبیا و اهل بیت  
 کتابت دی او محمد و اهل انبیا و اهل بیت



چون فتح عشق اسماعیل دین وصلش اسماعیل محی الدین گور باز فرمود اقص حق اهل دل	جان تازه یافت از آجیان سیر محی الدین دگر باره بخوان سال وصل آن شد و الا سکان
تاریخ وفات شیخ ابوعبدالله مرقی که در سال سه صد و شصت و شش به پیشگاه خود آمد	شیخ عبد الله جو از مبعود خویش سیر حسن آمد وصال پاک او عازت زاهد دگر بر مان جز
تاریخ وفات شیخ ابوعبدالله رودباری بن عطا که در سال سه صد و شصت و هفتاد آمد	چو زین دریا به بر آفت گذر کرد شده دین گمنام سالش دگر با
چون عریق رحمت حق گشت ماه مست حق مین حق ناما لش دگر	سجنت رفت بر روی رودباری محب اولیا محبوب باری
تاریخ وفات شیخ سهل صعلوکی بن سلیمان که در سال سه صد و شصت و هشتاد آمد	چو سهل از دهر آخر جلوه گشت گرم باد سی و الا سهل صعلوکی
تاریخ وفات شیخ ابراهیم ابوسحاق بن مایه که در سال سه صد و شصت و نود آمد	روح او بر عرش شد از خاک باز باز ابراهیم عابد پاک باز
چو صد بن زمان کو بکر مرحوم نوشته شاه دین سال وصالش	سجنت رفت با صد ذب و تیر میز دگر کو بکر مهدی زاهد دین
چون ابوبکر از غایبات اله	شد بعسلین نبرم متیقین

در این کتاب  
 تاریخ وفات  
 شیخ ابوعبدالله  
 مرقی که در سال  
 سه صد و شصت و  
 شش به پیشگاه  
 خود آمد  
 تاریخ وفات  
 شیخ ابوعبدالله  
 رودباری بن عطا  
 که در سال سه  
 صد و شصت و  
 هفتاد آمد  
 تاریخ وفات  
 شیخ سهل  
 صعلوکی بن  
 سلیمان که در  
 سال سه صد و  
 شصت و هشتاد  
 آمد  
 تاریخ وفات  
 شیخ ابراهیم  
 ابوسحاق بن  
 مایه که در سال  
 سه صد و شصت  
 و نود آمد  
 چو صد بن زمان  
 کو بکر مرحوم  
 نوشته شاه دین  
 سال وصالش  
 سجنت رفت با  
 صد ذب و تیر میز  
 دگر کو بکر مهدی  
 زاهد دین  
 شد بعسلین نبرم  
 متیقین

در این کتاب  
 تاریخ وفات  
 شیخ ابوعبدالله  
 مرقی که در سال  
 سه صد و شصت و  
 شش به پیشگاه  
 خود آمد  
 تاریخ وفات  
 شیخ ابوعبدالله  
 رودباری بن عطا  
 که در سال سه  
 صد و شصت و  
 هفتاد آمد  
 تاریخ وفات  
 شیخ سهل  
 صعلوکی بن  
 سلیمان که در  
 سال سه صد و  
 شصت و هشتاد  
 آمد  
 تاریخ وفات  
 شیخ ابراهیم  
 ابوسحاق بن  
 مایه که در سال  
 سه صد و شصت  
 و نود آمد  
 چو صد بن زمان  
 کو بکر مرحوم  
 نوشته شاه دین  
 سال وصالش  
 سجنت رفت با  
 صد ذب و تیر میز  
 دگر کو بکر مهدی  
 زاهد دین  
 شد بعسلین نبرم  
 متیقین









تاریخ وفات ابوالقاسم عبدالصمد حافظ و نیوری که در سال سید و نو و وقت بود	
قیمت خود یافت چون فاضل مجله	سال وصل آن شه کون و مکان
بهت محبوب زبان عبد الصمد	نیز ابوالقاسم ولی عالی بدان
نور عالم پس سراج الطالبین	مهدی محبوب و نیوری بخوان
تاریخ وفات خواجگی بن عمار با سر که در سال چار صد و دو بود و قوم آند	
یافت چون یکی حیات و امنی	در جهان تاریخ آن والا مکان
بهت مایه نامور سبب گوی	نیز یکی قطب را بانی بخوان
از فرید حق سبب تاریخ او	باز بدرالدین امین کن فرحان
تاریخ وفات شیخ بوعلی دقاق که در سال چار صد و پنج بود و قوم	
محقق خدا چو شد سبحان	شیخ دقاق عاشق مشتاق
بهت تاریخ رحلت آن شاه	زاهد دین ابوسعلى دقاق
ناصر دین و مطلع نور است	نیز دقاق زبده آفاق
تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن سلمی که در سال چار صد و دو و از ده بود و قوم	
چون سلامت رفت در خلد برز	از جهان سلمی محمد بن حسین
پیشتر مست سال وصل او	هم شیخ ان سلمی محمد بن حسین
قطعه نامه	
جو در خلد برین شد عبد الرحمن	ز رحمن یافت عمر حا و دان
وصالش زبده آفاق پیر	ز طبعم شد روان بحر المعانی
تاریخ وفات شیخ ابوسعید مالینی که در سال چار صد و باز ده و از ده بود و قوم	
باسعادت چو شد سبب مجله	سال تاریخ آن شه دانه
حق طلب قطب ابوسعید گوی	هم حسن بن سید مایه
قطعه نامه	
یافت چون ابوسعید اسعد میر	باسعادت سبب مجله والا جا
رحلت صاحب الکرم و ج کرم	نیز مقبول کسب با فریا
تاریخ وفات ابوالحسن عالی بن جعفر هادی که در سال چار صد و باز ده بود و قوم	

۱۱۱  
 در این کتاب از تاریخ وفات ابوالقاسم عبدالصمد حافظ و نیوری که در سال سید و نو و وقت بود  
 و تاریخ وفات خواجگی بن عمار با سر که در سال چار صد و دو بود و قوم آند  
 و تاریخ وفات شیخ بوعلی دقاق که در سال چار صد و پنج بود و قوم  
 و تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن سلمی که در سال چار صد و دو و از ده بود و قوم  
 و تاریخ وفات شیخ ابوسعید مالینی که در سال چار صد و باز ده و از ده بود و قوم  
 و تاریخ وفات ابوالحسن عالی بن جعفر هادی که در سال چار صد و باز ده بود و قوم  
 و تاریخ وفات ابوالقاسم عبدالصمد حافظ و نیوری که در سال سید و نو و وقت بود  
 و تاریخ وفات خواجگی بن عمار با سر که در سال چار صد و دو بود و قوم آند  
 و تاریخ وفات شیخ بوعلی دقاق که در سال چار صد و پنج بود و قوم  
 و تاریخ وفات شیخ ابوعبد الرحمن سلمی که در سال چار صد و دو و از ده بود و قوم  
 و تاریخ وفات شیخ ابوسعید مالینی که در سال چار صد و باز ده و از ده بود و قوم  
 و تاریخ وفات ابوالحسن عالی بن جعفر هادی که در سال چار صد و باز ده بود و قوم







سالمک عالی حبیب صفت	نیز بوسحاق سلطان بنان رحلتش نورعین فرمایان بار دیگر بادی حق مهربان
قطعه ثانی	
شیخ دین طاق شاه بوسحاق شاه احسان است سال ترخیش سرور بادشاه اقطاب است	مافت از دهر چون سجد بکان همه گر بادشاه جان جهان رحلتش آن دلی دوزبان
تاریخ وفات شیخ ابو منصور حکیم انصاری که در سال چارصد و سی و یکم بود	شد چون منصور در ملک بقا سیر کامل و اصل آمد وصل او قطب بادی حق بیان کن زبان
تاریخ وفات شیخ ایاز لاهوری که در سال چارصد و سی و چهار بود	با نهر ایران فتح و نصرت از عدم جلوه منصور و هم منصور دم مشو اساکت قسم کن از قلم
شیخ والا آماز محمدر جهان گو و صالش ایاز عالی قدر	در صفت اسهل را از مهر است باز عارف ایاز جان باز است
قطعه ثانی	
بیر دین جان باز چون شیخ ایاز سالمک روی زمین تاریخ است	باز شد در غدا ز روی زمین نیز گو سرور امام الاکریم
تاریخ وفات شیخ احمد قدوسی که در سال چارصد و سی و هفت بود	شد چون در بر محمد از جهان گوشه اسلام سال وصل او
تاریخ ولادت و وفات شیخ ابوسعید بن ابوالخیر که در سال صد و پنجاه و هفت بود	باز شد نور حسن احمدی مقتدای اولیا و ائمه
بوسعید آن شیخ دین اسعد سعید سالمک معصوم شد تولد او شد زول ایما سعید نادر	رحلتش گفتیم سید بر شما باز محوم بوسعید آمد ندا

باز از بزرگان قدیم لاهور است و در  
سلطنت عیدیه توسل داشت و اگر چه حبیب  
قطعه اولی صلیب تاریخ وصال وی را تمام نمود  
باز از خال کاظم دست فرزاده است بزرگ ابان  
مستور و محبت اینست که این بزرگ ابان  
علامه و محبوب سلطان محمود غزنوی است

در تاریخ  
۱۱۸۳

تاریخ از عهد و علما و دیگر نصیحت  
بود کتاب قدوسی از اشهر ترین تصانیف  
و سبب است  
تاریخ نام نامی است و فضل از قد و صفتش  
از خراسان است و در زمان انصاری بنی حبیب  
از زاد و پدر است بود

جان



<p>چو دل سال وصال آن دلی گفت بسال رحلت آن عارف حق چو آن شاه جهان اندر جان شد نخوان گریست سال وصال منظر وصال او ز دل گردید مضموم چو چشم از خرد تا ریخ ستارش وصال آن شه مرحوم و مغفور شود وید وصال آن گرامی نوشتم شمس دین گلشن دین بسال رحلت آن شاه سرید دو باره پیر کاهوری است ساش بسال رحلت آن شاه اکبر خرد چون سال وصال آن دلی گفت نخوان محبوب رهبر انتقالش بسال رحلت آن شاه دالا بسال رحلت آن پیر تفرید</p>	<p>بسرور بار سال کامل علی گفت عیان گردید حق بین آفت حق بسرور سال او سرور عیان شد حبیب اولیا کعبه نوره نور عجب تر حق تمام دمی معصوم رقم شد کاشف دین انتقالش شده حاصل ز عالمی قطب لاهوت زنجویری علی مادی نامی بسال رحلت آن شاه حق بین ندای گوهر جوی است آید اگر خواهی دلا سال وصالش علی پیر مکه گفت است سرور بسرور ماه دین محضر علی گفت دلی میر تقی میر گوشت انتقالش خرد و الا و لے فقر گفت ندا آمد ز با تف اهل توحید</p>
<p>قطعه ثانی علی غزنوی آن شاه مجور شیخی اکبر سه احوال انداز اهل خبر و ضد کبر کی سردار خویش بار دیگر و تیس</p>	<p>قطعه ثانی که بر دلبا عیان شد زو اسرار نجو بسال رحلت آن شاه دین و احوال سوم کن هم رقم کعبه انوار محبوی</p>
<p>قطعه ثالث شیخ عالمی علی مجور پیر ارستخاش سه هدایت خوان</p>	<p>قطعه ثالث پیرا علی محب عالمی قدر نیز فرما محب عالمی قدر</p>
<p>قطعه رابع حضرت محمد دوم مجور پیری دلی</p>	<p>قطعه رابع رفت چون از قبرش بر عرش برین</p>

از دیانت سال ترحیلش بجز	بار دیگر کن رستم عرفان بین
قطعه خامس	
قدر کمال علی بخله عالی یافت	چون علی پر شمع محبوب
نیز آله بین علی رستم کرد دم	رحلتش نامور علی محبوب
کشف اجلال و شمس اجلال است	سال ترحیل آن و علی محبوب
قطعه ششم	
شد ز دنیا با من چهلین	چون علو حجاب علی ولی
گو وصالش اسیر دین سلطان	نیز میر حجاب علی ولی
تاریخ وفات شیخ ابو القاسم قشیری که در سال چارصد و شصت و پنج بود قتل شد	
قیمت خویش یافت و حیات	رشد المؤمنین ابو القاسم
رحلتش عارف جمیل گوی	هم محب یقین ابو القاسم
قطعه هفتم	
شد چون در خلد با صد اقدار	شیخ ابو القاسم امین الاولیا
ارستخاش منعم دین قاسم است	بعد از قاسم امام الاجفاس
نیز ابو القاسم مقصد س طیب است	رحلت آن مادی راه پدا
تاریخ ولادت و وفات مخدوم عبد الله انصاری که ولادتش در صد و نود و شش و وفات در بار صد و شش و یک هجری بود قتل شد	
شاه انصار شیخ عبد الله	نصرتین حضرت بارے
نور علم است نیز محرم حق	سال مولود او و چو شماری
رحلتش عارف مکمل دان	نیز و اعلی امام انصاری
تاریخ وفات شیخ ابو عبد الله محمدی که در سال چارصد و شصت و شصت و شش بود قتل شد	
چو از دنیا سبقت گشت راه	حمید سی رہنمای راه تحقیق
ولی العارفین گو ارستخاش	وگر باره حمید سی حمید بود
تاریخ وفات شیخ ابو الحسن بخاری که در سال چارصد و نود و یک هجری قتل شد	
حق جاوید یافت و رخت	بو الحسن پیر حسن الا برار

من از عالم شریعت فرستاد  
 رساله شریعت و فقه و طریقه و اخلاق  
 از تصانیف اوست در مدد و راهنمایی  
 علی و قاتل بود در مدد و راهنمایی  
 ت نامور علی محبوب  
 بن ابونصر و محمد انصاری است و در مدد و راهنمایی  
 لقب داشت در مدد و راهنمایی  
 رستمی از عالم شریعت فرستاد  
 دو سه تصانیف عالی است از او

۱۱  
 گنجینه

علی اصحاب از او از شریعت و اخلاق  
 و سه تصانیف از او از شریعت و اخلاق  
 در مدد و راهنمایی  
 در مدد و راهنمایی  
 در مدد و راهنمایی  
 در مدد و راهنمایی







قطعه ثانی	
چون مدی ابن مسافر شیخ دین ارخواست ما مقاب حق بگو باز فرما عارف اهل قسین ماشک مظلوم هم مظلوم عشق	شد سیاف از جهان سوئی جهان عاشق موکے دوباره کجایان هم شناور که به مش و دستان خوان ببال وصل آن شیخ نازان
تاریخ وفات شیخ ماجد گردی که در سال پانصد و شصت و یک بود	صورت گل رفت در باغ خاوا نیز ماجد گردی الا سرار دانی
شیخ ماجد چون ازین بر خار دهر رخش سر و ار ماجد اجمعت	
تاریخ وفات سید احمد ایشورنخی سرور سلطان که در سال پانصد و شصت و دو بود	سید و سرور و سنخه احمد حسرت سرور چو سال تاریخش
	بو د سلطان عالم و دواکے بافش گفت سرور حالی
ایضا قطعه مانے	
سید احمد بنی سید و ردی قطب سرور سرور سالک بگو	شد ز دنیا سرور ملک جهان نیز سرور و دواکے دین وصلان
تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور مدی مقبول که در پانصد و شصت و دو یک یا شش یا هفت یا هشت بود	
رهب عالم شهاب الدین شهید مدی اقدس شهاب الدین بگو مقتدا ای ایزدی تاریخ است سالک نزد آن شهاب الدین بود	شد چو در حجت بی تاریخ آن عهد دنیا شهاب الدین شوم نیز زاهد مستقیم مدی بدان هم شهاب الدین مقبول ایجان
کن رقم قراح ابواب عطا نیردین انور و اسرار دگر وصل او محمد مکر م گفته ام	هم گزینش لعل کن بیان ناج آفاق است هم ای مخ خوان باز شد عبد شیر از دل عیان
قطعه ثانی	
چو به پرتو افکن چو در غلشد	شهاب ولی قطب سرور جهان

تاریخ وفات شیخ ماجد گردی که در سال پانصد و شصت و یک بود  
صورت گل رفت در باغ خاوا  
نیز ماجد گردی الا سرار دانی  
شیخ ماجد چون ازین بر خار دهر  
رخش سر و ار ماجد اجمعت  
تاریخ وفات سید احمد ایشورنخی سرور سلطان که در سال پانصد و شصت و دو بود  
سید و سرور و سنخه احمد  
حسرت سرور چو سال تاریخش  
بو د سلطان عالم و دواکے  
بافش گفت سرور حالی  
ایضا قطعه مانے  
سید احمد بنی سید و ردی  
قطب سرور سرور سالک بگو  
تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور مدی مقبول که در پانصد و شصت و دو یک یا شش یا هفت یا هشت بود  
رهب عالم شهاب الدین شهید  
مدی اقدس شهاب الدین بگو  
مقتدا ای ایزدی تاریخ است  
سالک نزد آن شهاب الدین بود  
کن رقم قراح ابواب عطا  
نیردین انور و اسرار دگر  
وصل او محمد مکر م گفته ام  
شد چو در حجت بی تاریخ آن  
عهد دنیا شهاب الدین شوم  
نیز زاهد مستقیم مدی بدان  
هم شهاب الدین مقبول ایجان  
هم گزینش لعل کن بیان  
ناج آفاق است هم ای مخ خوان  
باز شد عبد شیر از دل عیان  
چو به پرتو افکن چو در غلشد  
شهاب ولی قطب سرور جهان

تاریخ وفات شیخ شهاب الدین سرور مدی مقبول که در پانصد و شصت و دو یک یا شش یا هفت یا هشت بود  
رهب عالم شهاب الدین شهید  
مدی اقدس شهاب الدین بگو  
مقتدا ای ایزدی تاریخ است  
سالک نزد آن شهاب الدین بود  
کن رقم قراح ابواب عطا  
نیردین انور و اسرار دگر  
وصل او محمد مکر م گفته ام  
شد چو در حجت بی تاریخ آن  
عهد دنیا شهاب الدین شوم  
نیز زاهد مستقیم مدی بدان  
هم شهاب الدین مقبول ایجان  
هم گزینش لعل کن بیان  
ناج آفاق است هم ای مخ خوان  
باز شد عبد شیر از دل عیان  
چو به پرتو افکن چو در غلشد  
شهاب ولی قطب سرور جهان

شهاب ولی قطب سرور جهان

تاریخ وفات شیخ عبدالرحیم معزنی که در سال با صد و نو و دو بود	و اگر آفتاب جهان ایچوان
جویش مهر در منب نکان کراد	جناب مغربی شیخ مرزکی
سکه لاثانی آمد ارتحالش	و اگر عبدالمجسم عابد سلی
قطعه مانع	
چون رحیم دل بر عبد الرحیم	شد از جهان در بهشت برین
بگو واسه مقدر رختش	بفرما دگر تروقه ای که مکن
تاریخ وفات شیخ نظام الدین گنجوی که در سال با صد و نو و دو بود	شد ز دنیا تا ظم نکس بقا
چون نظام الدین نظام و جهان	مست سال رحلت آن مقدر
کنج عرفان بجوے پاک باز	از مبارک گنجوے کنج صفا
باز شد سال وصالش جلوه گر	گشت بھر سال وصالش مدعا
اهل نصرت همی ولی شعی	شد سال رختش از دل نیدا
تاریخ وفات شیخ عبداللہ قریشی ہاشمی ہیکاری کہ در سال با صد و نو و دو بود	چونکہ عبد اللہ جمال ہاشمی
شد جمال خلد با حسن و جمال	رختش ختم پیر آل ہاشمی
ہاشمی ہادی البکر شد عیان	گو بصل آن کمال ہاشمی
نور چشم و پیر کمال مہار	
تاریخ وفات سید حسین زنجانی لاہوری کہ در سال شصت و دو بود	پیر واقف حسین زنجانی
داخل خلد شد چو با اعدا	نیز عارف حسین زنجانی
سیر فرو و سس سال وصالش گو	
تاریخ وفات سید محمد ترنزی لاہوری کہ در سال شصت و دو بود	سید احمد شہ برنا و پیر
شد بزم احمدی چون زین سرا	رختش سید ولی میر کبر
پیر ہادی میر عالی جاہ گو	آفتاب شہن اوی روشنی
ماہتاب دین احمد کن قس	باز شاہ مہار اوی دستگیر
ماہ روشن یادے روشن	

ملکیت دی اویچویش  
 از زمین منسوب است و از ایمان  
 شایسته است و از ایمان  
 رشت ۱۲۰۰  
 و اگر عبدالمجسم عابد سلی  
 خارج از دنیا و این دنیا  
 نظام الدین گنجوی که در سال با صد و نو و دو بود  
 شد ز دنیا تا ظم نکس بقا  
 مست سال رحلت آن مقدر  
 از مبارک گنجوے کنج صفا  
 گشت بھر سال وصالش مدعا  
 شد سال رختش از دل نیدا  
 تاریخ وفات شیخ عبداللہ قریشی ہاشمی ہیکاری کہ در سال با صد و نو و دو بود  
 چونکہ عبد اللہ جمال ہاشمی  
 رختش ختم پیر آل ہاشمی  
 گو بصل آن کمال ہاشمی  
 تاریخ وفات سید حسین زنجانی لاہوری کہ در سال شصت و دو بود  
 پیر واقف حسین زنجانی  
 نیز عارف حسین زنجانی  
 سید احمد شہ برنا و پیر  
 رختش سید ولی میر کبر  
 آفتاب شہن اوی روشنی  
 باز شاہ مہار اوی دستگیر  
 ماہ روشن یادے روشن

از خود تار سحر آن ماه سیر	هم ز بی شمع یقین شد جلوه گر
هوا سی بے مثل سالش بی نظیر	سید احمد جنیب جنت است
تاریخ وفات سید یعقوب صدر دیوان زنجانی لاهوری که در سال ششصد و چار و پنجاه	
سجده نیردی کرد و بد مجدوب	چو یعقوب از جهان رخت مغرب
وصال آن شد وین شیخ مملوک	شد مقبول زنجانی رستم شد
دگر باره مقدس سیر یعقوب	مکرمه و مبدی صدر دیوان
تاریخ وفات شیخ روزبهان صغیر نقی شیرازی که در سال ششصد و شش و پنجاه	
چو شیرازی وی مملوک شیراز	بفرودس برین منزل گزین
ببال وصل آن مرغوب شیراز	نوشتم سیر باد سی عارف پاک
ز نادمی بد الحبوب شیراز	دگر گرد دیوان سال وصالش
قطعه ثانی	
یافت از دایره فاد رخت الفرو و صفا	چون جناب وز بهان تعلی شیرازی
باز کامل قطب ابرار است امی اهل صفا	نور فردوس است این سرور عالم جلیق
سال وصال آن شد و الا هم کلکنا	چشمه انوار هم شاه مکر م شده عیان
تاریخ وفات شیخ ابوالحسن اقرب که در سال ششصد و نه و پنجاه	
پیر و شصت سیر ابوالحسن	گشت اقرب چو باد وصال آن
صاحب حسن پیر ابوالحسن	مهدی متقی است وصالش نیز
تاریخ وفات میر حسین خنک سوار اجمیری که در سال ششصد و ده و پنجاه	
رفت در خلد برین بازی زمین	چون گلین آن حسن عالم ولی
میر عالی سید و الی حسین	گفت سیر و رسال وصال آن جناب
مست سال رملت آن زلفین	نیز قطب لاله لیا فاست شصت
قطعه ثالثی	
چون حسین انی محسن عالم لطیف	رفت در جنت قصد نور و جمال
آفتاب وصال و نادمی شریف	صاحب غرقالی حق تار شیخ است
نیز معشوقی عزیز است امی حنیف	بانو وصالش سحر کشف آمد عیان

شیخ زاده ان و در زمان سیدین زمانه  
 روی رنگ صاحب شاد و زارش به دور است  
 ی اندوه منم از است و در غم غم  
 مصیبت منم از است و در غم غم  
 بعد از انکه سیدین عالم جلیق  
 ش نام نای و بیایم محبت و است  
 سجا آورده و در بیاض و جاست حق  
 شادان برادر سلطان مولانا حسین عالم  
 شیخ زاده ان و در زمان سیدین زمانه  
 روی رنگ صاحب شاد و زارش به دور است  
 ی اندوه منم از است و در غم غم  
 مصیبت منم از است و در غم غم  
 بعد از انکه سیدین عالم جلیق  
 ش نام نای و بیایم محبت و است  
 سجا آورده و در بیاض و جاست حق  
 شادان برادر سلطان مولانا حسین عالم

صفا

صفا



تاریخ وفات شیخ یونس بن یوسف شبانی که در سال ششصد و نوزده هجری فوت شد	
یونس بن محمد مقصد اسی و ده جهان ۶۱۹	شد جوزین دار الفنا اندر رتقا با فضل ۶۱۹
نیز یونس بن یوسف صوفی محمود جهان ۶۱۹	رحلتش یونس مقدس پیر عابد کن شهر ۶۱۹
پیر بر سر هم کرم یار حق سانش شجره	سیر عالی رتقا باشد وصال پاک او
تاریخ وفات شیخ ادریس یعقوبی که در سال ششصد و سی و یک هجری فوت شد	
سعید شاه دین عالی علی ادریس یی	چو شد مانند ادریس از جهان رحلت اعلی
در تحریر کن والا علی ادریس یعقوبی	ز عاشق طالب حق سال ترحیلش بجز
قطعه ناسی	
چون علی شد سجنبت الا علی	گفت دل سال رحلتش تارک
گفت واصل بوصل ربانی	باز فرمود و سحر عارفان
تاریخ ولادت و وفات شیخ فرید الدین عطار که ولادتش در سال پانصد و سیزده و وفات در سنه ششصد و سی و یک هجری یافت یافت بود و او آمد	
فرید الحق فرید الدین عطار	وحید العصر صوفی مصفا
فرید الدین دلی محبوبی دلی	شده تاریخ تولدش بهویدا
وگر تاریخ قطب حق فرید است	بی تولد آن شاه معنی
دو باره بر بدر الدین است لید	قطب فارغان شد سندها
سجود و صلوات بر علیه قطب برابر	دلی اسراف بن جوان ای نکته آرا
عبان کن بعد از اسرار سرور	بیان کن بحر وحدت طرفه مرجا
وگر سکین فرید الدین محبوب	سجوان در واصل آن شیخ فرکی
قطعه ناسی	
فرید فر و جهان خواه و جد العصر	که بود مرشد ابرار و مجرم هر
فرید قطب زمانه بگوشت و لبش	سجود وصال جلدش فرودین عطار
بنجوا حبیب خدا باز رحلتش سرور	بقول معتبر کتب و صحت اخبار
قطعه ناسی	
چو شد فردا از هر فرد الفی	بی سال ترحیل آن مقصد ا

نسخه ای از کتاب است و در آن  
تاریخ حضرت یونس بن یوسف  
بنیانی عارف و فیض کامل الدین عابد  
از دست شیخ علی بن یونس  
کتابت و در سال ۱۱۰۰ هجری  
بسم علوم نامری و باقی بود و در میان  
بیت علی را چون بگفت  
تصانیف از آن که است که وی از  
صفحات بنظر است و در میان  
نسخه ای از کتاب است و در آن

نسخه ای از کتاب است و در آن

نسخه ای از کتاب است و در آن  
تاریخ حضرت یونس بن یوسف  
بنیانی عارف و فیض کامل الدین عابد  
از دست شیخ علی بن یونس  
کتابت و در سال ۱۱۰۰ هجری  
بسم علوم نامری و باقی بود و در میان  
بیت علی را چون بگفت  
تصانیف از آن که است که وی از  
صفحات بنظر است و در میان  
نسخه ای از کتاب است و در آن







ملک نظامی حضرت  
سید محمد باقر  
رحمته الله علیه

بیاد است کرامت  
این غلام در شرف نیست  
بهر صفتی که در این دنیا  
بنده این غلام در شرف نیست  
بهر صفتی که در این دنیا  
بنده این غلام در شرف نیست  
بهر صفتی که در این دنیا  
بنده این غلام در شرف نیست

تاریخ وفات مولانا زاهدی که در سال ششصد و پنجاه و هشت بود	
آخرش چون کرد و در جنت تمام	زاهد و الا و بی زاهدی
مقتی حق و صالحش هست و نیز	زاهد دین مستی زاهدی
تاریخ وفات حضرت سید مهملابوری که در سال ششصد و هشتاد و یک بود	
سید مهملاب و بی با صفا	شیرین بود و در جنت تمام
هست سال ارتحال انتخاب	صاحب محبت و گزین کلام
تاریخ وفات مولانا عزیز لک که در سال ششصد و هشتاد و یک بود	
آن عزیز دو جهان هر دل عزیز	رفت با عزت چو در قصر خنان
شیع نور است و عزیز شهسوار	سال وصل آن عزیز اسرار
تاریخ ولادت و وفات مولانا جلال الدین رومی که ولادتش در سال ششصد و چار و وفاتش در سال ششصد و هشتاد و دو بود	
جلال الدین جامی هر دو عالم	کمال اهل دین نور است
بگو قطب کمال عارفان است	عجب توبه آن شاه سفا
دو بار اسو کوی قناتین گو	که گرد و سال توبهش بود
رقم کن مولوی سید کرم	بیان کن نیز واقف شاه علی
وصالش شاه دین نور است	جلال حق محسوب و نما
قطعه نامه	
شیخ رومی مولوی معنوی	مرشد عالم شد دوران زمان
مقتد احمدی شد از دل شکفت	طریقه توبه آن والا مکان
کاشف الکفوف و گو تر حیل او	باب شتابین جلال الدین جوان
تاریخ وفات شیخ حسام الدین جامی که در سال ششصد و هشتاد و سه بود	
چو ممکن حاجت اندر باغ فردوس	حسام الدین شیه بر حرم منور
ز رهبر بر وین جو ارتحالش	بفرمانیز عین الدین پیر نور
رقم شد آفتاب حق نمایان	حسام الدین مهدی معدن نور
تاریخ وفات حضرت قاضی بغیاوی که در سال ششصد و هشتاد و پنج بود	

۲۶  
داشت که شش بدو نوا  
حاجت ایت دارش بود  
نام نامی وی محمد بن سید  
از بیعت و در ظاهر و نه در باطن  
باطن اندر بر سر گزافه و باطن ظاهر  
بسیار داشت شوقی و لایزال و در شوق  
بعضی من عشق از تصایف و بی شوق  
نام است ۱۲  
از آنکه در حق بن محمد بن احمد بن احمد  
بسیار داشت و کتب بسیار  
از او در دست و در دست

از او در دست و در دست  
از او در دست و در دست  
از او در دست و در دست  
از او در دست و در دست













وصالت صاحب محمد دوم فرما	دو بار کن ندانند دوم نامی
تاریخ وفات خواص شمس الدین حافظ شیرازی که در سال شصت و نود و دو	
لسان انبیا حافظ شیرازی	ز دنیا رفت و شد پیر در جنت
عیان شد سرور انانیر خانش	ز اولی طوطی گلزار جنت
قطعه ناست	
چشم شمس الدین حافظ حافظ دین	بجنت رفت از دنیای بر خار
وصالت مست شمس الدین بنور	دو باره زید و دین شاه ابرار
بگو محمد دوم ایمان ارتحالش	دگر محمد دوم اهل اهل الله تبار
تاریخ وفات مولانا طاهر الدین خلوی که در سال شصت و نود و دو	
رفت در جنت بعد از وفات و بناه	چون طاهر الدین دین دین جنتی
عند لیب خلد گوسالش دگر	اهل دین مهدی کامل شتی
ماه دین محمد دوم شد از دل عیا	طرفه سال انتقال آن و ل
قطعه ناست	
در بهشت آمد بعد عز و وقار	چون طاهر الدین طاهر المومنین
سال و صلی اوست میر تقی	بدر گز محبوب قطب المومنین
تاریخ وفات شیخ کمال خجندی که در سال شصت و نود و دو	
جلوه گر شد جو در بهشت بین	شیخ کامل کمال اهل جلال
گفت سرور ببال تر حلیش	که رهی آفتاب بدر کمال
هم قبول دگر شده روشن	مستم حسین نامتباب جلال
تاریخ وفات مولانا سعد الدین تغارانی که در سال شصت و نود و دو	
ز دنیا شد جو در جنت	سعد و سعد اعلی تاج ابرار
بگو کامل بهشتی ارتحالش	دگر باره بفرما تاج ابرار
تاریخ وفات مولانا محمد شیرین که در سال شصت و نود و دو	
چو شیرین زبان بست رخ مهر	ز دنیای دون شد بجنت قریب
بگو راه معرفت سال او	بفرما دگر اهل رفعت حبیب

لسان انبیا حافظ شیرازی که در سال شصت و نود و دو  
 عیان شد سرور انانیر خانش  
 تاریخ وفات خواص شمس الدین حافظ شیرازی که در سال شصت و نود و دو  
 دو باره زید و دین شاه ابرار  
 دگر محمد دوم اهل الله تبار  
 تاریخ وفات مولانا طاهر الدین خلوی که در سال شصت و نود و دو  
 چون طاهر الدین دین دین جنتی  
 اهل دین مهدی کامل شتی  
 طرفه سال انتقال آن و ل

باز بزرگ صاحب حال و حال بود و بزرگ  
 بی نام داشت  
 از غلامی و پسر و در علم و فضل و ثانی  
 کتب عظمی و طول از تقی و دی است  
 از غلامی و پسر و در علم و فضل و ثانی  
 کتب عظمی و طول از تقی و دی است

[illegible]

در دست و سالادگر البوسوم با قلند نمودند و در  
 ویت اصلش از او در باجالت مو لافشانی  
 سے بزرگ و زینت را داشت شیخ خضر الدین و  
 و صاحب دالین خان را قنبد نیز سید بود  
 و از عهد کما با ہے  
 و خانان افشار سے از عهد کما با ہے  
 و دیوان افشار سے از عهد کما با ہے  
 منظرہ سے است و  
 قنبد دلی کو بزرگ است و مرید و غلط  
 شیخ نور الدین عبد الرحمن و شیخ مصطفیٰ شیخ  
 سیف الدین نور الدین و شیخ محمد شیخ  
 شیخ شهاب الدین شمس الدین و شیخ محمد  
 زبیر و شیخ محمد و شیخ محمد و شیخ محمد





در سال ۱۰۱۰ هجری قمری در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲

تاریخ وفات شیخ علی صوفی قدس سره که در سال هجده و شصت و هفت بود	یافت و در خانه رجب عالی
شیخ اعلی قدر علی صوفی	تیم سنجی آن ملاک است علی
خواجه صابر است تر حلیش	تاریخ وفات مولانا حسین واعظ کاشانی که در سال هجده و ده و هفت بود
تاریخ وفات مولانا حسین واعظ کاشانی که در سال هجده و ده و هفت بود	عالم معصوم محمد حسین
ربر دین صاحب علم القین	باز تو محمد و محمد حسین
تاریخ وفات شیخ جمال الدین بن عبد الرحمن یوسفی که در سال هجده و ده و هفت بود	کشت از دنیا سوخت
چون جمال الدین صید و جمال	فناصل و افضل شد از سر و جان
سال تاریخ وصال آنجناب	دوستدار حق جمال بن یحیی
ایس جمال دین مقبول خدا	تاریخ وفات شیخ احمد شرعی که در سال هجده و شصت و هفت بود
تاریخ وفات شیخ احمد شرعی که در سال هجده و شصت و هفت بود	چو کرد از جهان سوی غدا رحال
شاه احمد آن شاه شمس و سول	شاه شرع احمد و اگر است سال
یکی حسن خیر است تاریخ او	تاریخ وفات ملک بن الدین شهید که در سال هجده و شصت و هفت بود
تاریخ وفات ملک بن الدین شهید که در سال هجده و شصت و هفت بود	چون بصد تر بین درخت رسید
شیخ زین الدین شهید با صفا	نیز زین الدین شهید عالم شهید
شهر زاهد است سال وصل او	تاریخ وفات شیخ زید الدین شهید دهلوی که در سال هجده و شصت و هفت بود
تاریخ وفات شیخ زید الدین شهید دهلوی که در سال هجده و شصت و هفت بود	شد چو در فر و دوس بی گفت شنید
شیخ زید الدین قلیل راه حق	نیز طالب ریده دل عاشق شهید
ارستی کش متقی انکار نه است	تاریخ وفات شیخ یوسف جمال دهلوی که در سال هجده و شصت و هفت بود
تاریخ وفات شیخ یوسف جمال دهلوی که در سال هجده و شصت و هفت بود	رفت از دنیا چو در ملکشان
یوسف ناصر و لایست بادشاه	یوسف عالی و کی حق بن یحیی
عالم فیاض سالتش کن رقم	تاریخ وفات مولانا شعیب قدس سره که در سال هجده و شصت و هفت بود
تاریخ وفات مولانا شعیب قدس سره که در سال هجده و شصت و هفت بود	چو واقف صاحب جنت شعیب
شد چو از دار فنا اند رغب	گفت با تف صاحب جنت شعیب
سال تاریخ وصال آنجناب	

در روز دوشنبه ۱۲ هجری قمری در شهر کاشان  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲

در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲  
 در شهر کاشان در روز دوشنبه ۱۲







تاریخ وفات شیخ بهاو الدین خوارزمی کشمیری که در سال یک هزار و دو و دو تو قع آمد	
چون بهاو الدین خوارزمی دله	ور زمین شد مثل گنجینه نجان
سالک فیاض تار بخشش بگو	نیز خوارزمی چال دین بخوان
تاریخ وفات شیخ یعقوب صدوقی کشمیری که در سال یک هزار و سه و دو تو قع آمد	
چون یعقوب زین و سر رافات	بسال وصل آن شیخ زمانی
عیان شد از دل سر فیض خطاب	دگر بدر الدجی معیوق ب ثانی
تاریخ وفات سید محمد عوث گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو تو قع آمد	
چون محمد عوث از دار فنا -	اگر در حلت رفت و در ارجا
جامع فیض است تار بخشش بگو	تا ج کمال رسید الا برا خوان
تاریخ وفات سید سیم عبدالحق جامی که در سال یک هزار و پنج و دو تو قع آمد	
گشت چون دامن سجد ذوالجلال	شیخ برحق عقد حق موصول حجت
از خردش سال تار بخشش عیان	ماه تابان قطب حق مقبول حجت
قطعه ناسته	
عبد حق چون گشت با حق متصل	سال وصل آن وسیله الاولیا
خلوه اگر کردید روشن آفتاب	باز شد میداشتغ مقصد ا
تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یک هزار و نازده و دو تو قع آمد	
چون محمد میر میر و دهسان	گشت آخر میر فردوس برین
صاحب فضل است تار بخشش دگر	تقی مهدی محمد سید دین
تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یانگی کشمیری که در سال یک هزار و یازده و دو تو قع آمد	
یوسف دین بن معشوق حق	رفت و جنت جو یار و نیاز
سال وصل او بگو شیخ مین	هم بخوان محمد دم محرم پاکیزه
تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفده و دو تو قع آمد	
گشت چون پر و د با حکم خدا	از جهان کامل کمال اهل حال
شم نور عارف بگو تار بخشش او	نیز سالک تاج عرفانی کمال
تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یک هزار و نوزده و دو تو قع آمد	

اول از اصل اهل سلطنت  
کری بودید از آن ترک که در دین  
چون کشمیریان را بهر چه می توانست  
بانی کشمیری شد و در آن سال که در  
ت از غفلت و در آن سال که در  
عاشق از آن سال که در  
تاریخ وفات شیخ محمد عوث گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو تو قع آمد

تاریخ وفات شیخ میر محمد بن احمد کشمیری که در سال یک هزار و نازده و دو تو قع آمد  
تاریخ وفات شیخ یوسف محمد یانگی کشمیری که در سال یک هزار و یازده و دو تو قع آمد  
تاریخ وفات شیخ محمد کمال کشمیری که در سال یک هزار و هفده و دو تو قع آمد  
تاریخ وفات شیخ فصیح الدین عبدی که در سال یک هزار و نوزده و دو تو قع آمد

تاریخ وفات شیخ محمد عوث گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و چهار و دو تو قع آمد





[illegible]

وصالت شیخ باقی طالب آمد	دو مار اساک مشتاق بقی
نایخ وفات مولانا عبد الحکیم یا لکھوئی که در سال کبیر و شصت و شصت بود	شیخ معین علم عبد الحکیم
نایخ وفات بابا حامد کشمیری که در سال کبیر و شصت و شصت بود	شیخ شامیه منطلق نوریشین
نایخ وفات خواجه محمد نیازی کشمیری که در سال کبیر و شصت و شصت بود	شیخ معین محبوب شیخ اصل بر
نایخ وفات حکیم سرید دهلوی که در سال کبیر و شصت و شصت بود	شیخ شامیه منطلق نوریشین
نایخ وفات شیخ داود کشمیری که در سال کبیر و شصت و شصت بود	شیخ معین محبوب شیخ اصل بر
نایخ وفات شیخ نجم الدین المشهور بابا بنی ریشی کشمیری که در سال کبیر و شصت و شصت بود	شیخ شامیه منطلق نوریشین
نایخ وفات شیخ محمد علی کشمیری که در سال کبیر و شصت و شصت بود	شیخ معین محبوب شیخ اصل بر



چو شد میر خجست بمصد غر و جاه	محمد علی میر روشن ضمیر
بگو منبت فضل تاریخ اد	دگر بار محمد دوم اسلام میر
تاریخ وفات شاه نورالحق دلاوری که در سال کهنزار و پنجاه و سه تو قوم آمد	
نور حق چون از عطای ذوالجلال	گشت روشن مثل غراند چنان
رحلتش فیاض فاق است نیز	نور حق بر نور قطب مسلم خوان
تاریخ وفات بابا زاهد کاکه کشمیری که در سال کهنزار و پنجاه و دو تو قوم آمد	
کر در حلت چو از جهان فنا	در جهان شیخ زاهد اهل فلاح
رحلتش نیک سجت کن تحریر	هم نوحان شیخ زاهد اهل فلاح
تاریخ وفات سید کیکلانی لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد	
چون جناب حقیق حاد حق	از جهان فنا سجد رسید
اعظم الاولیا است تاریخش	هم نوحان صدر دین سخی حمید
تاریخ وفات قاضی فضل گدا لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد	
فضیل و فاضل و فضیل زمانه	شه اهل کرم فضل محمد
وصالتش قطب فضل اهل دل	دگر با کهنزه دم افضل محمد
تاریخ وفات میر باشم نور آبادی کشمیری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد	
بست چون خجست اقامت از جهان	میر باشم و شکر هاشمی
میر باشم صاحب کشف آیه است	سال وصل این فقیر هاشمی
باز خوان سال وصال آسحاب	شاه سید قطب میر هاشمی
تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هجری تو قوم آمد	
چو بر خو و یافت باب غله مفتوح	ولی فتح زمان مفتاح عرفان
وصالتش شیخ قطب الاولیا گو	دگر قطب جهان مفتاح عرفان
تاریخ وفات شیخ لاله ربی کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد	
شیخ لاله چو شد بصورت گل	در گلستان صفتی جاکشیر
جلوه گر گشت سال رحلت او	تاج احوال لاله کشمیر
تاریخ وفات بابا حبیب لاله کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد	

تاریخ وفات بابا زاهد کاکه کشمیری که در سال کهنزار و پنجاه و سه تو قوم آمد  
نور حق چون از عطای ذوالجلال  
رحلتش فیاض فاق است نیز  
تاریخ وفات سید کیکلانی لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
چون جناب حقیق حاد حق  
اعظم الاولیا است تاریخش  
تاریخ وفات قاضی فضل گدا لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
فضیل و فاضل و فضیل زمانه  
وصالتش قطب فضل اهل دل  
تاریخ وفات میر باشم نور آبادی کشمیری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
بست چون خجست اقامت از جهان  
میر باشم صاحب کشف آیه است  
باز خوان سال وصال آسحاب  
تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هجری تو قوم آمد  
چو بر خو و یافت باب غله مفتوح  
وصالتش شیخ قطب الاولیا گو  
تاریخ وفات شیخ لاله ربی کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد  
شیخ لاله چو شد بصورت گل  
جلوه گر گشت سال رحلت او  
تاریخ وفات بابا حبیب لاله کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد

در کتب

تاریخ وفات بابا زاهد کاکه کشمیری که در سال کهنزار و پنجاه و سه تو قوم آمد  
نور حق چون از عطای ذوالجلال  
رحلتش فیاض فاق است نیز  
تاریخ وفات سید کیکلانی لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
چون جناب حقیق حاد حق  
اعظم الاولیا است تاریخش  
تاریخ وفات قاضی فضل گدا لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
فضیل و فاضل و فضیل زمانه  
وصالتش قطب فضل اهل دل  
تاریخ وفات میر باشم نور آبادی کشمیری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
بست چون خجست اقامت از جهان  
میر باشم صاحب کشف آیه است  
باز خوان سال وصال آسحاب  
تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هجری تو قوم آمد  
چو بر خو و یافت باب غله مفتوح  
وصالتش شیخ قطب الاولیا گو  
تاریخ وفات شیخ لاله ربی کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد  
شیخ لاله چو شد بصورت گل  
جلوه گر گشت سال رحلت او  
تاریخ وفات بابا حبیب لاله کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد

تاریخ وفات بابا زاهد کاکه کشمیری که در سال کهنزار و پنجاه و سه تو قوم آمد  
نور حق چون از عطای ذوالجلال  
رحلتش فیاض فاق است نیز  
تاریخ وفات سید کیکلانی لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
چون جناب حقیق حاد حق  
اعظم الاولیا است تاریخش  
تاریخ وفات قاضی فضل گدا لاهوری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
فضیل و فاضل و فضیل زمانه  
وصالتش قطب فضل اهل دل  
تاریخ وفات میر باشم نور آبادی کشمیری که در سال کهنزار و دو تو قوم آمد  
بست چون خجست اقامت از جهان  
میر باشم صاحب کشف آیه است  
باز خوان سال وصال آسحاب  
تاریخ وفات خواجه ابو الفتح کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و هجری تو قوم آمد  
چو بر خو و یافت باب غله مفتوح  
وصالتش شیخ قطب الاولیا گو  
تاریخ وفات شیخ لاله ربی کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد  
شیخ لاله چو شد بصورت گل  
جلوه گر گشت سال رحلت او  
تاریخ وفات بابا حبیب لاله کشمیری که در سال کهنزار و یکصد و پنج تو قوم آمد





تاریخ وفات قاضی دولت معینی سوسی بخاری که در سال یک هزار و یکصد و دو	شاه دولت که در حق آگاه
رفت چون از جهان بولت و جان	شاه ابد ال ابد و دولت شاه
گفت تاریخ رحلتش سب دور	
تاریخ وفات شیخ احمد المشهور مولانا چون که در سال یک هزار و سی و دو	گشت در بزم محمد بار بار
شیخ احمد چون بفضل ایزدی	نیز شیخ احمد عاقله خات
مهدی حق شیخ احمد وصل است	
تاریخ وفات میرزا کامل بدخشی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	ازین دنیا مکمل شیخ کامل
بخت بست چون رخت قامت	در فرما مکمل شیخ کامل
در قفسه قطعه عالم ارتحالش	
تاریخ وفات عبد اللطیف کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	یافت از لطف حق بخت بار
شیخ عبد اللطیف صاحب لطف	بار دیگر خنده اسرار
فاضل الکبر است تاریخش	
تاریخ وفات میر شرف الدین کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	چو زیر زمین روی خود در انهد
بخت روان گشت میر شرف	خرد میر شرف جوان بر گشت
پی سال آن اشرف دو جهان	
تاریخ وفات میر محمد یاسم گیلانی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	وصل شد با اتصال کبریا
چشمی چون در جهان شد جانشین	میر سید ناشی و حق
گفت تاریخ وصال او خرد	
تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	طرفه دل تاریخ وصلش کرد یاد
چون علی اصغر سوسی جنت	بار دیگر مجمع فصل عباد
جامع فیض کامل آدم است	
تاریخ وفات بابا محمد مهدی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	رفت چون از جهان بخت صاف
شیخ مهدی و لے با ارشاد	گفت محمد و محمدی کشاف
سال تاریخ رحلتش سب دور	
تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو	

در تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات شیخ احمد المشهور مولانا چون که در سال یک هزار و سی و دو  
 در تاریخ وفات میرزا کامل بدخشی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات عبد اللطیف کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات میر محمد یاسم گیلانی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات مولانا علی اصغر قنوجی که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات بابا محمد مهدی کشمیری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو  
 در تاریخ وفات شیخ فتح شاه لاهوری که در سال یک هزار و یکصد و سی و دو







در سال ۱۱۹۰ هجری قمری در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت

قطعه رابع	
روینامی دون بست رخت سفر	چون صاحب معرفت اهل سیر
تاریخ ترحیل آن شاه دین	سبحان صاحب معرفت اهل سیر
تاریخ وفات پید شاه جین کیلانی لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو قمری	حسین آن بخت جهان نویدین
چون پیر و نمکن سجد برین	پیر شاه عاشق کرم حسن
تاریخ وفات پید عبد الکریم مشهور پیرهاون که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو قمری	رفت از دنیا سجنات المنعم
چون شه عبد الکریم آن شیخ حق	مشتی پیو اسید کرم
گشت تاریخ وصال او عیان	ارتحال آن شه جنت بقیم
تاریخ وفات مولوی غلام فرید لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو قمری	از جهان در جنت و الارسد
چون فرید آن فرو عالم اهل فضل	نیز مهدی مشتق فرد انیسر
تاریخ وفات شیخ عبد الباسطن رستم علی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو قمری	سال وصال آن شه برنا و پیر
عبد باسط چون بخت نقل کرد	نیز نو صاحب نصیر
تاریخ وفات نور احمد المشهور نو جین که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو قمری	یافت چون از جهان بخت بار
شیخ نور حسین روشن دل	نیز ماه نصیر قضی اے بار
تاریخ وفات مولانا شاه عبد الغزیز دهلوی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو قمری	که دنیا بختش بنو دین چیز
چون عبد الغزیز آن وکیل خدا	ز قطب اشرف شاه عبد الغزیز
رفت از جهان سال وصالش بجز	عیان از خرد سالش ای برتمیز
تاریخ وفات سلطان بالا دین اوسبی که در سال یک هزار و دویست و پنجاه و دو قمری	تو تاریخ و ترحیل تو و ضیل آن
چون سلطان باقلیم خت شافت	

در سال ۱۱۹۰ هجری قمری در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت

در سال ۱۱۹۰ هجری قمری در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت

در سال ۱۱۹۰ هجری قمری در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت  
 و در روز ۱۵ شعبان در شهر کابل درگذشت



تاریخ وفات حضرت کریم علیہ السلام که در سال یک هزار و دویست و پنج بمقام آید	
کریم العالم که در سن ۱۰۰۰	شد چو از دنیا بخت انیم
آخر دین است سال وصل او	بار دیگر بکشتن شیخ کریم
تاریخ وفات سید زنده علی گیلانی لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنج بمقام آید	
یافت چون در غلج سر جادو	سید زنده علی بنکوه صفات
راغب دین است تاریخ بیان	بار دیگر بدست سید شاکت
تاریخ وفات مولانا جان محمد لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنج بمقام آید	
جان تازه چو یافت اندر غلج	جان جان محمد آخر حال
گفت سرور چراغ دین تاریخ	کرد روشن دگر چراغ حلال
تاریخ وفات مولانا غلام احمد لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنج بمقام آید	
غلام احمد چو از عالم سفر کرد	بسال رحلت آن شاه والا
نگین سعد غلام احمد تحریر	غلام احمد حق اکا ه فرما
قطعه ناست	
اوستا جهان غلام احمد	جامع طایفه وسط لوبی
ارتحالش ز طبع روشن من	گشت روشن چراغ محبوبی
تاریخ وفات مفتی غلام محمد قریشی لاهوری و الداماد مولف کتاب که در سال یک هزار و دویست و پنج بمقام آید	
مفتی دین غلام محمد از جهان	پدر و دگشت یافت ملک جهان
که منظر اسلام تبار شیخ حاکم	جان جهان غلام محمد بخوان
قطعه ناست	
چند از جهان در پیش معنی	غلام محمد امین محمد
ز سر و رتبه سیم سال وصالش	نه اشد که خورشید دین محمد
قطعه ناست	
چون محمد بنده مقبول حق	شد بخت از جهان بر بلا
منظر کوسه است سال وصل او	شد دگر منظر منظر رحمت

در این کتاب که در سال ۱۰۰۰  
 تاریخ وفات حضرت کریم علیہ السلام  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات سید زنده علی گیلانی  
 لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مولانا جان محمد لاهوری  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مولانا غلام احمد لاهوری  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مفتی غلام محمد قریشی  
 لاهوری و الداماد مولف کتاب که در  
 سال یک هزار و دویست و پنج بمقام  
 آید  
 تاریخ وفات چند از جهان در پیش  
 معنی ز سر و رتبه سیم سال وصالش  
 چون محمد بنده مقبول حق شد بخت  
 از جهان بر بلا شد دگر منظر  
 منظر رحمت

نویسنده

در این کتاب که در سال ۱۰۰۰  
 تاریخ وفات حضرت کریم علیہ السلام  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات سید زنده علی گیلانی  
 لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مولانا جان محمد لاهوری  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مولانا غلام احمد لاهوری  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مفتی غلام محمد قریشی  
 لاهوری و الداماد مولف کتاب که در  
 سال یک هزار و دویست و پنج بمقام  
 آید  
 تاریخ وفات چند از جهان در پیش  
 معنی ز سر و رتبه سیم سال وصالش  
 چون محمد بنده مقبول حق شد بخت  
 از جهان بر بلا شد دگر منظر  
 منظر رحمت

در این کتاب که در سال ۱۰۰۰  
 تاریخ وفات حضرت کریم علیہ السلام  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات سید زنده علی گیلانی  
 لاهوری که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مولانا جان محمد لاهوری  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مولانا غلام احمد لاهوری  
 که در سال یک هزار و دویست و پنج  
 بمقام آید  
 تاریخ وفات مفتی غلام محمد قریشی  
 لاهوری و الداماد مولف کتاب که در  
 سال یک هزار و دویست و پنج بمقام  
 آید  
 تاریخ وفات چند از جهان در پیش  
 معنی ز سر و رتبه سیم سال وصالش  
 چون محمد بنده مقبول حق شد بخت  
 از جهان بر بلا شد دگر منظر  
 منظر رحمت

این کتاب در بیان تاریخ وفات ائمه اطهار علیهم السلام است  
 و در بیان تاریخ ولادت ایشان و در بیان تاریخ هجرت ایشان  
 و در بیان تاریخ وفات ایشان و در بیان تاریخ ولادت ایشان  
 و در بیان تاریخ هجرت ایشان و در بیان تاریخ وفات ایشان

تاریخ وفات منی سید محمد لاهوری که در سال یک هزار و دویست و هشتاد و پنج قمری آمد	
سفر در زیارت سید محمد	سوی دار البقا و شمال و خوشتر
بصد افسوس تاریخش خبر گفت	بگور روح مسافرت مسافر
کجاست ششم تکریم چهار حصه اول در قطعات تاریخ از ولج کلهر	
و حصه دوم در قطعات تاریخ وفات نبات والا در جات سرور کائنات	
علیه السلام و الصلوات حصه سوم در ذکر سار عارفات و قانات	
که از اهل ولایت و کرامت بود و حصه چهارم در ذکر جهانین و مجانب	
حصه اول تاریخ وفات بی بی خدیجه الکبری زوجه سرور عالم صلی الله علیه و سلم	
که در سال دهم از بعثت نبوت بود و قمری آمد	
آن خدیجه طیبه اهل بیت حضرت رسول	بهت ام المومنین آن مطلع نور کمال
بود و آتش سعدن جانی اندر جهان	شد و در سال چهارم از بعثت نبوی
تاریخ وفات بی بی زینب که در سال چهارم از هجرت نبوی بود و قمری آمد	
زینب آن فرج بسته محرم	رفت از دنیا بخت شاد کام
چون محبه از جهان پیر و دشت	سال ترحیلش بر آمد و اسلام
تاریخ وفات بی بی زینب بنت جحش که در سال ستم از هجرت نبوی بود و قمری آمد	
زینب آن معصومه و وزین	از جهان در بخت الاسطیجت
بهت زینب سال وصلش نیت	هم سحران پاکیزه از دنیا رفت
تاریخ وفات بی بی سوده رضی الله عنها که در سال هفت بود و قمری آمد	
ام اسود زوجه حضرت رسول	رفت با وصل خدا آخر وصال
هر تاریخش ز طبع طرفه تر	را ده آمد عیان تاریخ سال
تاریخ وفات بی بی صفیه بنت حمرن که در سال هشت بود و قمری آمد	
چو محبه به شاه ارض و سما	صفیه ز دنیا شد اندر جان
بگو اهل تاریخ تحصیل او	بفرما دگر پاک رفت از جهان
وفات بی بی ام حبیبه رضی الله عنها که در سال نهم بود و قمری آمد	
چون که ام حبیب زوج رسول	چهره و پرده جهان به نهفت

این کتاب در بیان تاریخ وفات ائمه اطهار علیهم السلام است  
 و در بیان تاریخ ولادت ایشان و در بیان تاریخ هجرت ایشان  
 و در بیان تاریخ وفات ایشان و در بیان تاریخ ولادت ایشان  
 و در بیان تاریخ هجرت ایشان و در بیان تاریخ وفات ایشان  
 و در بیان تاریخ ولادت ایشان و در بیان تاریخ هجرت ایشان  
 و در بیان تاریخ وفات ایشان و در بیان تاریخ ولادت ایشان  
 و در بیان تاریخ هجرت ایشان و در بیان تاریخ وفات ایشان  
 و در بیان تاریخ ولادت ایشان و در بیان تاریخ هجرت ایشان  
 و در بیان تاریخ وفات ایشان و در بیان تاریخ ولادت ایشان  
 و در بیان تاریخ هجرت ایشان و در بیان تاریخ وفات ایشان

این کتاب در بیان تاریخ وفات ائمه اطهار علیهم السلام است  
 و در بیان تاریخ ولادت ایشان و در بیان تاریخ هجرت ایشان  
 و در بیان تاریخ وفات ایشان و در بیان تاریخ ولادت ایشان  
 و در بیان تاریخ هجرت ایشان و در بیان تاریخ وفات ایشان  
 و در بیان تاریخ ولادت ایشان و در بیان تاریخ هجرت ایشان  
 و در بیان تاریخ وفات ایشان و در بیان تاریخ ولادت ایشان  
 و در بیان تاریخ هجرت ایشان و در بیان تاریخ وفات ایشان  
 و در بیان تاریخ ولادت ایشان و در بیان تاریخ هجرت ایشان  
 و در بیان تاریخ وفات ایشان و در بیان تاریخ ولادت ایشان  
 و در بیان تاریخ هجرت ایشان و در بیان تاریخ وفات ایشان











حضرت ام محمد ام دین	سال که بود است در راه خدا
ظاهر محسوسه کمال	سال تولیدش بقول اصفا
رحلتش صدقیه مخصوصه است	شد بدل از دقت غیبی اندر
تاریخ وفات بی بی خدیجه و اعظم که در سال چارصد و هفتاد و پنج پانصد و پنجاه	یافت از دنیا بقرب حق مصال
چون خدیجه سیده با عز و جا	محرم حق سیده دان اتصال
عاشقه تفریق ترخیص او	تاریخ وفات بی بی کریمه فروری که در سال چارصد و هشت چار یا هفتاد و پنج
چون کریمه مکرمه اسهل گرم	با کریمت شد محبت جاودا
سال ترخیصش حبیب حجت است	هم کریمه صا و ده که دم بیان
شد ز دل ز اهد بدلیه عارفه	بار دیگر ارتحال او عیان
تاریخ وفات بی بی فاطمه حافطه که در سال پانصد و هشت یک و نود و ده	رفت با حق یافت قرب اتصال
فاطمه چون از جهان بے نیاز	بار دیگر جز مشوقه وصال
ارتحالش فاطمه منصوبه خوان	تاریخ وفات بی بی فاطمه بنت نصر بنت عطار که در سال پانصد و هشتاد و پنج
تاریخ وفات بی بی فاطمه بنت نصر بنت عطار که در سال پانصد و هشتاد و پنج	یافت محبت وصل و وصل خدا
فاطمه چون کرد ز دنیا سفر	گفت بگو مشفق اولی
سال وصالش چو بختی ز دل	تاریخ وفات بی بی ساره عابد که در سال ششصد و سی و شش و نود و ده
تاریخ وفات بی بی ساره عابد که در سال ششصد و سی و شش و نود و ده	گفت در جنت ابد و ابد
رفت چون ساره از جهان فنا	قدس الله سره العالمی
گفت تاریخ رحلتش سرور	تاریخ وفات بی بی فاطمه سام که در سال ششصد و چهل و سه و نود و ده
تاریخ وفات بی بی فاطمه سام که در سال ششصد و چهل و سه و نود و ده	جواب فاطمه خاتون حجت
جواب فاطمه خاتون حجت	چو جنت از خر و سال وصالش
چو جنت از خر و سال وصالش	تاریخ وفات بی بی قوسم خاتون که در سال ششصد و چهل و سه و نود و ده
تاریخ وفات بی بی قوسم خاتون که در سال ششصد و چهل و سه و نود و ده	ز دنیا رفت در فردوس اعلی
ز دنیا رفت در فردوس اعلی	بی سال وصال آن صفا کش
بی سال وصال آن صفا کش	چون ام المومنین فاطمه علی
چون ام المومنین فاطمه علی	نه اگر دید لا ناسی

حضرت ام محمد ام دین  
ظاهر محسوسه کمال  
رحلتش صدقیه مخصوصه است  
تاریخ وفات بی بی خدیجه و اعظم که در سال چارصد و هفتاد و پنج پانصد و پنجاه  
یافت از دنیا بقرب حق مصال  
محرم حق سیده دان اتصال  
تاریخ وفات بی بی کریمه فروری که در سال چارصد و هشت چار یا هفتاد و پنج  
با کریمت شد محبت جاودا  
هم کریمه صا و ده که دم بیان  
بار دیگر ارتحال او عیان  
تاریخ وفات بی بی فاطمه حافطه که در سال پانصد و هشت یک و نود و ده  
فاطمه چون از جهان بے نیاز  
ارتحالش فاطمه منصوبه خوان  
تاریخ وفات بی بی فاطمه بنت نصر بنت عطار که در سال پانصد و هشتاد و پنج  
یافت محبت وصل و وصل خدا  
گفت بگو مشفق اولی  
تاریخ وفات بی بی ساره عابد که در سال ششصد و سی و شش و نود و ده  
گفت در جنت ابد و ابد  
قدس الله سره العالمی  
تاریخ وفات بی بی فاطمه سام که در سال ششصد و چهل و سه و نود و ده  
جواب فاطمه خاتون حجت  
چو جنت از خر و سال وصالش  
تاریخ وفات بی بی قوسم خاتون که در سال ششصد و چهل و سه و نود و ده  
ز دنیا رفت در فردوس اعلی  
بی سال وصال آن صفا کش  
چون ام المومنین فاطمه علی  
نه اگر دید لا ناسی

۱۵۶

در ماه ربیع الثانی نهمین روز در ماه رجب  
چون ام المومنین فاطمه علی  
نه اگر دید لا ناسی  
تاریخ وفات بی بی خدیجه و اعظم که در سال چارصد و هفتاد و پنج پانصد و پنجاه  
یافت از دنیا بقرب حق مصال  
محرم حق سیده دان اتصال  
تاریخ وفات بی بی کریمه فروری که در سال چارصد و هشت چار یا هفتاد و پنج  
با کریمت شد محبت جاودا  
هم کریمه صا و ده که دم بیان  
بار دیگر ارتحال او عیان  
تاریخ وفات بی بی فاطمه حافطه که در سال پانصد و هشت یک و نود و ده  
فاطمه چون از جهان بے نیاز  
ارتحالش فاطمه منصوبه خوان  
تاریخ وفات بی بی فاطمه بنت نصر بنت عطار که در سال پانصد و هشتاد و پنج  
یافت محبت وصل و وصل خدا  
گفت بگو مشفق اولی  
تاریخ وفات بی بی ساره عابد که در سال ششصد و سی و شش و نود و ده  
گفت در جنت ابد و ابد  
قدس الله سره العالمی  
تاریخ وفات بی بی فاطمه سام که در سال ششصد و چهل و سه و نود و ده  
جواب فاطمه خاتون حجت  
چو جنت از خر و سال وصالش  
تاریخ وفات بی بی قوسم خاتون که در سال ششصد و چهل و سه و نود و ده  
ز دنیا رفت در فردوس اعلی  
بی سال وصال آن صفا کش  
چون ام المومنین فاطمه علی  
نه اگر دید لا ناسی

قطعه ثانیه	
چونکه ام الفرید معصومه	رفت در برده بقیه باشد
بهر تاریخ آن ولیه وهر	گفت دل عارفه خانه آید
تاریخ وفات بی بی زلیخا به اوئی که در سال شصت و هجدهم بمشیت بوقوم آمد	رفت از دنیا می دون اندر جان
چون زلیخا ام دین خیر النساء	بهرست رحمت نیز تاریخش بخان
شذ زلیخا سال وصل آنجناب	
تاریخ وفات بی بی اولیا که در سال شصت و پنجاه و پنج بوقوم آمد	
رفت از دنیا چو در خلد برین	مارفرد و الا و لک اولیا
بهر سال ارتحال آنجناب	استقیمه گشت از رضوان نیا
تاریخ وفات بی بی دل دمی کشمیری که در سال هفتصد و پنجاه و شش بوقوم آمد	
چون بجا بان داد جان شد بهشت	ال دمی مجد و نه عالی مکان
سرور اسال وصالش طرفه تر	رحمت حق باز مجد و به سخوان
تاریخ وفات بی بی رستی قدس سر که در سال شصت و نود و پنج بوقوم آمد	
رستگستی محمد و به غالم که بود	راست رو چون تر اندر رستی
مرت محمد و به وصال پاک او	سال تر حلیش جو از من جو
تاریخ وفات بی بی فاطمه سیده گیلانی که در سال کهنه از دشتار و ده بوقوم آمد	
شذ دنیا چون جناب فاطمه	سر نه چشم جهان شد خاک او
غوث اعظم بود و جد آنجناب	اعظم آمد وصال پاک او
تاریخ وفات بی بی خال خاتون که در سال کهنه از و جهل و ده بوقوم آمد	
عارفه خاتون دین بی بی خال	ذات او امد سعیده اعظمه
ارتحال او چو حتم از خرد	شذ از دل و حیده اعظمه
حصه چهارم	
در ذکر مجانبین و مجانب که از اهل باطن بوده اند	
تاریخ وفات سرنگا مجد و بی ناموسی که در سال شصت و هجدهم بمشیت بوقوم آمد	
سرنگا جاد و جذب آلهی	که در وحش غایر خلد برین است













۱۱۱۱ سال  
 ۱۱۱۲ سال  
 ۱۱۱۳ سال  
 ۱۱۱۴ سال  
 ۱۱۱۵ سال  
 ۱۱۱۶ سال  
 ۱۱۱۷ سال  
 ۱۱۱۸ سال  
 ۱۱۱۹ سال  
 ۱۱۲۰ سال  
 ۱۱۲۱ سال  
 ۱۱۲۲ سال  
 ۱۱۲۳ سال  
 ۱۱۲۴ سال  
 ۱۱۲۵ سال  
 ۱۱۲۶ سال  
 ۱۱۲۷ سال  
 ۱۱۲۸ سال  
 ۱۱۲۹ سال  
 ۱۱۳۰ سال  
 ۱۱۳۱ سال  
 ۱۱۳۲ سال  
 ۱۱۳۳ سال  
 ۱۱۳۴ سال  
 ۱۱۳۵ سال  
 ۱۱۳۶ سال  
 ۱۱۳۷ سال  
 ۱۱۳۸ سال  
 ۱۱۳۹ سال  
 ۱۱۴۰ سال  
 ۱۱۴۱ سال  
 ۱۱۴۲ سال  
 ۱۱۴۳ سال  
 ۱۱۴۴ سال  
 ۱۱۴۵ سال  
 ۱۱۴۶ سال  
 ۱۱۴۷ سال  
 ۱۱۴۸ سال  
 ۱۱۴۹ سال  
 ۱۱۵۰ سال  
 ۱۱۵۱ سال  
 ۱۱۵۲ سال  
 ۱۱۵۳ سال  
 ۱۱۵۴ سال  
 ۱۱۵۵ سال  
 ۱۱۵۶ سال  
 ۱۱۵۷ سال  
 ۱۱۵۸ سال  
 ۱۱۵۹ سال  
 ۱۱۶۰ سال  
 ۱۱۶۱ سال  
 ۱۱۶۲ سال  
 ۱۱۶۳ سال  
 ۱۱۶۴ سال  
 ۱۱۶۵ سال  
 ۱۱۶۶ سال  
 ۱۱۶۷ سال  
 ۱۱۶۸ سال  
 ۱۱۶۹ سال  
 ۱۱۷۰ سال  
 ۱۱۷۱ سال  
 ۱۱۷۲ سال  
 ۱۱۷۳ سال  
 ۱۱۷۴ سال  
 ۱۱۷۵ سال  
 ۱۱۷۶ سال  
 ۱۱۷۷ سال  
 ۱۱۷۸ سال  
 ۱۱۷۹ سال  
 ۱۱۸۰ سال  
 ۱۱۸۱ سال  
 ۱۱۸۲ سال  
 ۱۱۸۳ سال  
 ۱۱۸۴ سال  
 ۱۱۸۵ سال  
 ۱۱۸۶ سال  
 ۱۱۸۷ سال  
 ۱۱۸۸ سال  
 ۱۱۸۹ سال  
 ۱۱۹۰ سال  
 ۱۱۹۱ سال  
 ۱۱۹۲ سال  
 ۱۱۹۳ سال  
 ۱۱۹۴ سال  
 ۱۱۹۵ سال  
 ۱۱۹۶ سال  
 ۱۱۹۷ سال  
 ۱۱۹۸ سال  
 ۱۱۹۹ سال  
 ۱۲۰۰ سال

۱۱۱۱	سفر کرد و شد سوی عقیبی روان	۱۱۱۱	سفر کرد و شد سوی عقیبی روان
۱۱۱۲	دگر جلوه گر گشت ماه جهان	۱۱۱۲	دگر جلوه گر گشت ماه جهان
۱۱۱۳	باقی رفت آن محسوب دنیا	۱۱۱۳	باقی رفت آن محسوب دنیا
۱۱۱۴	خر و گدایان محسوب دنیا	۱۱۱۴	خر و گدایان محسوب دنیا
۱۱۱۵	چون ولید یلید زنده یقی	۱۱۱۵	چون ولید یلید زنده یقی
۱۱۱۶	عقل نقاش ولید یلید یقی	۱۱۱۶	عقل نقاش ولید یلید یقی
۱۱۱۷	سوی عقیبی یزید عالمیان	۱۱۱۷	سوی عقیبی یزید عالمیان
۱۱۱۸	گو و فاشش یزید اهل جهان	۱۱۱۸	گو و فاشش یزید اهل جهان
۱۱۱۹	باید قتل خویش مروان جهان	۱۱۱۹	باید قتل خویش مروان جهان
۱۱۲۰	لا باقا سحر بر کن ملک خوان	۱۱۲۰	لا باقا سحر بر کن ملک خوان
۱۱۲۱	چون بعید در و خزن حسرت و آه	۱۱۲۱	چون بعید در و خزن حسرت و آه
۱۱۲۲	گفت سرور سخن ابا عباس	۱۱۲۲	گفت سرور سخن ابا عباس
۱۱۲۳	آخر از اقسیم فانی شد روان	۱۱۲۳	آخر از اقسیم فانی شد روان
۱۱۲۴	اهل دل حاکم دگر و الاسکان	۱۱۲۴	اهل دل حاکم دگر و الاسکان
۱۱۲۵	از فضا در بقا شده جاک	۱۱۲۵	از فضا در بقا شده جاک
۱۱۲۶	بند حق دوباره کن تقریر	۱۱۲۶	بند حق دوباره کن تقریر
۱۱۲۷	به جبین مهدی اش کین خوریز	۱۱۲۷	به جبین مهدی اش کین خوریز

۱۱۱۱ سال  
 ۱۱۱۲ سال  
 ۱۱۱۳ سال  
 ۱۱۱۴ سال  
 ۱۱۱۵ سال  
 ۱۱۱۶ سال  
 ۱۱۱۷ سال  
 ۱۱۱۸ سال  
 ۱۱۱۹ سال  
 ۱۱۲۰ سال  
 ۱۱۲۱ سال  
 ۱۱۲۲ سال  
 ۱۱۲۳ سال  
 ۱۱۲۴ سال  
 ۱۱۲۵ سال  
 ۱۱۲۶ سال  
 ۱۱۲۷ سال  
 ۱۱۲۸ سال  
 ۱۱۲۹ سال  
 ۱۱۳۰ سال  
 ۱۱۳۱ سال  
 ۱۱۳۲ سال  
 ۱۱۳۳ سال  
 ۱۱۳۴ سال  
 ۱۱۳۵ سال  
 ۱۱۳۶ سال  
 ۱۱۳۷ سال  
 ۱۱۳۸ سال  
 ۱۱۳۹ سال  
 ۱۱۴۰ سال  
 ۱۱۴۱ سال  
 ۱۱۴۲ سال  
 ۱۱۴۳ سال  
 ۱۱۴۴ سال  
 ۱۱۴۵ سال  
 ۱۱۴۶ سال  
 ۱۱۴۷ سال  
 ۱۱۴۸ سال  
 ۱۱۴۹ سال  
 ۱۱۵۰ سال  
 ۱۱۵۱ سال  
 ۱۱۵۲ سال  
 ۱۱۵۳ سال  
 ۱۱۵۴ سال  
 ۱۱۵۵ سال  
 ۱۱۵۶ سال  
 ۱۱۵۷ سال  
 ۱۱۵۸ سال  
 ۱۱۵۹ سال  
 ۱۱۶۰ سال  
 ۱۱۶۱ سال  
 ۱۱۶۲ سال  
 ۱۱۶۳ سال  
 ۱۱۶۴ سال  
 ۱۱۶۵ سال  
 ۱۱۶۶ سال  
 ۱۱۶۷ سال  
 ۱۱۶۸ سال  
 ۱۱۶۹ سال  
 ۱۱۷۰ سال  
 ۱۱۷۱ سال  
 ۱۱۷۲ سال  
 ۱۱۷۳ سال  
 ۱۱۷۴ سال  
 ۱۱۷۵ سال  
 ۱۱۷۶ سال  
 ۱۱۷۷ سال  
 ۱۱۷۸ سال  
 ۱۱۷۹ سال  
 ۱۱۸۰ سال  
 ۱۱۸۱ سال  
 ۱۱۸۲ سال  
 ۱۱۸۳ سال  
 ۱۱۸۴ سال  
 ۱۱۸۵ سال  
 ۱۱۸۶ سال  
 ۱۱۸۷ سال  
 ۱۱۸۸ سال  
 ۱۱۸۹ سال  
 ۱۱۹۰ سال  
 ۱۱۹۱ سال  
 ۱۱۹۲ سال  
 ۱۱۹۳ سال  
 ۱۱۹۴ سال  
 ۱۱۹۵ سال  
 ۱۱۹۶ سال  
 ۱۱۹۷ سال  
 ۱۱۹۸ سال  
 ۱۱۹۹ سال  
 ۱۲۰۰ سال

۱۱۱۱ سال  
 ۱۱۱۲ سال  
 ۱۱۱۳ سال  
 ۱۱۱۴ سال  
 ۱۱۱۵ سال  
 ۱۱۱۶ سال  
 ۱۱۱۷ سال  
 ۱۱۱۸ سال  
 ۱۱۱۹ سال  
 ۱۱۲۰ سال  
 ۱۱۲۱ سال  
 ۱۱۲۲ سال  
 ۱۱۲۳ سال  
 ۱۱۲۴ سال  
 ۱۱۲۵ سال  
 ۱۱۲۶ سال  
 ۱۱۲۷ سال  
 ۱۱۲۸ سال  
 ۱۱۲۹ سال  
 ۱۱۳۰ سال  
 ۱۱۳۱ سال  
 ۱۱۳۲ سال  
 ۱۱۳۳ سال  
 ۱۱۳۴ سال  
 ۱۱۳۵ سال  
 ۱۱۳۶ سال  
 ۱۱۳۷ سال  
 ۱۱۳۸ سال  
 ۱۱۳۹ سال  
 ۱۱۴۰ سال  
 ۱۱۴۱ سال  
 ۱۱۴۲ سال  
 ۱۱۴۳ سال  
 ۱۱۴۴ سال  
 ۱۱۴۵ سال  
 ۱۱۴۶ سال  
 ۱۱۴۷ سال  
 ۱۱۴۸ سال  
 ۱۱۴۹ سال  
 ۱۱۵۰ سال  
 ۱۱۵۱ سال  
 ۱۱۵۲ سال  
 ۱۱۵۳ سال  
 ۱۱۵۴ سال  
 ۱۱۵۵ سال  
 ۱۱۵۶ سال  
 ۱۱۵۷ سال  
 ۱۱۵۸ سال  
 ۱۱۵۹ سال  
 ۱۱۶۰ سال  
 ۱۱۶۱ سال  
 ۱۱۶۲ سال  
 ۱۱۶۳ سال  
 ۱۱۶۴ سال  
 ۱۱۶۵ سال  
 ۱۱۶۶ سال  
 ۱۱۶۷ سال  
 ۱۱۶۸ سال  
 ۱۱۶۹ سال  
 ۱۱۷۰ سال  
 ۱۱۷۱ سال  
 ۱۱۷۲ سال  
 ۱۱۷۳ سال  
 ۱۱۷۴ سال  
 ۱۱۷۵ سال  
 ۱۱۷۶ سال  
 ۱۱۷۷ سال  
 ۱۱۷۸ سال  
 ۱۱۷۹ سال  
 ۱۱۸۰ سال  
 ۱۱۸۱ سال  
 ۱۱۸۲ سال  
 ۱۱۸۳ سال  
 ۱۱۸۴ سال  
 ۱۱۸۵ سال  
 ۱۱۸۶ سال  
 ۱۱۸۷ سال  
 ۱۱۸۸ سال  
 ۱۱۸۹ سال  
 ۱۱۹۰ سال  
 ۱۱۹۱ سال  
 ۱۱۹۲ سال  
 ۱۱۹۳ سال  
 ۱۱۹۴ سال  
 ۱۱۹۵ سال  
 ۱۱۹۶ سال  
 ۱۱۹۷ سال  
 ۱۱۹۸ سال  
 ۱۱۹۹ سال  
 ۱۲۰۰ سال

تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود	
که در حلت چو از جهان فنا	شاه مارون رشید با اقبال
سال تاریخ رحلتش سرور	جلوه گر شد جلیل اسل جمال
تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سیال و صد و پانزده بود	
چونکه مامون یافت جای امان	رحمت خود بر دار جهان برین
سال تاریخ رحلتش آخر	چیت سرور ز عالم بیرون
تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم بن مامون که در سیال و صد و پانزده بود	
معتصم چون با غم و خزن ملال	شد ازین دار فنا خسته و نال
سال تاریخ چیت از خود	گفت قایلیم داد اگه جهان
تاریخ وفات واثق بالله بن معتصم بالله که در سیال و صد و بیست و هفت بود	
چونکه واثق از حکم قضا	رفت از ملک جهان بی فال و قیل
سال تاریخش با طوار کنگو	شدند از دل که سلطان جلیل
تاریخ وفات جعفر مشوک علی الله که در سیال و صد و بیست و هفت بود	
شاه مشوک که بر نداشتن دین	سکه احکام فرمان جهان
رفت چون از عالم ناپایدار	ارتحالش بهت سلطان زمان
تاریخ وفات محمد بن جعفر بن جعفر که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود	
چون محمد لطیف و رحمت حق	شد ز دنیا لغیرت و توفیق
کن تاریخ رحلتش سرور	آب سبب محمد که تهریر
تاریخ وفات معتد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و بیست و هفت بود	
معتد که اچو استقامت ماند	بر زمانه بر رفت اختر کار
دل سرور نصیب غم و افسوس	گفت سال وفات او دیدار
تاریخ وفات معتضد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود	
سلطان خوش از دار انصابت	چو شاه معتضد ذمی شان صالح
گلو این مشوک سال ترحیل	وگر باره بخوان سلطان صالح
تاریخ وفات کتبی بالله بن معتضد بالله که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود	

تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود  
 که در حلت چو از جهان فنا  
 سال تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سیال و صد و پانزده بود  
 چونکه مامون یافت جای امان  
 سال تاریخ رحلتش آخر  
 تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم بن مامون که در سیال و صد و پانزده بود  
 معتصم چون با غم و خزن ملال  
 سال تاریخ چیت از خود  
 گفت قایلیم داد اگه جهان  
 تاریخ وفات واثق بالله بن معتصم بالله که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 چونکه واثق از حکم قضا  
 سال تاریخش با طوار کنگو  
 تاریخ وفات جعفر مشوک علی الله که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 شاه مشوک که بر نداشتن دین  
 رفت چون از عالم ناپایدار  
 تاریخ وفات محمد بن جعفر بن جعفر که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود  
 چون محمد لطیف و رحمت حق  
 کن تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات معتد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 معتد که اچو استقامت ماند  
 دل سرور نصیب غم و افسوس  
 تاریخ وفات معتضد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود  
 سلطان خوش از دار انصابت  
 گلو این مشوک سال ترحیل  
 تاریخ وفات کتبی بالله بن معتضد بالله که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود

۱۹۵  
 تاریخ وفات مارون رشید بن جعفر بن محمد مهدی که در یکصد و نود و سه بود  
 که در حلت چو از جهان فنا  
 سال تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات مامون رشید بن مارون رشید که در سیال و صد و پانزده بود  
 چونکه مامون یافت جای امان  
 سال تاریخ رحلتش آخر  
 تاریخ وفات معتصم بالله المشهور ابراهیم بن مامون که در سیال و صد و پانزده بود  
 معتصم چون با غم و خزن ملال  
 سال تاریخ چیت از خود  
 گفت قایلیم داد اگه جهان  
 تاریخ وفات واثق بالله بن معتصم بالله که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 چونکه واثق از حکم قضا  
 سال تاریخش با طوار کنگو  
 تاریخ وفات جعفر مشوک علی الله که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 شاه مشوک که بر نداشتن دین  
 رفت چون از عالم ناپایدار  
 تاریخ وفات محمد بن جعفر بن جعفر که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود  
 چون محمد لطیف و رحمت حق  
 کن تاریخ رحلتش سرور  
 تاریخ وفات معتد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و بیست و هفت بود  
 معتد که اچو استقامت ماند  
 دل سرور نصیب غم و افسوس  
 تاریخ وفات معتضد علی الله بن مشوک که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود  
 سلطان خوش از دار انصابت  
 گلو این مشوک سال ترحیل  
 تاریخ وفات کتبی بالله بن معتضد بالله که در سیال و صد و پنجاه و پنج بود

مکتفی چون عسر کافی از خدا	یافت رخت خویش بر بست از جهان
دل بسال ارتمالش طرفه تر	گفت والی زمان سلطان بخوابن
تاریخ وفات مقتدر باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود	
مقتدر چون شد به تقدیر آله	در ملای موت آخر مستلا
میردین خواش بسال انتقال	بار دیگر دان جوان پادشاه
تاریخ وفات قاهر باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود	
شاه قاهر قاهر احدای دین	شد مهر حق چو درخت و دان
بهر سال ارتمالش طرفه تر	مهر حق از خانه شین روان
تاریخ وفات راضی باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود	
چونکه راضی از رضای ایرک	یافت از دنیا بختی اتصال
سن تر حلیش چو جستم از خرد	مرد عادل شد عیان تاریخ سال
تاریخ وفات مکتفی باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود	
رخت هستی چونکه از عالم بربست	مکتفی با حکم فاسطه نصف
سال تر حلیش امیر عادل است	بار دیگر حق طلب اصل صفا
تاریخ وفات طبع باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود	
چون طبع دین شد اصل کرم	بر درخت خویش بن فانی طبر
طرفه سال رحلت آن پادشاه	هست زیب دین مطلع حکم حق
تاریخ وفات قادر باشد بن اسحاق که در سال چارصد و هشت و یک است و ده	
کر در علت از جهان بی ثبات	شاه دین قادر به تقدیر خدا
هست محبوب جهان قادر و صفا	بار دیگر قادر اصل عطف
تاریخ وفات قایم بامر الله بن قادر باشد که در سال چارصد و هشت و چار بود	
روح قایم شد چو بر جرخ برین	جسم قایم گشت قایم در زمین
رطبتش گر اصل دل قایم بامر	باز کن روشن بصلت شمس بر
تاریخ وفات مقتدی باشد بن قایم بامر الله که در سال چارصد و هشت و چار بود	
آخرش از دار فانی رخت بست	مقتدی باشد شاه سب کاب

و تاریخ وفات مقتدر باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات قاهر باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات راضی باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات مکتفی باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات طبع باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات قادر باشد بن اسحاق که در سال چارصد و هشت و یک است و ده  
 و تاریخ وفات قایم بامر الله بن قادر باشد که در سال چارصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات مقتدی باشد بن قایم بامر الله که در سال چارصد و هشت و چار بود

۱۹۶

تاریخ وفات

تاریخ وفات

و تاریخ وفات مقتدر باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات قاهر باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات راضی باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات مکتفی باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات طبع باشد بن مقتدر باشد که در سال سصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات قادر باشد بن اسحاق که در سال چارصد و هشت و یک است و ده  
 و تاریخ وفات قایم بامر الله بن قادر باشد که در سال چارصد و هشت و چار بود  
 و تاریخ وفات مقتدی باشد بن قایم بامر الله که در سال چارصد و هشت و چار بود















کیمی شاه و مسعود حسن مجبور  
 دگر شاه مسعود و جان جهان  
 تاریخ وفات سلطان ناصر الدین محمود شاه که در سال شصده و شصت و چهار بود  
 روز و آراء الفاضل که در سال شصده و شصت و چهار بود  
 زبانی نسب ناصر الدین دین  
 دگر بحر موانح محمود شاه  
 قطعه ناست  
 زواری و هر چون رخت سربست  
 شصت و شصت و حق آگاه عادل  
 عیان شدن و سال ارتحالش  
 ز سلطان زمانه شاه عادل  
 تاریخ وفات سلطان غیاث الدین بلبن که در سال شصده و شصت و شش بود  
 شصت و الا غیاث الدین بلبن  
 بخت یافت چون از اردوین با  
 سالش نیک و اول عیان شد  
 دگر فرمود عاکی شاه دید  
 تاریخ وفات مغیر الدین کتیا که در سال شصده و شصت و نه بود  
 رفت از دنیا بخت شاد کام  
 هم مغیر الدین شاه می کام  
 تاریخ وفات جلالت الدین فیروز شاه خلجی که در سال شصده و شصت و نه بود  
 جواز دنیا فیروز دس برین وقت  
 جلالت الدین حق آگاه فیروز  
 وصالش اسل وین شاه جهانگیر  
 رقم کن نیز سولی شاه فیروز  
 تاریخ وفات سلطان علاء الدین خلجی که در سال شصده و شصت و نه بود  
 قدر اعلی یافت و علم برین  
 چون علاء الدین شمر روشن  
 شفق صادق بگو تاریخ او  
 نیز مابد زنده دل شاه کبیر  
 تاریخ وفات قطب الدین مبارک خلجی که در سال شصده و شصت و یک بود  
 جوق قطب الدین مبارک شاه مقول  
 بخت رفت از دنیا می برسم  
 عجیب سال وصالش جنت سره  
 ز قطب الدین مبارک قطب عالم  
 تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد تغلق که در سال شصده و شصت و یک بود  
 حشم در نوکرش انار تعلیمه انار الله بر ما  
 تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد تغلق که در سال شصده و شصت و یک بود

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین محمود شاه که در سال شصده و شصت و چهار بود  
 تاریخ وفات سلطان غیاث الدین بلبن که در سال شصده و شصت و شش بود  
 تاریخ وفات مغیر الدین کتیا که در سال شصده و شصت و نه بود  
 تاریخ وفات جلالت الدین فیروز شاه خلجی که در سال شصده و شصت و نه بود  
 تاریخ وفات سلطان علاء الدین خلجی که در سال شصده و شصت و نه بود  
 تاریخ وفات قطب الدین مبارک خلجی که در سال شصده و شصت و یک بود  
 تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد تغلق که در سال شصده و شصت و یک بود

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد تغلق که در سال شصده و شصت و یک بود

تاریخ وفات سلطان غیاث الدین محمد تغلق که در سال شصده و شصت و یک بود





۱ من الاصل  
۲ مكرر و مقول الجنب  
۳ مح

و پارسا سال نهاده ماه سلطنت  
 کرده وفات یافت و در سال عمر  
 ششده چهل و نه سال عمر  
 یافت ۱۷۰۰



قطعه رابع	
کبر آن اهل دولت اکبر	شد زوار الفبا بحسب آه
سال تاریخ رحلتش سرور	که شهنشاه شاه و الامام
تاریخ ولادت و وفات نورالدین محمد جهانگیر بادشاه که ولادت در	سال نهمصد و هفتاد و وفات در سنه یکزار و سی و شش بود
جهانگیر جهان فضل است	جهانگیر آن سده باغش و توفیر
جهانگیر آفتاب حسن مولی است	کنی در باب تولدش جو توفیر
وصال آن سده ذی هجرت خواه	ز نور علم نورالدین جهانگیر
کین ظل آن سده و آن سده بود	سال رحلت آن شاه شجری
سجی ماب جهان گیر است و صلح	و گریه که شهنشاه جهانگیر
قطعه ثانی	
آن جهانگیر شاه جهان	آنکه وصفش بر دین ز تقریر است
سال تولد او اگر خواهی	سرور آنکه شرح جهانگیر است
سن و صلحش اگر کنی تحریر	و آنکه پاک میر تو قیر است
قطعه ثالث	
شاه نورالدین و شاد ک	عادل دین نامه نویسی و آن
شمس نور نور دین تولید است	باز قیاض یگانگی شاه عیان
میشود پیداکریم اهل خلق	بهر سال از شمال آن جوان
تاریخ ولادت و وفات شهاب الدین محمد شاه جهان بادشاه که ولادت در	سال یکزار و وفات وی در سنه یکزار و هفتاد و شش بود
شاه و الامام که شهنشاه	آن شهاب الدین شاه دور زمان
اهل دل رستم تویدل گفته ام	سال تولدش بقول صالحان
رحلت آن بادشاه اهل جاه	شد عیان مشککات شاه جهان
باز گو سال وصال آن جناب	نور اهل دین شهنشاه جهان
قطعه ششم	

ت  
میدان که شهنشاه بادشاه شد و در علم  
خداوندی و در علم تمام داشت و در جهان بگنج  
تک بعد از آنکه پدید آمد و جهانگیر  
۶۶  
دانشمند و سال سلطنت کرده است تا آنکه  
در ملک بیست و هفت سال و در سلطنت  
نظر بدی و وفات یافت و در آن سال  
باز گاه خلق است



پادشاه شد و خیال بهت بهدینانی احمد شاه  
در کوکبه نقل رسانید و شاه جهان تائی پادشاه را  
است و در زمانه این پادشاه فرزندان عالم گزینان  
همینا که دود ارنج بر باد دوزخ بادشاه را  
آخر بقعه اهل فرنگ بر دلی خند

سال یکم از کیمزاده وفات در سنه یکمزار و شصت و یک بوقوع آمد	حاجی دین روشن اختر باوشا
موج دریا می بنجای عین العین شد عیان مهتاب و شبنم مجین	سال تولیدش با وج غرو جابه
هم مد روشن محمد ناج و زن	شد عیان سلطان اعظم رحمتش
تاریخ ولادت وفات مجاهد الدین ابوالنصر احمد شاه که ولادتش در سال یکمزار و یکصد و چهل و وفات در سنه یکمزار و یکصد و هشتاد و چهار یا هشتاد و پنج بوقوع آمد	مالک ملک بند و اسل و دهر
شاه ابوالنصر احمد عالمی	سال تولید آن شه عالی
که حال بهشت احمد شاه	سن رحیل کر کنی تر قیوم
از شهنشاه ملت احمد خواه	
تقطعه مانع	
شاه رفت نابینا عالم آه احمدیاد	چون سحکم از دیوم و عظم
نیز عالم زیب شهنشاه احمدیاد	رحلتش موصول مظلوم است شیخ زکریا
تاریخ ولادت و وفات اغزال دین محمد عالم گیر ثانی که ولادتش در سال یکمزار و دونه و وفات در سنه یکمزار و یکصد و هشتاد و سه بوقوع آمد	بادشاه جهان اغزال دین
اهل تحریر و صاحب تقریر	صاحب فیض حق شود پیدا
سال تولید گر سکه تحریر	رفت چون از جهان سجد برین
وصل آن بادشاه با تو قیر	فصل ربانی است و بال نظر
هم شهنشاه عالم عالمگیر	
تاریخ ولادت و وفات سلطان قطبال الدین عالی گوهر شاه عالم ثانی که ولادت در سال یکمزار و یکصد و چهل و وفات در سنه یکمزار و د و صد و دشت و یک و بیستم	مالک قلم دین فرمان روا
شاه عالم آن شهنشاه زمان	سال تولیدش خلیل ملت است
سیر فیض آمد دگر از دل عیان	شد جواز دنیا بفرز و سن برین
گفت ناف از بی ناریخ	شاه عالم شمع نور حق بگو
شاه عالم رستم دینی نوحان	
تاریخ ولادت و وفات ابوالنصر معین الدین اکبر شاه که ولادتش در سال	



دینار شاه عالم است  
دینار شاه عالم است  
دینار شاه عالم است

یکم از یکصد و پنجاه و سه وفات در سنه یک هزار و دویست و پنجاه و سه بود که	
شاه اکبر حسین دین بے	بادشاه جهان بفرودت
والی رجب شاه دین ناصر	سال مولود او و سنجان ای یا
کن تم سن و سال رحلت او	شاه اکبر سراج برانوار
از خرد رحمت حد اگر دید	سال تاریخ رحلتش اظہار
تا بیستم و لا دشت و وفات محمد سراج الدین ابو طغرل بادشاه اخص طغر	
که لا دشت در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و سه و کلا در سنه یک هزار و دویست و پنجاه و سه	
سرور اہل مسجد و عالی شان	بادشاه بظہر منظر منہ
عقل فیاض مہربان فرمود	طرز تولد آن بشیر منہ
گفتہ اند جسم ابو طغرل تاریخ	بہر تولد پاک سرور منہ
بو طغرل کامل است تر حلیش	بہر بفرما دگر منظر منہ
حصہ دوم متکبر قطعات تواریخ وفات شہان شرفات اہل منہ و غیرہ تاریخ	
وفات سلطان علاء الدین جن بہمنی بادشاہ ملک کہنہ در سال ہفتصد و پنجاه و نہ بود	
چون حسین رحلت ازین عالم نمود	و صل شد با حق بقبیل و اہل
شاه جنت سال تر حلیش بگو	بہر مقرب حسن عالم جن
تاریخ وفات سلطان محمد شاہ بن جن بہمنی کہ در سال ہفتصد و پنجاه و نہ و سی و نہ	
چون محمد شاہ حسین در مان	حبت زین و اورد و ن جنت دہ
شاه ملک بگو باشیں نیز	اہل دل مرد دین محمد شاہ
تاریخ وفات سلطان مجاہد شاہ بن محمد شاہ بہمنی کہ در سال ہفتصد و پنجاه و نہ	
مجاہد شاہ آن واسطہ تحت نام	چو از دہ دیا جنت رسید
ز سرور تباریخ او شد ندا	کہ اہل العطا بادشاہ شہید
قطرہ نامی	
چو از دیا شد ملک نفا شد	مجاہد شاہ دین فرخندہ امین
ملک نظرت بگو تارین سالش	دگر شاہ حجاب میر حق بہن
تاریخ وفات سلطان اکو دین جن بہمنی کہ در سال ہفتصد و نہ و نہ بود	

برای نام بادشاہ  
علاء الدین در سنه یک هزار و دویست و پنجاه و سه  
بادشاه اکبر حسین دین بے  
شاه اکبر سراج برانوار  
سال تاریخ رحلتش اظہار  
تاریخ وفات محمد سراج الدین ابو طغرل  
بادشاه اخص طغر  
که لا دشت در سال یک هزار و یکصد و پنجاه و سه  
سرور اہل مسجد و عالی شان  
عقل فیاض مہربان فرمود  
گفتہ اند جسم ابو طغرل تاریخ  
بو طغرل کامل است تر حلیش  
حصہ دوم متکبر قطعات تواریخ وفات شہان شرفات اہل منہ و غیرہ تاریخ  
وفات سلطان علاء الدین جن بہمنی بادشاہ ملک کہنہ در سال ہفتصد و پنجاه و نہ بود  
چون حسین رحلت ازین عالم نمود  
شاه جنت سال تر حلیش بگو  
تاریخ وفات سلطان محمد شاہ بن جن بہمنی کہ در سال ہفتصد و پنجاه و نہ و سی و نہ  
چون محمد شاہ حسین در مان  
شاه ملک بگو باشیں نیز  
تاریخ وفات سلطان مجاہد شاہ بن محمد شاہ بہمنی کہ در سال ہفتصد و پنجاه و نہ  
مجاہد شاہ آن واسطہ تحت نام  
ز سرور تباریخ او شد ندا  
قطرہ نامی  
چو از دیا شد ملک نفا شد  
ملک نظرت بگو تارین سالش  
تاریخ وفات سلطان اکو دین جن بہمنی کہ در سال ہفتصد و نہ و نہ بود





عاجی که در میان نقل رسید بلب نقل از دست  
سیاه ششام قرار دادی شد که در این  
سلطنت بختش را بر جان خود گذارد  
بهمی سلطان شد و در عهد سلطنت احمد شاه  
گردید چون سلطنت همی خفیف شد و مردم  
شایسته را بخت و کسب و کاری نداشتند  
احمد شاه بر تخت سلطنت آمد و در خطاب  
فرمود که در عهد من





چون ز دنیا سوی عظمی خلیفیت	شاه ابراهیم شاه اهل جاہ
سال وصال دست فیاض آن	نیز زیبا تاج ابراهیم شاه
مار سیخ وفات محمد علی شاه بن ابراهیم شاه که در سال یکم هزار و سبت و بیست و یک	
محمد رفیع چون از دار فانی	وصال آن شه دین شاه فیاض
نزد قطب فضل و فضل عالم بتر	دگر باره ز خاک لے جاہ فیاض
تذکرہ شادان گجراتی	
مار سیخ وفات مظفر شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و چار و دہ بود قمر	
چون مظفر و لے بہ فتح و ظفر	از جهان گشت و اصل جہات
مانجیت بخت بختان تبار خیش	ہم بختان اصل حاکم گجرات
مار سیخ وفات سلطان احمد شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و چہل و شش بود قمر	
شد چو احمد شہ دلاست خلد	رحلت آن شہ سہل جاہ
اہل دل اہل نصرت بہت بختان	نیز و لے دولت احمد شاہ
قطب عالمی	
شد چو از دنیا بجلد جاہ و دل	شاه دین احمد ولی اہل عروج
سال ترحیلش سیر و شد و دل	تاج دین احمد ولی اہل عروج
مار سیخ وفات محمد شاہ بن احمد شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج بود قمر	
راہی بخت چو شہ با عروج	آن محمد بادشاہ و اسے تاج
سال تار سیخ وصالش طرفہ تر	دان محمد بادشاہ و اہل عروج
مار سیخ وفات قطب الدین بن احمد شاہ کہ در سال ہشتصد و ستاد و سہ بود قمر	
بخت رفت از دنیا ہی فانی	چو قطب الدین شہ فرخندہ بین
بخت آن در یابی رحمت حلت	دگر حیل آتش قطب الدین
مار سیخ وفات محمود شاہ ہنگر کہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و ہفتاد و دو بود قمر	
چو شد محمود گویان ز دار فنا	شہ دہر محمود و اندر جان
وصالش بگو عزت و دولت	شہنشاہ محمود و حسن بختان
مار سیخ وفات مظفر شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و سی و دو بود قمر	

شاه ابراهیم شاه اهل جاہ  
 نیز زیبا تاج ابراهیم شاه  
 مار سیخ وفات محمد علی شاه بن ابراهیم شاه کہ در سال یکم هزار و سبت و بیست و یک  
 محمد رفیع چون از دار فانی  
 نزد قطب فضل و فضل عالم بتر  
 تذکرہ شادان گجراتی  
 مار سیخ وفات مظفر شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و چار و دہ بود قمر  
 چون مظفر و لے بہ فتح و ظفر  
 مانجیت بخت بختان تبار خیش  
 ہم بختان اصل حاکم گجرات  
 مار سیخ وفات سلطان احمد شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و چہل و شش بود قمر  
 شد چو احمد شہ دلاست خلد  
 اہل دل اہل نصرت بہت بختان  
 قطب عالمی  
 شد چو از دنیا بجلد جاہ و دل  
 سال ترحیلش سیر و شد و دل  
 مار سیخ وفات محمد شاہ بن احمد شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و پنجاہ و پنج بود قمر  
 راہی بخت چو شہ با عروج  
 سال تار سیخ وصالش طرفہ تر  
 دان محمد بادشاہ و اہل عروج  
 مار سیخ وفات قطب الدین بن احمد شاہ کہ در سال ہشتصد و ستاد و سہ بود قمر  
 بخت رفت از دنیا ہی فانی  
 بخت آن در یابی رحمت حلت  
 مار سیخ وفات محمود شاہ ہنگر کہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و ہفتاد و دو بود قمر  
 چو شد محمود گویان ز دار فنا  
 وصالش بگو عزت و دولت  
 مار سیخ وفات مظفر شاہ گجراتی کہ در سال ہشتصد و سی و دو بود قمر









معدود شاه مبارک  
 با بخت کبریا  
 نظر شاه مبارک

و دوازده ششماه رومی و من	و دوازده ششماه رومی و من
تاریخ وفات راجه علی غازی که در سال یک هزار و پانصد و پنجاه و دو	تاریخ وفات راجه علی غازی که در سال یک هزار و پانصد و پنجاه و دو
راجه میران علی آن شاه دین	راجه میران علی آن شاه دین
سال و صلش جو زر و شش ماه	سال و صلش جو زر و شش ماه
تاریخ مغزولی میران بهادر خان فاروقی که در سال یک هزار و شصت و یک	تاریخ مغزولی میران بهادر خان فاروقی که در سال یک هزار و شصت و یک
چون آن بزرگوار با درگاه نامرد	چون آن بزرگوار با درگاه نامرد
بمغزول آن سلطان معقل	بمغزول آن سلطان معقل
بقید شاه اکبر دیت خود دیت	بقید شاه اکبر دیت خود دیت
بگو تا اهل دولت داد از دست	بگو تا اهل دولت داد از دست
تذکره شایان پور به شرقی	
تاریخ وفات محمد مختیار اولین بادشاه و حاکم پور که در سال شصت و یک	تاریخ وفات محمد مختیار اولین بادشاه و حاکم پور که در سال شصت و یک
چون که آن مختیار صاحب تخت	چون که آن مختیار صاحب تخت
ماه و شش ماه و یک روز	ماه و شش ماه و یک روز
تاریخ وفات نضر الدین الیمیاط علاء الدین شرقی که در سال شصت و یک	تاریخ وفات نضر الدین الیمیاط علاء الدین شرقی که در سال شصت و یک
چون بعد غزو چاه فخر الدین	چون بعد غزو چاه فخر الدین
ثبت مصباح شرقی تاریخش	ثبت مصباح شرقی تاریخش
تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال شصت و یک	تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال شصت و یک
چون با فضل خالق دو جهان	چون با فضل خالق دو جهان
ثبت اصل بیت تاریخش	ثبت اصل بیت تاریخش
تاریخ وفات حاجی الیاس الیمیاط بنس الدین که در سال شصت و یک	تاریخ وفات حاجی الیاس الیمیاط بنس الدین که در سال شصت و یک
شش ماه و شش ماه و یک روز	شش ماه و شش ماه و یک روز
شاه خجست بگو تا تاریخش	شاه خجست بگو تا تاریخش
تاریخ وفات شاه اسکندر بنس الدین که در سال شصت و یک	تاریخ وفات شاه اسکندر بنس الدین که در سال شصت و یک
چون سکندر گشت به فون درین	چون سکندر گشت به فون درین
شاه عالیشان بگو تا تاریخ او	شاه عالیشان بگو تا تاریخ او
تاریخ وفات حیات الدین بن سکندر شاه شرقی که در سال شصت و یک	تاریخ وفات حیات الدین بن سکندر شاه شرقی که در سال شصت و یک
سفر کرد چون شاه و الاغیاش	سفر کرد چون شاه و الاغیاش

معدود شاه مبارک  
 با بخت کبریا  
 نظر شاه مبارک  
 تاریخ وفات راجه علی غازی که در سال یک هزار و پانصد و پنجاه و دو  
 راجه میران علی آن شاه دین  
 سال و صلش جو زر و شش ماه  
 تاریخ مغزولی میران بهادر خان فاروقی که در سال یک هزار و شصت و یک  
 چون آن بزرگوار با درگاه نامرد  
 بمغزول آن سلطان معقل  
 بقید شاه اکبر دیت خود دیت  
 بگو تا اهل دولت داد از دست  
 تذکره شایان پور به شرقی  
 تاریخ وفات محمد مختیار اولین بادشاه و حاکم پور که در سال شصت و یک  
 چون که آن مختیار صاحب تخت  
 ماه و شش ماه و یک روز  
 تاریخ وفات نضر الدین الیمیاط علاء الدین شرقی که در سال شصت و یک  
 چون بعد غزو چاه فخر الدین  
 ثبت مصباح شرقی تاریخش  
 تاریخ وفات علی علاء الدین مبارک شاه که در سال شصت و یک  
 چون با فضل خالق دو جهان  
 ثبت اصل بیت تاریخش  
 تاریخ وفات حاجی الیاس الیمیاط بنس الدین که در سال شصت و یک  
 شش ماه و شش ماه و یک روز  
 شاه خجست بگو تا تاریخش  
 تاریخ وفات شاه اسکندر بنس الدین که در سال شصت و یک  
 چون سکندر گشت به فون درین  
 شاه عالیشان بگو تا تاریخ او  
 تاریخ وفات حیات الدین بن سکندر شاه شرقی که در سال شصت و یک  
 سفر کرد چون شاه و الاغیاش

۱۹









تیکره شاهان شرقی یعنی جوینور و بهار غیره	
تاریخ وفات ملک سرو و خواجه جهان حاکم اول ولایت شرقی که سال شصت و دو قمری	گشت چون سرو در بصد غر و قار
سرو را قسیم فردوس برین	هست محمد و مینا یون رعلتش
تاریخ وفات سلطان مبارک بن ملک سرو که در سال شصت و چهار قمری	مبارک یافت چون بجای مبارک
ز دنیا می دنی در خلد اعظم	وفاتش نصرت دین بار و دیگر
تاریخ وفات سلطان ابراهیم شرقی بن ملک سرو که در سال شصت و هجده قمری	شاه ابراهیم ابراهیم است
چون ازین دنیا بگذر از جهان	وصلش ابراهیم است کن قمر
تاریخ وفات سلطان محمود شرقی که در سال شصت و هشت و دو قمری	یافت چون محمود و محمد و محمد
از جهان ببقا بقا برین	سال تاریخ وصالش طرفه تر
تاریخ وفات سلطان محمد شاه شرقی که در سال شصت و هشت و سه قمری	چون محمد شاه و الامرتت
گشت آخر از عدم جنت نشین	شده رقم مان بیا در سال او
تاریخ وفات سلطان حسین بن محمود شرقی که در سال شصت و نه قمری	چون بحکم خالق هر دو جهان
خوش ساقی و کشت زین عالم حیدر	دل ببال رحلت آن بادشا
ذکر سلاطین سنده و بهت	
تاریخ وفات عماد الدین محمد قاسم که در سال نود و شش قمری	چون ابصد نصرت بملک خلعت
عماد الدین سراجا حب مولی	چون ابصد نصرت بملک خلعت
تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قیاسی که در سال شصت و شش قمری	چون ابصد نصرت بملک خلعت
ناصر الدین شاه خلعت باصلاح	چون ابصد نصرت بملک خلعت

تاریخ وفات ملک سرو و خواجه جهان حاکم اول ولایت شرقی که سال شصت و دو قمری  
 تاریخ وفات سلطان مبارک بن ملک سرو که در سال شصت و چهار قمری  
 تاریخ وفات سلطان ابراهیم شرقی بن ملک سرو که در سال شصت و هجده قمری  
 تاریخ وفات سلطان محمود شرقی که در سال شصت و هشت و دو قمری  
 تاریخ وفات سلطان محمد شاه شرقی که در سال شصت و هشت و سه قمری  
 تاریخ وفات سلطان حسین بن محمود شرقی که در سال شصت و نه قمری  
 تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قیاسی که در سال شصت و شش قمری  
 تاریخ وفات ناصر الدین شاه خلعت باصلاح

۱۹

تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قیاسی که در سال شصت و شش قمری  
 تاریخ وفات ناصر الدین شاه خلعت باصلاح  
 تاریخ وفات سلطان ناصر الدین قیاسی که در سال شصت و شش قمری  
 تاریخ وفات ناصر الدین شاه خلعت باصلاح

ارسلت نور علی اورست و نیز	نامردین بنی اهل فلاح
ماریم وفات شجاع بیگ المشهور شاه بیگ ارغون که در سال هجده و دو تو	
چون بقدر خدای و الجلال	گشت راهی سوی جنت شاه بیگ
سال تاریخ وصالش از خرد	شده عیان سلطان دولت شاه
ماریم وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجده و هشتاد و دو تو	
چو منزل گزین شد بخند برین	ازین دهر بر جسد و امان
بصد جن تاریخ وصالش	امیر جهان تاج احسان
ماریم وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو	
همچو عیسی شد بخرم چارمین	چون گویا این عیسی ترکمان
گفت سخن آید وصال او دل	هم محب دین قیسی ترکمان
ماریم وفات سلطان محمود دیگر که در سال هجده و هشتاد و دو تو	
چون بر گشتند از حد حکایاتی	سلف او او خود اند جهان محبت
سال تاریخ وصالش بر دل بر دل	شده عیان محمود و الی جهان محبت
ماریم وفات میرزا ابائی ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو	
چو باقی بدار البقار خجست	سوز نام باقی نمایدش نشان
تاریخ آن بهلوان شیرگیر	بیان شد از سرور تهنیت رمان
ماریم وفات میرزا اجائی ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو	
چو جانی داد جان خود بجان خجست	سخت رفت باینکو تر احوال
ز جانی خجست وصالش	دگر بر گیر جان فخر احوال
و در سلاطین عثمان	
ماریم وفات سلطان قطب الدین لنگاه می ملانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو	
قطب دین شاه زمان قطب خان	قطب جنت شد جو اصد امتحان
خیر دین که رحلت آن بادشاه	هم سخنان قطب السلاطین سهو ار
ماریم وفات شاه حسین لنگاه می ملانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو	
چون ز دنیا رفت حسن عاقبت	شاه حسن صاحب جنت حسین

است که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 ماریم وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو منزل گزین شد بخند برین  
 بصد جن تاریخ وصالش  
 ماریم وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 همچو عیسی شد بخرم چارمین  
 گفت سخن آید وصال او دل  
 ماریم وفات سلطان محمود دیگر که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چون بر گشتند از حد حکایاتی  
 سال تاریخ وصالش بر دل بر دل  
 ماریم وفات میرزا ابائی ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو باقی بدار البقار خجست  
 تاریخ آن بهلوان شیرگیر  
 ماریم وفات میرزا اجائی ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو جانی داد جان خود بجان خجست  
 ز جانی خجست وصالش

ماریم وفات شاه حسین لنگاه می ملانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چون ز دنیا رفت حسن عاقبت  
 شاه حسن صاحب جنت حسین  
 است که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 ماریم وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو منزل گزین شد بخند برین  
 بصد جن تاریخ وصالش  
 ماریم وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 همچو عیسی شد بخرم چارمین  
 گفت سخن آید وصال او دل  
 ماریم وفات سلطان محمود دیگر که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چون بر گشتند از حد حکایاتی  
 سال تاریخ وصالش بر دل بر دل  
 ماریم وفات میرزا ابائی ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو باقی بدار البقار خجست  
 تاریخ آن بهلوان شیرگیر  
 ماریم وفات میرزا اجائی ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو جانی داد جان خود بجان خجست  
 ز جانی خجست وصالش

است که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 ماریم وفات شاه حسین بن شاه بیگ که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو منزل گزین شد بخند برین  
 بصد جن تاریخ وصالش  
 ماریم وفات میرزا عیسی خان ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 همچو عیسی شد بخرم چارمین  
 گفت سخن آید وصال او دل  
 ماریم وفات سلطان محمود دیگر که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چون بر گشتند از حد حکایاتی  
 سال تاریخ وصالش بر دل بر دل  
 ماریم وفات میرزا ابائی ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو باقی بدار البقار خجست  
 تاریخ آن بهلوان شیرگیر  
 ماریم وفات میرزا اجائی ترکمانی که در سال هجده و هشتاد و دو تو  
 چو جانی داد جان خود بجان خجست  
 ز جانی خجست وصالش





شاهزاده محمد شاه با شاه

قطره ثانی	
جای خود ورزید و رعد برین سال تاریخ و صا شش سرور	چون محمد آن بشیر روشن علمیه گوتهجرت ه دین میر کبر
باریم وفات سلطان شمس الدین بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و پنج بوقوع آمد	شده و از عالم بعد غر و وفار میراکبر شاه شمس الدین سعید
بار دیگر شاه شمس الدین سعید	باریم وفات بهامین شاه بن محمد شاه که در سال نهصد و چهل و هفت بوقوع آمد
شاه و الاجاه بر ساهل شاه رعلتش فیاض و اناشد برسم	چون درین دنیای دهر و دهر بوم بار دیگر از جهان معدوم شد
باریم وفات نازک شاه بن محمد شاه که در سال نهصد و پنجاه و هشت بوقوع آمد	چون سخی بادشاه نازک تن هم قوی بادشاه نازک تن
به ستیانه ملک جنت رفت دانسته فضل گو تبارش	باریم وفات شاه یک غازی کشمیری که در سال نهصد و سی و یک بوقوع آمد
چونکه غازی یک ازین فانی مقام سال مرگ آن شه اسلستم	رفت بلاعمال و در دایر انوار عالم هست ای بادیا ملک نصفا
باریم وفات حسین شاه یک که در سال نهصد و پنجاه و نهم بوقوع آمد	ز دنیا چو شد با هزاران الم تباریم آن ابل جو بهجت
ز دنیا چو شد با هزاران الم تباریم آن ابل جو بهجت	باریم وفات علی شاه برادر حسین شاه که در سال نهصد و پنجاه و دهم بوقوع آمد
چون علی اعلی امرا تب بادشاه سال تاریش بطریقه فتر	از جهان با جسر و دهم اه رفت باقیم فرمود بر دینار
باریم وفات یوسف شاه بن علی شاه که در سال نهصد و پنجاه و یازدهم بوقوع آمد	شد چو یوسف ازین ساری صبح چشم زخم است رحلت آن شاه

[illegible]

دکلمتت با تو تصور دند  
 رش این بادشا بهر اوزار  
 دوزخایت تحسب سلطان  
 فیروز نظامی تو است در  
 قشربا در شجاه ازین  
 سلطان به سران فاکشاه  
 سلطانیت شد در با این  
 محمودی بخت تویت  
 کشمیر قوم آمد در  
 رش این محمودی بادشا  
 کشمیر قوم آمد در  
 رش این محمودی بادشا







تاریخ وفات سلطان  
 جون محمد شاه و اول  
 حضرت دلایین و  
 تاریخ ولادت و وفات  
 شمس الدین و  
 مراد او ان شده رستم  
 خداوند عالم عجب  
 شد از دل سبزه  
 تاریخ وفات سلطان  
 جلال خان و اول  
 رفیع القدرت و  
 تاریخ وفات سلطان  
 جلال خان و اول  
 رفیع القدرت و

برجستار گنج ۱۹

[illegible]

تاریخ وفات سلطان محمد خان عثمانی که در سال هشتصد و سی و چهارم وقوع آمد	عزل محمد شاه و الایا به نیکو محبت
از زمانه روسی خود در دربار خجسته	گفت دل تاریخ و خلیش و خبر و سرخیز
هنگام شاه محمد شاه عالی جا گفت	
تاریخ ولادت و وفات سلطان مراد خان نانی عثمانی که ولادتش در سال	
هشتصد و شش و وفات در سال هشتصد و هشتاد و شش وقوع آمد	
امیر از صاحب عقل و داد	مرا داد آن شد رستم دین حق
تولید آن شاه آمد بید	خداوند عالم عجب طرفه تر
بذ اشیر دل بپلوان نامراد	شد از دل مبارک سرخ تر خیل او
تاریخ وفات سلطان بایزید نانی عثمانی که در سال نهصد و شصت و دو وقوع آمد	
شد از اهل جهان سرور اجنت	چو سلطان بایزید آن شاه دیگاه
وگر باره بخوان سرور اجنت	ربیع المیزان گفت گو از تماشاش
قطعه مانده	
زین هر رخت بست ملک جهان سید	چون بایزید صاحب که از محنت و تاج
گفتا گو که منبع اخلاص بایزید	جستم چو سال رحلت و از بند و عشق
تاریخ وفات سلطان سلیم عثمانی که در سال نهصد و سی و شش وقوع آمد	
سلامت و آن شد سخله عظیم	سلیم از جهان چونکه بدر و دشت
وگر تاج اسلام میر سلیم	رفتم گرن تر خیل او اهل فصیح
تاریخ وفات سلطان سلیمان خان عثمانی که در سال نهصد و هشتاد و چهار وقوع آمد	
بپال و صل یادر حق سلیمان	سلیمان چون ملک جاد و اینست
و دوباره دو صد از حق سلیمان	ولایت منزلت یا فضل دین گ
تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان خان نانی عثمانی که ولادتش در	
سال نهصد و سی و شش و وفات در سال نهصد و شصت و دو وقوع آمد	
که بود از غیر حق مامون و مضمون	سلیمان جاد سلطان شاه عالی
که آمد راست در تاریم مضمون	بکریاض و الاصال تولد
تر یا جاد سلطان عباس یون	ز بر سال تر خلیش رستم گن

تاریخ وفات مراد خان ثالث که در سال یک هزار و چهارم هجری مرقوم آمد	
چون مراد از حق مراد خوش بخت	رحمت خود در خشت و الا نهاد
چهارم فیض است سال وصل او	بار دیگر خان عادل با مراد
تاریخ وفات محمد خان ثالث عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و دو مرقوم آمد	
چون در نزم محمد رفت حسنه	محمد با قارص صاحب عدل
محمد اگر آمد وصل او نیز	محمد شهریار صاحب عدل
تاریخ وفات سلطان احمد اول که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد	
رفت چون احمد که نریم احمدی	از جهان بر بلبل است بار
باج برکت گو وصل پاک او	بار دیگر نور احمد شهریار
تاریخ قتل سلطان عثمان ثانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد	
چو عثمان یافت چون عثمان شهناز	بوصل وصل حق گر دید وصل
تاریخ شوال آن فیاض عالم	وگر مار و قوی دل شاه مقول
تاریخ وفات مراد خان چهارم عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد	
چون ز دنیا مراد جنت یافت	مرود دین با سخاوت اهل مراد
سال تاریخ وصل او سرور	است شهباز رحمت اهل مراد
تاریخ شهادت سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد	
چون که نریم کلیمه طلال و الم	خوش بخت بکشد ابراهیم
سال وصلش شد از دلم بیدار	چو نماند شهید ابراهیم
تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد و وفاتش در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد	
سلیمان جو با حشمت و فروغ جاہ	برین برین شد ز فرخ برین
تاریخ ترخیص آن پادشاه	بگو منزل او بهشت برین
قطعه مانده	
سلیمان اهل تلج و قیصر دم	که شد با بوس ادا قبول و دست
ز دولت خواسته توفیقش بختبر	که شد حاصل مراد سالش سلطنت

تاریخ وفات مراد خان ثالث که در سال یک هزار و چهارم هجری مرقوم آمد  
چون مراد از حق مراد خوش بخت  
چهارم فیض است سال وصل او  
بار دیگر خان عادل با مراد  
تاریخ وفات محمد خان ثالث عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و دو مرقوم آمد  
چون در نزم محمد رفت حسنه  
محمد با قارص صاحب عدل  
محمد اگر آمد وصل او نیز  
محمد شهریار صاحب عدل  
تاریخ وفات سلطان احمد اول که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
رفت چون احمد که نریم احمدی  
از جهان بر بلبل است بار  
باج برکت گو وصل پاک او  
بار دیگر نور احمد شهریار  
تاریخ قتل سلطان عثمان ثانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
چو عثمان یافت چون عثمان شهناز  
بوصل وصل حق گر دید وصل  
وگر مار و قوی دل شاه مقول  
تاریخ شوال آن فیاض عالم  
تاریخ وفات مراد خان چهارم عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
چون ز دنیا مراد جنت یافت  
مرود دین با سخاوت اهل مراد  
سال تاریخ وصل او سرور  
است شهباز رحمت اهل مراد  
تاریخ شهادت سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
چون که نریم کلیمه طلال و الم  
خوش بخت بکشد ابراهیم  
سال وصلش شد از دلم بیدار  
چو نماند شهید ابراهیم  
تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد و وفاتش در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
سلیمان جو با حشمت و فروغ جاہ  
برین برین شد ز فرخ برین  
تاریخ ترخیص آن پادشاه  
بگو منزل او بهشت برین  
قطعه مانده  
سلیمان اهل تلج و قیصر دم  
که شد با بوس ادا قبول و دست  
ز دولت خواسته توفیقش بختبر  
که شد حاصل مراد سالش سلطنت

۱۹۹

تاریخ وفات مراد خان ثالث که در سال یک هزار و چهارم هجری مرقوم آمد  
چون مراد از حق مراد خوش بخت  
چهارم فیض است سال وصل او  
بار دیگر خان عادل با مراد  
تاریخ وفات محمد خان ثالث عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و دو مرقوم آمد  
چون در نزم محمد رفت حسنه  
محمد با قارص صاحب عدل  
محمد اگر آمد وصل او نیز  
محمد شهریار صاحب عدل  
تاریخ وفات سلطان احمد اول که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
رفت چون احمد که نریم احمدی  
از جهان بر بلبل است بار  
باج برکت گو وصل پاک او  
بار دیگر نور احمد شهریار  
تاریخ قتل سلطان عثمان ثانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
چو عثمان یافت چون عثمان شهناز  
بوصل وصل حق گر دید وصل  
وگر مار و قوی دل شاه مقول  
تاریخ شوال آن فیاض عالم  
تاریخ وفات مراد خان چهارم عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
چون ز دنیا مراد جنت یافت  
مرود دین با سخاوت اهل مراد  
سال تاریخ وصل او سرور  
است شهباز رحمت اهل مراد  
تاریخ شهادت سلطان ابراهیم عثمانی که در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
چون که نریم کلیمه طلال و الم  
خوش بخت بکشد ابراهیم  
سال وصلش شد از دلم بیدار  
چو نماند شهید ابراهیم  
تاریخ ولادت و وفات سلطان سلیمان ثانی که ولادتش در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد و وفاتش در سال یک هزار و پنجاه و سه مرقوم آمد  
سلیمان جو با حشمت و فروغ جاہ  
برین برین شد ز فرخ برین  
تاریخ ترخیص آن پادشاه  
بگو منزل او بهشت برین  
قطعه مانده  
سلیمان اهل تلج و قیصر دم  
که شد با بوس ادا قبول و دست  
ز دولت خواسته توفیقش بختبر  
که شد حاصل مراد سالش سلطنت





















چو بر شهر لاهور شد و خلیاب	گجور سال اجلاس اسل
تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاهوری که ولادتش در سال کبیرا	و یکصد و شصت و شش و وفات در یکبیرا و دو صد و سی و پنج بود قوم آمد
حضرت نور محمد نور دین	شیخ عالم بنده سنگ مرشد
سال تولدش رقم شد شیخ نور	رحلت او نور ارکان بهشت
تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح الله لاهوری که ولادتش در سال کبیرا	و یکصد و شصت و یک و وفات در سنه کبیرا و دو صد و چهل و چهار بود قوم آمد
محمد علم و روح دنیا جان بن اسلم یار	شیخ حق آگاه روح الله روح جنتی
شیخ اکرم سال تولدش رقم شد علی قشر	دان فانی الله روح الله روح جنتی
تاریخ وفات ربیع بنده الی بنجامین کبیرا و دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد	چو از ششم خلق جهان کرد و رو
تبار شیخ رحیل او طه فقه تر	نهان شمس پنجاب ربیع بنده سنگ
	سجوان شمس پنجاب ربیع بنده سنگ
قطعه نمانی	
شاه ربیع حاکم پنجاب	مثل او در زمانه نایاب است
سال و صلش چو از خرد جنت	گفت خورشید حمله پنجاب است
تاریخ وفات کبرک سنگ بن ربیع بنده که در سال کبیرا و دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد	ز دنیا چو شهر آده کبرک سنگ
تاریخ وفات نور محمد بن کبرک سنگ که در سال شصه ابو قوع آمد	چونکه آن نونهال گلش و هر
چونکه آن نونهال گلش و هر	از سر آه گفتمش تاریخ
تاریخ قتل شیر سنگ بن ربیع بنده که در سال کبیرا و دو صد و شصت بود قوم آمد	راجه شیر سنگ رفت از دهر
سال تاریخ رحلت آن شاه	کن رقم شاه عدل شیر دلیر

تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاهوری که ولادتش در سال کبیرا و دو صد و سی و پنج بود قوم آمد  
 تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح الله لاهوری که ولادتش در سال کبیرا و دو صد و چهل و چهار بود قوم آمد  
 تاریخ وفات کبرک سنگ بن ربیع بنده که در سال کبیرا و دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد  
 تاریخ قتل شیر سنگ بن ربیع بنده که در سال کبیرا و دو صد و شصت بود قوم آمد

شاه ربیع حاکم پنجاب  
 سال و صلش چو از خرد جنت  
 تاریخ وفات کبرک سنگ بن ربیع بنده که در سال کبیرا و دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد  
 تاریخ وفات نور محمد بن کبرک سنگ که در سال شصه ابو قوع آمد  
 چونکه آن نونهال گلش و هر  
 از سر آه گفتمش تاریخ  
 تاریخ قتل شیر سنگ بن ربیع بنده که در سال کبیرا و دو صد و شصت بود قوم آمد  
 راجه شیر سنگ رفت از دهر  
 سال تاریخ رحلت آن شاه

تاریخ ولادت و وفات حافظ نور محمد لاهوری که ولادتش در سال کبیرا و دو صد و سی و پنج بود قوم آمد  
 تاریخ ولادت و وفات مولوی حافظ روح الله لاهوری که ولادتش در سال کبیرا و دو صد و چهل و چهار بود قوم آمد  
 تاریخ وفات کبرک سنگ بن ربیع بنده که در سال کبیرا و دو صد و پنجاه و شش بود قوم آمد  
 تاریخ قتل شیر سنگ بن ربیع بنده که در سال کبیرا و دو صد و شصت بود قوم آمد



قطعه نهم	
چون سفر در زید از دار فنا	شاه والا جاہ با قتل شیرنگ
بہر تار نیم وصالش طرفہ تر	گفت سرور شیر عادل شیرنگ
قطعه دہم	
چون ز دست معاندان قتل	شیرنگ آں امیر با توفیر
سال تار نیم رحلتش سرور	گفت شیر دلیر بد رنیر
تار نیم قتل اجد میان سنگہ وزیر کہ در کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
طہ قتل ز دست دشمن طیش	شد صاف وزیر اہل شمشیر
تار نیم وصال او ر تم شد	سیاف وزیر اہل شمشیر
قطعه یازدہم	
گشت افوس چون بہا حق قتل	دہیان سنگہ آں وزیر با تدیر
دل سرور سال رحلت او	گفت کامل مشیر با تدیر
تار نیم قتل مہر گیشا کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
بہا خالی ہو جبکہ ہو خاند ر باقی صفا گیشا	توبہ قتل کہ کوئی برین میں کیا ہو گیشا
زیر تار نیم قتل او سکو بہت جس کی تو آئ	یہ دل سو آئی نہ گیشا برین میں کی گیشا
تار نیم وفات سرور اجدت سنگہ نہا نو الیہ کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
جیت سنگہ آں قاتل شیر دلیر کا گشت	ضربہ تینم اجل سی جیکہ گہا نل ہو گیا
دل نو سال قتل میں او قاتل سرچم کہ	یون کہا قتل اجل کا قاتل ہو گیا
تار نیم وفات فقیر عزیز الدین مرحوم کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
شد عزیز الدین جو با غوث بخلد	بہر سال آں غنیر نہ ہوندن
پر تو اکلن شد ز دل جو رشید علم	از خرد شد جلوہ گر شطو روین
تار نیم قتل اجد بہر سنگہ کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	
بدست جو رسکبان جفا کشیش	جو ان مارا سے سیرانی فوس
بال قتل یون سرورنی رو برو	کہا تو مارا سے سیرانی فوس
تار نیم قتل اجد سو جیت سنگہ کہ در سال کینزار و دود و صحت بود قوع آمد	

وزیر دربار الامیر و وزیر  
شیرنگ از دست جیت سنگہ و افغان جنگ  
نہا نو الیہ قتل  
تک مصاحبت شیر سرور ان نہا نو الیہ بود  
دیر آہ آقا فیضی از دست راجہ جہا نل  
بن دہیان سنگہ قتل سید و سکانت قتل نور  
رسن دربار انداختہ افغان جنگ نہا نو الیہ بود  
در کہ جو دہیان کینزار

۹

تک مصاحبت شیرنگ دہیان نگار  
دست اجد بہر سال کینزار

تک از غلطی ادراعی دربار الامیر و وزیر  
در مطاع بود در علم و ہنر ثانی نہا نو الیہ  
تک در بین بود سماعی عطا فرمودہ فو  
سماجت بود و غیرہ بوب درباری راوی  
نہا نو الیہ





تاریخ وفات خیر نور الدین مرحوم که در سال کبیر از دود و صد و شصت و شش بود	چون جناب نور دین نور لقین
بر تو افکن گشت بر اوج بهشت	هم سخنان نور الکرامت نور دین
شد چراغ دین ببالش جلوه گر	
تاریخ وفات راجه دنیا ناتمه که در سال کبیر از دود و صد و شصت و دو چار بود	شد چو از دنیای فانی شنا دو کام
راجه و دیوان که دنیا ناتمه بود	گفت دل اهل سخاوت یکایم
سال تاریخ وفاتش طر فز تر	
تاریخ وفات چهار راجه گلکسنگه والی کشمیر که در سال کبیر از دود و صد و شصت و دو چار بود	شده کوه و بیابان صاحب تاج
گلکسنگه شیر دل والی کشمیر	ایمن دهر دشمن کش چهار راج
چو رفت از دهر تاریخش عیان	
تاریخ وفات شیخ امام الدین مرحوم که در سال کبیر از دود و صد و شصت و دو چار بود	شد امام روضه سلسله برین
چون امام دین بقصیل ایرودی	حامی شرح امام دین متین
بهست تاریخ وصالش طر فز تر	
تاریخ وفات راجه پنج سنگه که در سال کبیر از دود و صد و شصت و دو چار بود	چو بر داشت زینجا قدم پنج سنگه
نهان شد ز روی نظر مثل ماه	ز بس نامیاب کرم پنج سنگه
تاریخ وفات نواب علی ضامن مرحوم که در سال کبیر از دود و صد و شصت و دو چار بود	خدوی حیدری فدای علی
حامی دین علی رضا نواب	یافت جای تقرب جای علی
رفت چون زین جهان بد ارتقا	اهل دین بنده رضای علی
گفت سرور سال تاریخش	
قطعه ماسه	
حامی دین علی رضا نواب	حق به دگر او بنه حامی
سرور زار سال تر حلیش	گفت برضا علی ماسه
تاریخ وفات دیوان امر ناتمه اکبری که در سال کبیر از دود و صد و شصت و دو چار بود	آه دیوان اکابر امر ناتمه
شد چو در دیوان که ملک بقا	بار دیگر ماسه شاعر امر ناتمه
رحلت او فاضل علم اکبری	











فلک  
مبارک و جلاله  
چنانچه در حدیث آمده است  
و قد روان اهل بیرون را ایست  
چونانی که گذشت ۱۲

۲۱

فرین بحر غم شد خلق چون گشت همه بے سر سران دهر ماندند بچرخ آمد ز داغ غم دل جرخ شد از زخم غم آن جان عالم دل بلبل ز داغ بجز گل خورد فغان ز دسر و راز سر آه	چنین پاکینه گوهر گشته افوس چو از سر گشت افسر گشته افوس چو شد آن ماه سپید گشته افوس چنان بی تیغ و خنجر گشته افوس نکجه بین شد کل تر گشته افوس کر گشته تاجی گوار گشته افوس
تاریخ وفات مهاراجه مندرنگه بهادر والی پشاکره در سال ۱۲۳۵ هجری قمری مندرنگه کرد از در حیات بسال رحلتش سه روزند اگر د	دلا در جنگ مرد پهلوان مرد کرستم دل مهاراجه جو ان مرد
انصاف مطالبی شده است	
افسوس که در موقع ایام جو تاریخ جو ان مرگه آن والی کلیم	از ملک جهان والی پشاکره دوان دل گشت مهاراجه فیاض جو ان
تاریخ وفات رئیس نامدار دیوان کرپارام صاحب وزیر سرکار مهاراجه جمون کشیم ترتیب دیوان عالم دفتر دیوانیان آن امیر ابن امیر و آن وزیر ابن وزیر صاحب دولت جوان طالع علو المصلحت ور اطاعت خاکبوسش سروان زمین و فقه پوشید از عالم رخ پر نور خورشید مثل دریا دل بجوش تا نش آید بجوش چار سوسه نگاشته خود گرم در بنجاب کرد سینه چاک انداز بریشانی چو زلف تابدا سر و خنجرین صبر حیرت بی تاریخ سالی	یعنی کرپارام دیوان صاحب نام فدا صاحب تدبیر عالم گیر و عالی خاندان اهل علم و اهل مصلحت و افسر دانشوران خیم پیش آستانش گردن گردن کشان همچو مردم شد نهان اینچشم مردم ناگهان دیدند با چون ابر که هر بار شد گوهرین ناله و زاری و آه و شور و فربا و دو فغان در زمانه نیک و بد پیر و جوان خرد و کلان گفت کرپارام دیوان و فضا فضا از زبان ۱۲۳۵ هجری قمری
تاریخ وفات محمد سلطان خان رئیس اعظم لاهور آه مه افسوس کان سلطان الانه لست	رفت از ملک جهان آخر باقیم جهان ۱۲۳۵ هجری قمری

<p>چشمه فیض از زمین مسدود شد و احسن گشت پنهان صورت کجینده شمس در زمین و عیش پر و جوان یک خسر بر پا شدند هست باقی نوکر خیرش در گروه اهل خیر به سال حشرش سرور زکاک اشکبار</p>	<p>آه شد بے آب از پنجاب ریای روان جان پاکش کرد ویر و از ارکان بر لاسکان نوحه ماکر و نذر تمش خرد و کلان ماند نام نمایش مذکور در نام آوران شیر عیان پیش محمد رفت سلطان جهان</p>
<p>چو سلطان اقلیم و انشوری رقم کرد سرور تبار رخ سال</p>	<p>پیش کو نصالی بفرود پس رفت که سلطان غالی بفرود پس رفت</p>
<p>چو در بند آن دلی عبده کشور گشت عیان بر اوج نیکو اختر شمس آید چنان بران زلزلدن دبا بن هوا عجب از خطه انگلند شد بحر عطا امیر نی تاجدار می شهسوار می تخت بدار شه عالم نیامی کج کلاست عرش کجا ز رفت از فیض آن سر خیمه جود و کرم بگوش هر که رفت از مقدم این شاه نثار در جهان این گنج بخش فیض برود گذراند بستان خویش کرد و احسن کشت پس اهل غم سرتا باشد مقدمش چش نذر آمد ز لطف سحر سال مقدمش سر</p>	<p>تاریخ تشریف داری شهرزاده ولیعهد پریش آف و یزید در در اقلیم زندگان که در سال یکین از دستبرد و متفاد و شش بر تو آمد بگوش مردم از هر سو صدای میجا برون از مطلق غر و شرف بدو آمد که در یکیت دم بر باد بای باد آمد عجب از سر زمین زندان نیلی برجا آمد جوانی سلوانی مهر بانی مه لقا آمد سجد اندک در لاهور از فضل خدا آمد که در دیار و دیار بارش گدای میا آمد ز سر پا کرد و در خدمت بصدق و حیا که اگر گنجینه اش صد گنج گوهر رفت با آمد کمین غایب اقبال در دولت سرا آمد ز دیدار شفا بخشه بلارفت و شاد آمد زلزلدن تاجدار دولت و کشور با آمد</p>
<p>یافت تاج اقدار و افتخار اقلیم از دل سرور بی تاریخ سال این</p>	<p>تاریخ اخذ خطایست منتاسی هندستان حضرت ملکه معظمه و کشور پاک که در سال ۱۸۶۹ چون شد انگلندشیا منشا عالمیگاه شدند او کشور پرور هند شامیگاه</p>

دلشزاده عالم دالان پر نس آت و یز  
بهاوردی عهد تخت افغان است

۳۱۹

دین سال پاسه بر دست بر شکر  
در دین سال پاسه بر دست بر شکر

دلشزاده عالم دالان پر نس آت و یز  
بهاوردی عهد تخت افغان است

















